Book of Enoch

Translated by R.H. Charles, 1917

کتاب خنوخ

فصل۱

1. سخنان خنوخ در دعای خیرش ،که برگزیدگان و صالحان را با آن برکت داد ،کسانی که در روز مصیبت ،زمانی که همه شریران و بیخدایان نابود خواهند شد ،زندگی خواهند کرد.
2. و او مَثَل خود را آورده ،گفت» :خنوخ ،مردی صالح که چشمانش از جانب خدا باز شده بود ،رؤیای قدوس را در آسمانها دید ،رؤیایی که فرشتگان به من نشان دادند ،و من از آنها همه چیز را شنیدم و از آنها آنچه را که دیدم فهمیدم ،اما نه برای این نسل ،بلکه برای نسلی دور که قرار است بیاید«.
3. درباره برگزیدگان گفتم و مَثَل خود را درباره ایشان بیان کردم :قدوس عظیم از مسکن خود بیرون خواهد آمد.
۴.و خدای ابدی بر زمین ،حتی بر کوه سینا ،قدم خواهد زد و از اردوگاه خود ظاهر خواهد شد ،و با قدرت خود از آسمان آسمانها ظاهر خواهد شد.
5.و همه از ترس خواهند لرزید .و نگهبانان خواهند لرزید .و ترس و لرز شدید آنها را تا انتهای زمین فرا خواهد گرفت.
6.کوههای بلند به لرزه درخواهند آمد ،تپههای مرتفع به پایین پرتاب خواهند شد و مانند موم در برابر شعله ذوب خواهند شد.
۷.و زمین کاملاً شکافته خواهد شد .و هر آنچه بر روی زمین است ،نابود خواهد شد .و داوری بر همهٔ انسانها خواهد بود.
۸.اما با صالحان صلح خواهد کرد .و برگزیدگان را محافظت خواهد کرد ،و رحمت بر آنها خواهد بود .و همه آنها متعلق به خدا خواهند بود ،و آنها سعادتمند خواهند شد ،و همه آنها متبرک خواهند شد .و او به همه آنها کمک خواهد کرد ،و نور بر آنها ظاهر خواهد شد ،و او با آنها صلح خواهد کرد.
۹.و اینک او با دهها هزار نفر از مقدسین خود میآید تا بر همه داوری کند و همهٔ بیدینان را نابود سازد و همهٔ بشر را به خاطر تمام اعمال بیدینی که مرتکب شدهاند و به خاطر تمام سخنان زشتی که گناهکاران بیدین علیه او گفتهاند ،محکوم کند.

فصل۲

1. به هر آنچه در آسمان رخ میدهد بنگرید که چگونه مدار خود را تغییر نمیدهند ،و به ستارگانی که در آسمانند بنگرید که چگونه هر یک در زمان خود طلوع و غروب میکنند ،و از نظم مقرر آنها تجاوز نکنید.
2. به زمین بنگرید و به چیزهایی که از ابتدا تا انتها بر آن رخ میدهد توجه کنید ،اینکه چقدر پایدارند ،چگونه هیچ یک از چیزهای روی زمین تغییر نمیکنند ، بلکه همه کارهای خدا برای شما آشکار است.
3. تابستان و زمستان را بنگر ،که چگونه تمام زمین پر از آب است و ابرها و شبنم و باران بر آن میبارد.

فصل۳

مشاهده کنید و ببینید که چگونه در زمستان ،به نظر میرسد که همه درختان پژمرده شدهاند و تمام برگهایشان ریخته است ،به جز چهارده درخت که شاخ و برگ خود را از دست نمیدهند ،بلکه شاخ و برگ قدیمی را از دو تا سه سال تا زمان رویش درخت جدید حفظ میکنند.

فصل۴

و باز ،به روزهای تابستان نگاه کنید که چگونه خورشید بالای زمین و روبروی آن قرار دارد .و شما به دلیل گرمای خورشید به دنبال سایه و سرپناه هستید ،و زمین نیز از گرمای فزاینده میسوزد ،و بنابراین نمیتوانید به دلیل گرمای آن ،روی زمین یا روی صخره قدم بگذارید.

فصل۵

۱.بنگرید که چگونه درختان خود را با برگهای سبز میپوشانند و میوه میدهند .پس به تمام کارهای او توجه کنید و بدانید و تشخیص دهید که چگونه او که تا ابد زنده است ،آنها را چنین آفریده است.

.2و تمام کارهای او از سال به سال برای همیشه ادامه مییابد ،و تمام وظایفی که برای او انجام میدهند ،و وظایف آنها تغییر نمیکند ،بلکه همانطور که خدا مقدر کرده است ،انجام میشود.
.۳و بنگرید که چگونه دریا و رودخانهها به همین ترتیب وظایف خود را انجام میدهند و از فرامین او منحرف نمیشوند.
.۴اما شما استوار نبودید و فرامین خداوند را انجام ندادید ،بلکه روگردان شدید و با دهان ناپاک خود ،سخنان متکبرانه و تندی علیه عظمت او گفتید .ای سنگدلان ،شما آرامش نخواهید یافت.
.5بنابراین ،روزهای خود را نفرین خواهید کرد و سالهای عمرتان نابود خواهد شد و سالهای نابودی شما در نفرین ابدی چند برابر خواهد شد و هیچ رحمی نخواهید یافت.
.۶در آن روزها ،نامهایتان را برای همهٔ درستکاران ،نفرین ابدی خواهید کرد .و همهٔ کسانی که نفرین میکنند ،شما را نفرین خواهند کرد .و همهٔ گناهکاران و بیخدایان ،شما را نفرین خواهند کرد .و برای شما ،بیخدایان ،نفرین خواهد بود .و همهٔ ... شادمان خواهند شد .و بخشش گناهان و هر رحمت و آرامش و شکیبایی خواهد بود .برای آنها نجات ،نوری نیکو خواهد بود .و برای همهٔ شما گناهکاران ،نجاتی نخواهد بود .بلکه همهٔ شما لعنت را تحمل خواهید کرد.
.۷اما برای برگزیدگان ،نور و شادی و آرامش خواهد بود و آنها زمین را به ارث خواهند برد.
۸و آنگاه به برگزیدگان حکمت عطا خواهد شد ،و همه آنها زنده خواهند ماند و دیگر هرگز گناه نخواهند کرد ،چه از راه بیدینی و چه از راه غرور؛ اما آنان که حکیمند فروتن خواهند بود.
۹و دیگر هرگز گناه نخواهند کرد ،و در تمام روزهای عمر خود گناه نخواهند ورزید ،و از خشم و غضب الهی نخواهند مرد ،بلکه تعداد روزهای عمر خود را کامل خواهند کرد .و عمرشان در آرامش افزوده خواهد شد ،و سالهای شادیشان چندین برابر خواهد شد ،در شادی و آرامش ابدی ،در تمام روزهای عمرشان.

فصل۶

1. و واقع شد که چون فرزندان آدمیان زیاد شدند ،در آن روزگاران دختران زیبا و خوش منظری برای ایشان زاده شدند.
2. و فرشتگان ،فرزندان آسمان ،آنها را دیدند و به آنها شهوترانی کردند و به یکدیگر گفتند» :بیایید ،از میان فرزندان آدم برای خود همسرانی برگزینیم و برای خود فرزندانی به دنیا آوریم«.
3. و سمجازا ،که رهبر آنها بود ،به آنها گفت» :میترسم که شما واقعاً با انجام این کار موافقت نکنید ،و تنها من باید مجازات گناه بزرگی را بپردازم«.
4. و همه آنها به او پاسخ دادند و گفتند» :بیایید همه سوگند یاد کنیم و همه خود را با نفرینهای متقابل ملزم کنیم که از این نقشه دست نکشیم بلکه این کار را انجام دهیم«.
5. سپس همگی سوگند یاد کردند و با نفرینهای متقابل بر آن ،خود را ملزم به این کار نمودند.
6. و ایشان جمعاً دویست نفر بودند که در ایام یارد بر قله کوه حرمون فرود آمدند و آن را کوه حرمون نامیدند ،زیرا بر آن قسم خورده بودند و خود را با نفرینهای متقابل مقید کرده بودند.
7. و اسامی سرانشان این است :سِمیازاز ،رهبرشان ،اراکیبا ،رامِیل ،کوکابیئل ،تمییل ،رامئیل ،دانل ،ئزقِیل ،باراقیجال ،آسائل ،آرماروس ،بطارِل ،آنانال ، ساپِیل ،ساقِیل.Sariêl ،Jômjâêl ،
8. اینها رؤسای دهگان آنها هستند.

فصل۷

1. و دیگران نیز با ایشان ،زنانی برای خود گرفتند و هر کسی برای خود زنی برگزید و شروع به آمیزش با ایشان و آلوده کردن خود با ایشان کردند و به ایشان افسون و جادو و بریدن ریشهها آموختند و ایشان را با گیاهان آشنا ساختند.
2. و آنها باردار شدند و غولهای بزرگی به دنیا آوردند که قدشان سه هزار اِل بود.
3. که تمام داراییهای بشر را بلعید .و هنگامی که بشر دیگر نتوانست آنها را حفظ کند،
4. غولها علیه آنها قیام کردند و انسانها را خوردند.
5. و آنها شروع به گناه کردن علیه پرندگان و حیوانات و خزندگان و ماهیان کردند و گوشت یکدیگر را خوردند و خون نوشیدند.
6. آنگاه زمین ،بیقانونان را متهم کرد.

فصل۸

1. و عزازیل به مردان ساختن شمشیر و چاقو و سپر و زره را آموخت و فلزات زمین و هنر کار با آنها و دستبند و زیورآلات و کاربرد آنتیموان و زیباسازی پلک چشم و انواع سنگهای قیمتی و انواع رنگهای معطر را به آنها آموخت.
2. و بیخدایی زیادی رواج یافت و مرتکب زنا شدند و گمراه گشتند و در تمام راههای خود فاسد شدند .سمجازا جادوگری و ریشهکنی گیاهان را آموخت ، آرماروس حل کردن جادوگریها را ،براقیجال نجوم آموخت ،کوکابیل صورتهای فلکی را ،حزقییل دانش ابرها را ،عراقیئل نشانههای زمین را ،شمسیئل نشانههای خورشید را و ساریئل مسیر ماه را .و چون آدمیان هلاک میشدند ،فریاد میزدند و فریادشان به آسمان میرفت...

فصل۹

1. و سپس میکائیل ،اوریل ،رافائل و جبرئیل از آسمان به پایین نگاه کردند و دیدند که خون زیادی بر زمین ریخته میشود و تمام بیقانونیها بر زمین انجام میشود.
2. و به یکدیگر گفتند» :زمین از سکنه خالی شده است ،صدای نالههای ایشان تا دروازههای آسمان رسیده است«.
3. و اکنون به سوی شما ،مقدسین آسمان ،ارواح انسانها دادخواست خود را تقدیم میکنند و میگویند» :دعوای ما را به حضور حضرت اعلی بیاورید«.
4. و به پروردگار اعصار گفتند» :ای پروردگار اربابان ،خدای خدایان ،پادشاه پادشاهان و خدای اعصار ،تخت جلال تو برای همه نسلهای اعصار پابرجاست ، و نام تو مقدس و باشکوه و مبارک برای همه اعصار است«!
5. تو همه چیز را آفریدهای ،و بر همه چیز قدرت داری؛ و همه چیز در نظر تو برهنه و آشکار است ،و تو همه چیز را میبینی ،و هیچ چیز نمیتواند از تو پنهان بماند.

6. میبینی که عزازیل چه کرده است ،کسی که تمام بیعدالتیها را در زمین آموخت و اسرار ابدی را که در آسمان محفوظ بود و انسانها برای یادگیری آن تلاش میکردند ،آشکار کرد.
7. و سمجازا ،که به او اختیار دادی تا بر همکارانش حکومت کند.
8. و آنها به سوی دختران آدمیان روی زمین رفته و با زنان همبستر شدهاند و خود را نجس کردهاند و انواع گناهان را به آنها آشکار ساختهاند.
9. و زنان غولها را به دنیا آوردهاند ،و بدین ترتیب تمام زمین پر از خون و بیعدالتی شده است.
10. و اکنون ،بنگرید ،ارواح مردگان فریاد میزنند و به دروازههای آسمان التماس میکنند ،و نالههایشان به سوی بالا رفته است :و به سبب اعمال ناشایستی که بر زمین انجام میشود ،نمیتواند متوقف شود.
11. و تو همه چیز را پیش از وقوع میدانی ،و این چیزها را میبینی و از آنها رنج میبری ،و به ما نمیگویی که در این موارد با آنها چه کنیم.

فصل ۱۰

.1سپس خدای متعال ،مقدس و بزرگ ،سخن گفت و اوریل را نزد پسر لامخ فرستاد و به او گفت:
.۲نزد نوح برو و به نام من به او بگو» خودت را پنهان کن «!و پایانی را که نزدیک است به او آشکار کن :اینکه تمام زمین نابود خواهد شد و طوفانی بر تمام زمین خواهد آمد و هر آنچه را که بر روی آن است نابود خواهد کرد.
.۳و اکنون به او دستور دهید که فرار کند و نسل او برای همه نسلهای جهان حفظ شود.
.۴و دوباره خداوند به رافائل گفت» :دست و پای عزازیل را ببند و او را در تاریکی بینداز .و در بیابانی که در دودائیل است ،شکافی ایجاد کن و او را در آن بینداز«.
.5و روی او سنگهای ناهموار و ناهموار قرار دهید و او را با تاریکی بپوشانید و بگذارید برای همیشه در آنجا بماند و روی او را بپوشانید تا نور را نبیند.
.۶و در روز داوری بزرگ ،او به آتش افکنده خواهد شد .و زمینی را که فرشتگان فاسد کردهاند ،شفا خواهد داد و شفای زمین را اعلام خواهد کرد تا طاعون را شفا دهند و همه فرزندان بشر از طریق تمام اسراری که نگهبانان فاش کردهاند و به پسران خود آموختهاند ،هلاک نشوند.
.8و تمام زمین به خاطر اعمالی که عزازیل آموخته است ،فاسد شده است .همه گناهان را به او نسبت دهید.
.9و خداوند به جبرئیل گفت» :علیه حرامزادگان و مرتدان و علیه فرزندان زنا پیش برو .و فرزندان زنا و فرزندان نگهبانان را از میان مردم نابود کن و آنها را بیرون بیاور .آنها را به جان یکدیگر بینداز تا در جنگ یکدیگر را نابود کنند .زیرا آنها برای مدت طولانی زنده نخواهند ماند«.
.۱۰و هیچ درخواستی که پدرانشان از تو میکنند ،به پدرانشان از طرف آنها داده نخواهد شد؛ زیرا آنها امیدوارند که زندگی ابدی داشته باشند و هر یک از آنها پانصد سال عمر کند.
.۱۱و خداوند به میکائیل فرمود» :برو ،سمجازا و یارانش را که با زنان پیوند برقرار کردهاند و خود را با آنها در تمام ناپاکیهایشان آلوده کردهاند ،ببند«.
.12و هنگامی که پسرانشان یکدیگر را کشتند و نابودی عزیزانشان را دیدند ،آنها را برای هفتاد نسل در درههای زمین محکم ببندید ،تا روز داوری و پایان آنها ،تا زمانی که داوری ابدی و ابدی به پایان برسد.
.۱۳در آن روزها ،آنها به ورطه آتش و به عذاب و زندانی که برای همیشه در آن محبوس خواهند بود ،کشیده خواهند شد.
.۱۴و هر که محکوم و نابود شود ،از آن پس تا پایان همه نسلها با آنها پیوند خواهد داشت.
.۱۵و تمام ارواح مطرود و فرزندان ناظران را نابود کنید ،زیرا آنها به بشریت ستم کردهاند.
.۱۶هر بدی را از روی زمین نابود کنید و بگذارید هر کار بدی پایان یابد :و بگذارید گیاه عدالت و حقیقت پدیدار شود :و این برکت خواهد بود؛ آثار عدالت و حقیقت برای همیشه در حقیقت و شادی کاشته خواهند شد.
۱۷و آنگاه همهٔ پارسایان رهایی خواهند یافت ،و تا زمانی که هزاران فرزند به دنیا آورند ،زنده خواهند ماند ،و تمام روزهای جوانی و پیری خود را در آرامش به پایان خواهند رساند.
۱۸و آنگاه تمامی زمین در پارسایی کشت خواهد شد ،و همه جا درخت کاشته خواهد شد و پر از برکت خواهد گردید.
.۱۹و همه درختان مرغوب در آن کاشته خواهند شد ،و تاکها در آن غرس خواهند کرد .و تاکی که در آن کاشته میشود ،شراب فراوان خواهد داد ،و از هر دانهای که در آن کاشته میشود ،هر پیمانه هزار پیمانه بار خواهد داد ،و هر پیمانه زیتون ده پیمانه روغن خواهد داد.
.۲۰و زمین را از هرگونه ظلم و ستم ،از هرگونه بیعدالتی ،از هرگونه گناه و از هرگونه بیخدایی پاک کن .و تمام پلیدیهایی که بر زمین اعمال میشود را از روی زمین نابود کن.
.۲۱و همه فرزندان آدم پارسا خواهند شد ،و همه ملتها مرا ستایش و پرستش خواهند کرد ،و همه مرا پرستش خواهند کرد .و زمین از هرگونه آلودگی ،از هرگونه گناه ،از هرگونه مجازات و از هرگونه عذاب پاک خواهد شد ،و من دیگر هرگز آنها را نسل به نسل و برای همیشه بر آن نخواهم فرستاد.

فصل۱۱

1. و در آن روزها ،خزانههای برکت را که در آسمان است ،خواهم گشود تا آنها را بر زمین بر کار و زحمت فرزندان آدم نازل کنم.
2. و حقیقت و صلح در تمام روزهای جهان و در تمام نسلهای بشر با هم خواهند بود.

فصل۱۲

.1پیش از این ،خنوخ پنهان بود و هیچکس از فرزندان آدم نمیدانست او کجا پنهان شده است ،کجا اقامت دارد و چه بر سرش آمده است.
.۲و فعالیتهای او مربوط به نگهبانان بود ،و روزهایش با مقدسین میگذشت.
.3و من ،خنوخ ،پروردگار جلال و پادشاه اعصار را ستایش میکردم ،و اینک ،نگهبانان مرا خنوخ کاتب نامیدند و به من گفتند:
.۴ای خنوخ ،ای کاتب عدالت ،برو و به ناظران آسمان که آسمان بلند ،مکان مقدس ابدی را ترک کردهاند و خود را با زنان آلوده کردهاند و مانند فرزندان زمین عمل کردهاند و همسرانی برای خود گرفتهاند ،اعلام کن» :شما ویرانی بزرگی بر زمین به بار آوردهاید.
.۵و شما نه آرامشی خواهید داشت و نه بخششی از گناه؛ و از آنجایی که آنها از فرزندانشان لذت میبرند،
.۶آنها قتل عزیزانشان را خواهند دید ،و بر نابودی فرزندانشان سوگواری خواهند کرد و تا ابد تضرع خواهند نمود ،اما شما به رحمت و آرامش دست نخواهید یافت.

فصل۱۳

.1و خنوخ رفت و گفت» :ای عزازیل ،تو آرامش نخواهی داشت .حکم سختی علیه تو صادر شده است تا تو را به بند بکشد«.
.۲و به خاطر بیعدالتی که آموختهای و به خاطر تمام اعمال بیخدایی و بیعدالتی و گناهی که به مردم نشان دادهای ،تو را تحمل نخواهند کرد و درخواستی از تو نخواهند داشت.
.3سپس من رفتم و با همه آنها صحبت کردم .همه آنها ترسیدند و ترس و لرز آنها را فرا گرفت.
.4و آنها از من خواستند که برای آنها دادخواستی بنویسم تا بتوانند بخشش را بیابند و دادخواست خود را در حضور پروردگار آسمانها بخوانم.
.۵زیرا از آن پس ،آنها نمیتوانستند با او صحبت کنند و یا از شرم گناهانی که به خاطر آنها محکوم شده بودند ،چشمان خود را به سوی آسمان بلند کنند.
.6سپس درخواست و دعای آنها را در مورد روح و اعمالشان به صورت جداگانه و در مورد درخواستهایشان برای بخشش و افزایش طول عمر نوشتم.
.7و من رفتم و در کنار آبهای دان ،در سرزمین دان ،در جنوب غربی حرمون نشستم .دادخواست آنها را خواندم تا اینکه خوابم برد.
.10و اینک خوابی به من رسید و رؤیاهایی بر من نازل شد .رؤیاهایی از عذاب دیدم .صدایی آمد که به من دستور میداد آن را به پسران آسمان بگویم و آنها را توبیخ کنم.
.9وقتی بیدار شدم ،به آنها رسیدم .همه آنها در آبلسجیل ،که بین لبنان و سنسر است ،جمع شده بودند و گریه میکردند و صورتهایشان را پوشانده بودند.
.10و من تمام رؤیاهایی را که در خواب دیده بودم ،برایشان تعریف کردم و شروع به گفتن سخنان درست و سرزنش کردن ناظران آسمانی کردم.

فصل۱۴

.۱کتاب کلمات عدالت ،و کتاب سرزنش ناظران ابدی مطابق با فرمان خدای بزرگ در آن رؤیا.
.2من در خواب دیدم آنچه را که اکنون با زبان جسمانی و با نفس دهانم خواهم گفت :آنچه را که خدای بزرگ به انسانها داده است تا با آن سخن بگویند و با قلب بفهمند.
.۳همانطور که او انسان را آفریده و به او قدرت فهم کلام حکمت را داده است ،مرا نیز آفریده و به من قدرت سرزنش کردن ناظران ،فرزندان آسمان ،را داده است.
.4من درخواست شما را نوشتم و در رؤیای من چنین به نظر رسید که درخواست شما در تمام روزهای ابدیت به شما داده نخواهد شد و این حکم در نهایت بر شما صادر شده است .بله ،درخواست شما به شما داده نخواهد شد.
.۵و از این پس ،تا ابد به آسمان صعود نخواهی کرد ،و در بندهای زمین ،حکم صادر شده است تا تو را برای تمام روزهای جهان گرفتار کند.
.۶و اینکه پیش از این ،نابودی پسران عزیزتان را دیدهاید و از آنها لذت نخواهید برد ،بلکه آنها در برابر شما با شمشیر خواهند افتاد.
.۷و درخواست شما از طرف آنها ،و حتی از طرف خودتان ،پذیرفته نخواهد شد :حتی اگر گریه کنید و دعا کنید و تمام کلمات موجود در نوشتهای را که من نوشتهام ،بیان کنید.
.8و این رؤیا به من نشان داده شد :اینک ،در رؤیا ،ابرها مرا فرا خواندند و مه مرا فرا خواند ،و مسیر ستارگان و رعد و برق مرا شتاب داد و به پیش راند ، و بادهای رؤیا مرا به پرواز درآوردند و مرا به بالا بردند و به آسمان بردند.
.10و من وارد شدم تا به دیواری که از بلور ساخته شده بود و با زبانههای آتش احاطه شده بود ،نزدیک شدم .و شروع به ترسیدن کردم.
.10و من به زبان آتش رفتم و به خانه بزرگی که از بلور ساخته شده بود نزدیک شدم .دیوارهای خانه مانند کف کاشی کاری شده از بلورها بود و پایه های آن از بلور ساخته شده بود.
.۱۱سقف آن مانند مسیر ستارگان و آذرخشها بود و در میان آنها کروبیان آتشین بودند و آسمان آنها مانند آب زلال بود.
.۱۲آتشی شعلهور دیوارها را احاطه کرده بود و دروازههایش از آتش شعلهور بودند.
.13و من وارد آن خانه شدم ،و مانند آتش گرم و مانند یخ سرد بود .هیچ لذتی از زندگی در آنجا نبود .ترس مرا فرا گرفت و لرز مرا فرا گرفت.
.۱۴و در حالی که میلرزیدم و میلرزیدم ،به روی خود افتادم.
.15و من رویایی دیدم ،و اینک خانه دومی بزرگتر از خانه اول بود ،و تمام دروازه در مقابل من باز بود ،و از شعلههای آتش ساخته شده بود.
.۱۶و از هر نظر چنان در شکوه و جلال و عظمت و وسعت سرآمد بود که من نمیتوانم شکوه و وسعت آن را برای شما توصیف کنم.
.17و کف آن از آتش بود ،و بالای آن رعد و برق و مسیر ستارگان بود ،و سقف آن نیز آتش شعلهور بود.
.18و من نگاه کردم و در آنجا یک تخت بلند دیدم .ظاهر آن مانند بلور بود و چرخهای آن مانند خورشید درخشان بودند .و در آنجا کروبیان دیده میشدند.
.19و از زیر تخت ،نهرهایی از آتش شعلهور بیرون آمد ،به طوری که نمیتوانستم به آن نگاه کنم.
.20و جلال بزرگ بر آن نشسته بود ،و جامههایش از خورشید درخشانتر و از هر برفی سفیدتر بود.
.۲۱هیچ یک از فرشتگان نمیتوانستند به دلیل شکوه و جلال ،وارد شوند و چهره او را ببینند و هیچ بشری نمیتوانست او را ببیند.
.۲۲آتش شعلهور او را احاطه کرده بود ،و آتش بزرگی در برابرش ایستاده بود ،و هیچکس در اطراف نمیتوانست به او نزدیک شود .ده هزار برابر ده هزار نفر در برابرش ایستاده بودند ،اما او به هیچ مشاوری نیاز نداشت.
.۲۳و مقدسترین کسانی که به او نزدیک بودند ،شبها او را ترک نمیکردند و از او جدا نمیشدند.
.۲۴و تا آن زمان من روی زمین افتاده بودم و میلرزیدم .و خداوند با دهان خود مرا صدا زد و به من گفت» :بیا اینجا ،خنوخ ،و کلام مرا بشنو«.
.25و یکی از مقدسین نزد من آمد و مرا بیدار کرد .و او مرا بلند کرد و به سمت در رفت .و من صورتم را به پایین خم کردم.

فصل۱۵

.1و او به من پاسخ داد و گفت ،و من صدای او را شنیدم» :ای خنوخ ،مرد عادل و کاتب عدالت ،مترس .به اینجا بیا و صدای مرا بشنو«.
.۲و برو ،به نگهبانان آسمان که تو را برای شفاعت فرستادهاند ،بگو» :تو باید برای مردان شفاعت کنی ،نه مردان برای تو«.
.۳چرا آسمان بلند ،مقدس و ابدی را ترک کردید و با زنان همبستر شدید و خود را با دختران آدمیان آلوده کردید و زنان گرفتید و مانند فرزندان زمین رفتار کردید و غولهایی مانند پسران خود به دنیا آوردید؟
.۴و اگرچه شما مقدس و روحانی بودید و حیات جاودان داشتید ،خود را با خون زنان آلوده کردید و با خون جسم فرزندانی به دنیا آوردید و مانند فرزندان انسان ،مانند کسانی که میمیرند و هلاک میشوند ،هوس گوشت و خون کردید.
.5بنابراین ،من به آنها همسرانی نیز دادهام تا آنها را باردار کنند و از آنها فرزندانی به دنیا آورند ،تا در زمین چیزی برایشان کم نباشد.
.۶اما تو پیش از این روحانی بودی ،حیات جاودان داشتی و برای همه نسلهای جهان جاودانه بودی.
.۷و از این رو ،من برای شما همسرانی تعیین نکردهام ،زیرا برای روحانیان آسمان ،مسکن آنها در آسمان است.

.8و اکنون ،غولهایی که از ارواح و گوشت تولید میشوند ،ارواح شیطانی بر روی زمین نامیده میشوند و زمین محل سکونت آنها خواهد بود.
.۹ارواح پلید از بدنهایشان برخاستهاند؛ زیرا از انسان زاده شدهاند و از نگهبانان مقدس آغاز و منشأ اولیه آنهاست؛ آنها ارواح پلید بر روی زمین خواهند بود و ارواح پلید نامیده خواهند شد.
.۱۰ارواح آسمانی ،در آسمان مسکن خواهند داشت ،اما ارواح زمینی که بر روی زمین متولد شدهاند ،بر روی زمین مسکن خواهند داشت.
.۱۱و ارواح غولها ،زمین را آزار میدهند ،سرکوب میکنند ،نابود میکنند ،حمله میکنند ،میجنگند و ویرانی به بار میآورند و دردسر ایجاد میکنند .آنها غذا نمیخورند ،اما گرسنگی و تشنگی به بار میآورند و باعث گناه میشوند .و این ارواح علیه فرزندان آدم و زنان قیام خواهند کرد ،زیرا از آنها سرچشمه گرفتهاند.

فصل۱۶

.۱از روزهای کشتار و نابودی و مرگ غولها ،از روحهای جسمشان ،ارواح ،پس از خروج ،بدون اینکه داوری شوند ،نابود خواهند کرد - بدین ترتیب تا روز پایان ،داوری بزرگی که در آن عصر بر ناظران و بیخدایان به پایان خواهد رسید ،نابود خواهند کرد ،بله ،کاملاً به پایان خواهد رسید.
.۲و اکنون به نگهبانانی که تو را برای شفاعت نزد ایشان فرستادهاند ،که پیش از این در آسمان بودند ،بگو:
» .۳تو در آسمان بودی ،اما هنوز همه اسرار بر تو آشکار نشده بود ،و تو اسرار بیارزش را میدانستی ،و این اسرار را با سنگدلی خود به زنان آشکار کردی ، و از طریق این اسرار ،زنان و مردان شرارت زیادی را در زمین مرتکب میشوند«.
.۴بنابراین به آنها بگو» :شما آرامش ندارید«.

فصل۱۷

.1و آنها مرا به جایی بردند که در آن کسانی که آنجا بودند مانند آتش شعلهور بودند و وقتی میخواستند ،به صورت انسان ظاهر میشدند.
.2و آنها مرا به تاریکی و به کوهی که قلهاش به آسمان میرسید ،آوردند.
.3و من مکانهای نورانی و گنجینههای ستارگان و رعد و برق را دیدم و در اعماق ،کمانهای آتشین و تیرهایشان و شمشیر آتشین و همه رعد و برقها را دیدم.
.4و آنها مرا به آبهای زنده و به آتش غرب بردند ،که هر غروب خورشید را دریافت میکند.
.5و من به رودخانهای از آتش رسیدم که در آن آتش مانند آب جاری میشود و به دریای بزرگ به سمت غرب میریزد.
.6من رودخانههای بزرگ را دیدم و به رودخانه بزرگ و تاریکی بزرگ رسیدم و به جایی رفتم که هیچ بشری در آن راه نمیرود.
.7من کوههای تاریکی زمستان و جایی را دیدم که تمام آبهای ژرف از آنجا جاری میشوند.
.۸من دهانههای همه رودخانههای زمین و دهانه ژرفا را دیدم.

فصل۱۸

.1من خزانههای همه بادها را دیدم :دیدم که چگونه او تمام آفرینش و پایههای محکم زمین را با آنها تجهیز کرده بود.
.2و من سنگ زاویه زمین را دیدم .من چهار باد را دیدم که زمین و آسمان را حمل میکنند.
.3و من دیدم که چگونه بادها طاقهای آسمان را گسترش میدهند و بین آسمان و زمین قرار میگیرند .اینها ستونهای آسمان هستند.
.۴من بادهای آسمان را دیدم که میچرخند و دایره خورشید و همه ستارگان را به غروب خود میآورند.
.۵بادهای روی زمین را دیدم که ابرها را حمل میکردند :مسیرهای فرشتگان را دیدم .در انتهای زمین ،آسمانِ بالا را دیدم.
.6و من ادامه دادم و مکانی را دیدم که روز و شب میسوزد .در آنجا هفت کوه از سنگهای باشکوه وجود دارد ،سه کوه به سمت شرق و سه کوه به سمت جنوب.
.7و اما آنهایی که در شرق بودند ،یکی از سنگهای رنگین ،یکی از مروارید ،یکی از یاقوت کبود و آنهایی که در جنوب بودند از سنگ قرمز.
.8اما آن وسطی مانند تخت خدا ،از مرمر سفید ،به آسمان میرسید و قله تخت از یاقوت کبود بود.
.9و من آتشی شعلهور دیدم .و فراتر از این کوهها ،منطقهای است که انتهای زمین بزرگ است .در آنجا آسمانها کامل شدند.
.10و من یک پرتگاه عمیق با ستونهای آتش آسمانی دیدم .در میان آنها ستونهای آتش را دیدم که از نظر ارتفاع و عمق به طور یکسان بودند.
.11و فراتر از آن پرتگاه ،مکانی را دیدم که هیچ آسمان آسمانی در بالا و هیچ زمین محکمی در زیر آن وجود نداشت .هیچ آبی در آن نبود و هیچ پرندهای وجود نداشت .اما آنجا مکانی متروک و وحشتناک بود.
.12من هفت ستاره را مانند کوههای بزرگ و سوزان در آنجا دیدم ،و وقتی در مورد آنها سؤال کردم،
.۱۳فرشته گفت» :این مکان ،انتهای آسمان و زمین است :این مکان ،زندانی برای ستارگان و لشکر آسمان شده است«.
.14و ستارگانی که بر آتش میغلتند ،کسانی هستند که در آغاز طلوع خود از فرمان خداوند سرپیچی کردهاند ،زیرا در زمان مقرر خود بیرون نیامدهاند.
.۱۵و او از آنها خشمگین شد و آنها را تا زمانی که گناهشان به پایان برسد ،حتی برای ده هزار سال ،زندانی کرد.

فصل۱۹

1. و اوریل به من گفت» :اینجا فرشتگانی که خود را با زنان درآمیختهاند ،و ارواحشان که به اشکال مختلف درمیآیند ،بشر را آلوده میکنند و او را به سوی قربانی کردن برای شیاطین به عنوان خدایان گمراه میکنند ،خواهند ایستاد تا روز داوری بزرگ که در آن داوری خواهند شد تا زمانی که کارشان تمام شود«.
2. و زنان فرشتگانی که گمراه شدند نیز پریهای دریایی خواهند شد.
3. و من ،خنوخ ،تنها آن رؤیا ،پایان همه چیز را دیدم :و هیچ کس آن گونه که من دیدهام ،نخواهد دید.

فصل۲۰

.۱و اینها نامهای فرشتگان مقدسی هستند که نگهبانی میدهند.
.۲اوریل ،یکی از فرشتگان مقدس ،که بر جهان و بر تارتاروس است.
.۳رافائل ،یکی از فرشتگان مقدس ،که بر ارواح انسانها مسلط است.
.۴راگوئل ،یکی از فرشتگان مقدس که از دنیای نورانی انتقام میگیرد.
.۵میکائیل ،یکی از فرشتگان مقدس ،به عبارت دیگر ،کسی که بر بهترین بخش بشریت و بر هرج و مرج گمارده شده است.

.۶ساراکائل ،یکی از فرشتگان مقدس که بر ارواحی که در روح گناه میکنند ،گمارده شده است.
.۷جبرئیل ،یکی از فرشتگان مقدس ،که بر بهشت و مارها و کروبیان مسلط است.
.۸رمئیل ،یکی از فرشتگان مقدس که خدا او را بر قیامکنندگان گماشته است.

فصل۲۱

.۱و من به جایی رفتم که اوضاع آشفته بود.
.2و من در آنجا چیزی وحشتناک دیدم :من نه آسمانی در بالا دیدم و نه زمینی استوار ،بلکه مکانی آشفته و وحشتناک دیدم.
.3و در آنجا هفت ستاره آسمان را دیدم که مانند کوههای بزرگ به هم پیوسته و با آتش میسوختند.
.4سپس گفتم» :به چه گناهی آنها به بند کشیده شدهاند و به چه دلیل به اینجا انداخته شدهاند؟«
.5سپس اوریل ،یکی از فرشتگان مقدس که با من بود و بر آنها ریاست داشت ،گفت» :خنوخ ،چرا میپرسی و چرا مشتاق حقیقت هستی؟«
.۶اینها به تعداد ستارگان آسمان هستند که از فرمان خداوند سرپیچی کردهاند و در اینجا محبوس شدهاند تا ده هزار سال ،زمانی که گناهانشان ایجاب کرده است ،به پایان برسد.
.7و از آنجا به مکان دیگری رفتم که از اولی وحشتناکتر بود .و چیز وحشتناکی دیدم :آتش بزرگی که در آنجا میسوخت و شعلهور میشد .و آن مکان تا پرتگاه شکافته شده بود و پر از ستونهای بزرگ آتش بود که به سمت پایین میآمدند .من نه وسعت و نه بزرگی آن را میدیدم و نه میتوانستم حدس بزنم.
.۸سپس گفتم» :این مکان چقدر ترسناک و منظره آن چقدر وحشتناک است«!
.۹سپس اوریل ،یکی از فرشتگان مقدس که با من بود ،به من پاسخ داد و به من گفت» :خنوخ ،چرا اینقدر ترس و وحشت داری؟ «و من پاسخ دادم» :به خاطر این مکان ترسناک و به خاطر منظره درد«.
.10و او به من گفت» :این مکان زندان فرشتگان است و آنها برای همیشه در اینجا زندانی خواهند شد«.

فصل۲۲

.1و از آنجا به جای دیگری رفتم .و او در غرب کوه بزرگ و مرتفع دیگری از سنگ سخت را به من نشان داد.
.2و در آن چهار گودال عمیق و پهن و بسیار صاف وجود داشت .چقدر گودالها صاف و عمیق و تاریک هستند که به نظر میرسند.
.3سپس رافائل ،یکی از فرشتگان مقدس که با من بود ،پاسخ داد و به من گفت:
» .۴این گودالها دقیقاً برای همین منظور آفریده شدهاند که ارواح مردگان در آنجا گرد آیند ،آری ،تا همه ارواح فرزندان آدم در اینجا گرد آیند .و این مکانها برای پذیرش آنها تا روز داوریشان و تا دوره مقررشان تا دوره مقرر ،تا زمانی که داوری بزرگ بر آنها نازل شود ،ساخته شدهاند«.
.5من ارواح فرزندان آدمیان را دیدم که مرده بودند و صدایشان به آسمان رفت و] با من [هماهنگ شد.
.6سپس از رافائل ،فرشتهای که با من بود ،پرسیدم و به او گفتم» :این روح ،که صدایش بیرون میآید و] چیزی را [تقلید میکند ،از آن کیست؟«
.7و او به من پاسخ داد» :این روحی است که از هابیل ،که برادرش قابیل او را کشت ،بیرون آمد و او علیه او اقامه دعوی میکند تا نسلش از روی زمین نابود شود و نسلش از میان نسل بشر منقرض گردد«.
.8سپس درباره آن و درباره همه جاهای خالی پرسیدم» :چرا یکی از دیگری جدا شده است؟«
.9و او به من پاسخ داد و به من گفت» :این سه نفر ساخته شدهاند تا ارواح مردگان از هم جدا شوند .و چنین تقسیمی برای ارواح صالحان انجام شده است ،که در آن چشمه آب درخشانی وجود دارد«.
.۱۰و چنین چیزی برای گناهکاران ساخته شده است ،هنگامی که میمیرند و در زمین دفن میشوند و داوری در طول زندگیشان بر آنها اجرا نشده است.
.۱۱در اینجا ارواح آنها در این درد بزرگ تا روز بزرگ داوری و مجازات و عذاب کسانی که برای همیشه نفرین میکنند و انتقام ارواح آنها ،جدا خواهد شد . در آنجا او آنها را برای همیشه به بند خواهد کشید.
.۱۲و چنین تقسیمی برای ارواح کسانی که دعوی خود را مطرح میکنند ،کسانی که در مورد نابودی خود افشاگری میکنند ،زمانی که در روزگار گناهکاران کشته شدند.
.۱۳چنین چیزی برای ارواح مردانی که عادل نبودند ،بلکه گناهکار بودند ،که در گناه کامل بودند ،و برای خطاکاران ساخته شده است .آنها همراهان خواهند بود .اما ارواح آنها در روز داوری کشته نخواهند شد و از آنجا برانگیخته نخواهند شد.
.۱۴سپس من پروردگار جلال را ستایش کردم و گفتم» :متبارک باد پروردگار من ،پروردگار عدالت ،که تا ابد فرمانروایی میکند«.

فصل۲۳

.۱از آنجا به مکانی دیگر در غربِ اقصای زمین رفتم.
.2و من آتش سوزانی را دیدم که بدون توقف میدرخشید و نه روز و نه شب از مسیر خود باز نمیگشت ،بلکه مرتباً میدرخشید.
.3و من پرسیدم و گفتم» :این چیست که آرام نمیگیرد؟«
.4سپس راگوئل ،یکی از فرشتگان مقدس که با من بود ،به من پاسخ داد و به من گفت :این مسیر آتش که دیدهای ،آتشی در غرب است که همه نورانیهای آسمان را آزار میدهد.

فصل۲۴

.1و از آنجا به مکان دیگری از زمین رفتم .و او رشته کوهی از آتش را به من نشان داد که روز و شب میسوخت.
.2و من فراتر از آن رفتم و هفت کوه باشکوه را دیدم که با یکدیگر متفاوت بودند .سنگهای آنها باشکوه و زیبا بودند ،به طور کلی باشکوه ،با ظاهری باشکوه و ظاهری زیبا .سه کوه به سمت شرق ،یکی بر روی دیگری بنا شده بود ،و سه کوه به سمت جنوب ،یکی بر روی دیگری ،و درههای عمیق و ناهمواری که هیچ یک به دیگری متصل نبود.
.3و کوه هفتم در میان آنها بود و از نظر ارتفاع از آنها برتر بود ،مانند کرسی تخت .و درختان معطر تخت را احاطه کرده بودند.
.4و در میان آنها درختی بود که من هرگز بوی آن را حس نکرده بودم ،و نه در میان آنها و نه در میان دیگران ،مانند آن نبود .عطری فراتر از همه عطرها داشت .برگها ،شکوفهها و چوب آن برای همیشه پژمرده نمیشوند .و میوه آن زیبا است و میوه آن مانند خرمای نخل است.
.5سپس گفتم» :این درخت چقدر زیبا و معطر است ،و برگهایش زیبا و شکوفههایش بسیار دلربا هستند«.

.۶سپس میکائیل ،یکی از فرشتگان مقدس و ارجمند که با من بود و رهبر آنها بود ،پاسخ داد.

فصل۲۵

.1و او به من گفت» :ای خنوخ ،چرا از من درباره عطر درخت میپرسی و چرا میخواهی حقیقت را بدانی؟«
.۲سپس به او پاسخ دادم و گفتم» :میخواهم درباره همه چیز بدانم ،اما به خصوص درباره این درخت«.
.۳و او پاسخ داد» :این کوه بلندی که دیدی ،قلهاش مانند تخت خداست ،تخت اوست ،جایی که خدای بزرگ مقدس ،پروردگار جلال ،پادشاه ابدی ،وقتی که برای دیدار زمین با نیکی فرود میآید ،بر آن خواهد نشست«.
.۴و هیچ انسانی اجازه ندارد این درخت معطر را تا روز داوری بزرگ لمس کند ،زمانی که او از همه انتقام میگیرد و همه چیز را برای همیشه به پایان میرساند .سپس به صالحان و مقدسان داده خواهد شد.
.۵میوه آن برای خوراک برگزیدگان خواهد بود :به مکان مقدس ،به معبد خداوند ،پادشاه ابدی ،کاشته خواهد شد.
۶آنگاه با شادی و سرور شادی خواهند کرد و به مکان مقدس وارد خواهند شد؛ و عطر آن در استخوانهایشان خواهد بود ،و مانند پدرانتان ،عمری طولانی بر روی زمین خواهند داشت؛ و در روزگارشان هیچ غم و طاعون و عذاب و مصیبتی آنها را لمس نخواهد کرد.
.۷سپس خدای جلال ،پادشاه ابدی را ستایش کردم ،که چنین چیزهایی را برای صالحان آماده کرده و آنها را آفریده و وعده داده است که به آنها عطا کند.

فصل۲۶

.1و من از آنجا به وسط زمین رفتم و مکانی مقدس را دیدم که در آن درختانی با شاخههای باقی مانده و شکوفههای یک درخت قطع شده وجود داشت.
.2و در آنجا کوه مقدسی دیدم ،و در زیر کوه ،در شرق ،جویباری بود که به سمت جنوب جاری میشد.
.3و من در شرق کوه دیگری را دیدم که از این بلندتر بود ،و بین آنها یک دره عمیق و باریک وجود داشت .در آن نیز یک رودخانه در زیر کوه جریان داشت.
.4و در غرب آن کوه دیگری بود که از کوه قبلی پایینتر و ارتفاع کمی داشت و درهای عمیق و خشک بین آنها قرار داشت .و دره عمیق و خشک دیگری در انتهای سه کوه قرار داشت.
.۵و همه درهها عمیق و باریک بودند و از سنگ سخت تشکیل شده بودند و درختانی بر روی آنها کاشته نشده بود.
.6و من از صخرهها و دره شگفتزده شدم ،آری ،بسیار شگفتزده شدم.

فصل۲۷

.۱سپس گفتم» :این سرزمین مبارک که سراسر پر از درخت است ،و این درهی نفرینشدهی میان آنها ،برای چیست؟«
.2سپس اوریل ،یکی از فرشتگان مقدس که با من بود ،پاسخ داد و گفت» :این دره نفرین شده برای کسانی است که برای همیشه نفرین شدهاند .در اینجا همه نفرینشدگانی که با لبهایشان علیه خداوند سخنان ناپسند میگویند و از جلال او چیزهای سخت میگویند ،جمع خواهند شد .در اینجا آنها جمع خواهند شد و اینجا محل داوری آنها خواهد بود«.
.۳در روزهای آخر ،نمایش داوری عادلانه در حضور صالحان برای همیشه بر آنها خواهد بود .در اینجا ،رحمکنندگان ،پروردگار جلال ،پادشاه ابدی را ستایش خواهند کرد.
.۴در روزهای داوری بر پیشینیان ،آنها او را به خاطر رحمتی که بر اساس آن نصیبشان را برایشان مقدر کرده است ،ستایش خواهند کرد.
.5سپس من پروردگار جلال را ستایش کردم و جلال او را بیان کردم و او را با شکوه ستایش کردم.

فصل۲۸

.1و از آنجا به سمت شرق ،به میان رشته کوههای بیابان رفتم .و بیابانی دیدم که خلوت و پر از درختان و گیاهان بود.
.2و آب از بالا فوران کرد.
.۳مانند جویباری خروشان که به سمت شمال غربی جاری است ،باعث میشد ابرها و شبنم از هر سو بالا بروند.

فصل۲۹

.1و از آنجا به مکان دیگری در بیابان رفتم و به شرق این رشته کوه نزدیک شدم.
.2و در آنجا درختان معطری دیدم که عطر کندر و مر را منتشر میکردند .درختان نیز شبیه درخت بادام بودند.

فصل۳۰

.1 و فراتر از اینها ،به سمت شرق دور رفتم ،و مکان دیگری دیدم ،درهای پر از آب.
.2و در آن درختی بود به رنگ درختان خوشبو مانند مصطکی.
.۳و در کنارههای آن درهها ،دارچین معطر دیدم .و فراتر از اینها ،به سمت شرق رفتم.

فصل۳۱

.1و کوههای دیگری را دیدم که در میان آنها درختان بیشهای وجود داشت و از آنها شهدی به نامهای سارارا و باریجه جاری میشد.
.2و فراتر از این کوهها ،کوه دیگری را در شرق انتهای زمین دیدم که درختان آلوئه ورا روی آن بودند .همه درختان پر از شکوفههایی مانند درختان بادام بودند.
.۳و هنگامی که آن را میسوزاندند ،از هر بوی خوشی خوشبوتر بود.

فصل۳۲

.1و پس از این بوهای خوش ،وقتی به سمت شمال ،بالای کوهها نگاه کردم ،هفت کوه پر از سنبل هندی مرغوب و درختان معطر و دارچین و فلفل دیدم.
.2و از آنجا من از قلههای همه این کوهها ،به سمت شرق زمین ،عبور کردم و از دریای اریتره عبور کردم و از آن دور شدم و از فرشته زوتیل عبور کردم.
.3و من به باغ عدالت آمدم و در پشت آن درختان ،درختان بزرگ زیادی را دیدم که در آنجا رشد میکردند و عطر خوبی داشتند .بزرگ ،بسیار زیبا و باشکوه ،و درخت خرد که از آن میخورند و خرد زیادی میدانند.
.۴آن درخت مانند درخت صنوبر بلند است و برگهایش مانند برگهای درخت خرنوب است و میوهاش مانند خوشههای انگور بسیار زیباست و عطر درخت تا دوردستها میرسد.
.۵سپس گفتم» :این درخت چقدر زیباست و چه ظاهر جذابی دارد«!
.6سپس رافائل ،فرشته مقدس ،که با من بود ،به من پاسخ داد و گفت» :این درخت حکمت است که پدر پیر و مادر پیر تو که پیش از تو بودند ،از آن خوردند و حکمت آموختند و چشمانشان باز شد و دانستند که برهنه هستند و از باغ رانده شدند«.

فصل۳۳

.1و از آنجا به انتهای زمین رفتم و حیوانات بزرگی را دیدم که با یکدیگر متفاوت بودند .و پرندگانی را دیدم که از نظر ظاهر ،زیبایی و صدا متفاوت بودند ،و هر کدام با دیگری متفاوت بود.
.2و در شرق آن جانوران ،انتهای زمین را دیدم که آسمان بر آن قرار دارد و دروازههای آسمان باز هستند.
.3و من دیدم که چگونه ستارگان آسمان بیرون میآیند ،و دروازههایی را که از آنها بیرون میآیند شمردم ،و تمام خروجیهای آنها را ،هر ستاره به تنهایی ،بر اساس تعداد و نام ،مسیرها و موقعیتهایشان ،و زمانها و ماههایشان نوشتم ،همانطور که فرشته مقدس اوریل که با من بود به من نشان داد.
.۴او همه چیز را به من نشان داد و آنها را برای من نوشت .همچنین نامهای آنها ،قوانین و رسوم آنها را برای من نوشت.

فصل۳۴

.1و از آنجا به سمت شمال به انتهای زمین رفتم .و در آنجا یک دستگاه بزرگ و باشکوه در انتهای کل زمین دیدم.
.2و در اینجا من سه دروازه آسمان را دیدم که در آسمان باز بودند .از طریق هر یک از آنها بادهای شمالی می وزند .وقتی آنها می وزند ،سرما ،تگرگ ، یخبندان ،برف ،شبنم و باران می بارد.
.3و از یک دروازه برای خیر و صلاح میدمند .اما وقتی از دو دروازه دیگر میدمند ،زمین را با خشونت و مصیبت مواجه میکنند و با خشونت میدمند.

فصل۳۵

.1 و از آنجا به سمت غرب تا اقصای زمین رفتم و در آنجا سه دروازه آسمان را باز دیدم ،همانطور که در شرق دیده بودم ،به همان تعداد دروازه و به همان تعداد خروجی.

فصل۳۶

.1و از آنجا به جنوب ،به انتهای زمین رفتم و سه دروازه باز آسمان را دیدم .از آنجا شبنم ،باران و باد میبارد.
.2و از آنجا به شرق ،به انتهای آسمان رفتم و سه دروازه شرقی آسمان را دیدم که باز بودند و دروازههای کوچکی بالای آنها قرار داشتند.
.۳ستارگان آسمان از هر یک از این دروازههای کوچک عبور میکنند و در مسیری که به آنها نشان داده شده است ،به سمت غرب حرکت میکنند.
.4و هر زمان که میدیدم ،همواره پروردگار جلال را ستایش میکردم و پیوسته پروردگار جلال را که شگفتیهای بزرگ و باشکوهی آفریده است ،ستایش میکردم تا عظمت کار خود را به فرشتگان و ارواح و انسانها نشان دهد تا کار او و تمام آفرینش او را ستایش کنند .تا بتوانند کار قدرت او را ببینند و کار بزرگ دستان او را ستایش کنند و او را برای همیشه ستایش کنند.

فصل۳۷

.۱دومین رؤیایی که دید ،رؤیای حکمت - که خنوخ پسر یارد ،پسر مهللئیل ،پسر قینان ،پسر انوش ،پسر شیث ،پسر آدم ،دید.
.2و این آغاز سخنان حکمت است که من صدای خود را بلند کردم تا به ساکنان زمین بگویم :بشنوید ،ای مردمان گذشته ،و ببینید ،ای کسانی که از پی خواهید آمد ،سخنان آن قدوس را که من در حضور پروردگار ارواح خواهم گفت.
.۳بهتر بود که آنها را فقط به مردمان گذشته اعلام میکردیم ،اما حتی از آیندگان نیز آغاز حکمت را دریغ نخواهیم کرد.
.۴تا به امروز ،چنین حکمتی از جانب پروردگار ارواح به من عطا نشده است ،چنانکه من بر اساس بینش خود ،بر اساس خشنودی پروردگار ارواح که نصیب من از زندگی ابدی شده است ،دریافت کردهام.
.۵سه مَثَل به من گفته شد و من با صدای بلند آنها را برای ساکنان زمین بازگو کردم.

فصل۳۸

.۱مَثَل اول .هنگامی که جماعت صالحان ظاهر شوند ،و گناهکاران به خاطر گناهانشان داوری شوند ،و از روی زمین رانده شوند:
.2و هنگامی که آن عادل در برابر چشمان صالحان ظاهر شود ،که کارهای برگزیدهاش بر پروردگار ارواح استوار است ،و نور بر صالحان و برگزیدگانی که بر زمین ساکنند ،ظاهر خواهد شد ،پس مسکن گناهکاران کجا خواهد بود ،و محل استراحت کسانی که پروردگار ارواح را انکار کردهاند کجاست؟ اگر آنها به دنیا نمیآمدند ،برایشان خوب بود.
.۳هنگامی که اسرار صالحان آشکار شود و گناهکاران داوری شوند ،و بیخدایان از حضور صالحان و برگزیدگان رانده شوند،
.۴از آن زمان ،کسانی که زمین را در اختیار دارند ،دیگر قدرتمند و والا نخواهند بود :و آنها نمیتوانند چهره مقدس را ببینند ،زیرا پروردگار ارواح ،نور خود را بر چهره مقدسان ،صالحان و برگزیدگان آشکار کرده است.

.۵آنگاه پادشاهان و قدرتمندان هلاک خواهند شد و به دست صالحان و مقدسان سپرده خواهند شد.
.۶و از آن پس هیچکس برای خود از پروردگار ارواح طلب رحمت نخواهد کرد ،زیرا زندگیاش رو به پایان است.

فصل۳۹

.۱و در آن روزها ،فرزندان برگزیده و مقدس از آسمانهای بلند فرود خواهند آمد و نسل آنها با فرزندان آدم یکی خواهد شد.
.2و در آن روزها ،خنوخ کتابهای شور و خشم و کتابهای اضطراب و طرد را دریافت کرد .و به آنها رحم نخواهد شد ،میگوید پروردگار ارواح.
.3و در آن روزها ،گردبادی مرا از زمین برداشت و در انتهای آسمانها قرار داد.
.4و در آنجا رؤیای دیگری دیدم ،خانههای مقدسین و آرامگاههای صالحین.
.5در اینجا چشمان من مسکنهای آنها را با فرشتگان صالح او و استراحتگاههایشان را با مقدسین دید .و آنها برای فرزندان بشر درخواست و شفاعت و دعا کردند .و عدالت مانند آب پیش روی آنها جاری شد ،و رحمت مانند شبنم بر زمین .بنابراین برای همیشه و همیشه در میان آنها خواهد بود.
۶الف .و در آن مکان چشمانم برگزیدهی پارسایی و ایمان را دید،
۷الف .و من مسکن او را زیر بالهای پروردگار ارواح دیدم.
۶ب .و در روزگار او عدالت حکمفرما خواهد شد ،و صالحان و برگزیدگان تا ابد در حضور او بیشمار خواهند بود.
۷ب .و همه صالحان و برگزیدگان در حضور او مانند نورهای آتشین قوی خواهند بود ،و دهانشان پر از برکت خواهد بود ،و لبهایشان نام پروردگار ارواح را ستایش خواهد کرد ،و عدالت در حضور او هرگز ساقط نخواهد شد ،و راستی در حضور او هرگز شکست نخواهد خورد.
.8آرزو داشتم در آنجا ساکن شوم و روحم مشتاق آن اقامتگاه بود .و از این پس سهم من آنجا بوده است ،زیرا در حضور پروردگار ارواح چنین در مورد من ثابت شده است.
.9در آن روزها ،نام پروردگار ارواح را با ستایش و حمد و ستایش ستایش کردم ،زیرا او مرا برای ستایش و جلال ،مطابق با خشنودی پروردگار ارواح ، مقدر کرده است.
.۱۰مدت زیادی چشمانم به آن مکان خیره ماند و او را ستایش و متبرک کردم و گفتم» :او متبرک است و از ابتدا تا ابد متبرک باد«.
.۱۱و در حضور او هیچ پایانی نیست .او پیش از آفرینش جهان میداند چه چیزی برای همیشه هست و چه چیزی نسل اندر نسل خواهد بود.
.۱۲آنان که نمیخوابند ،تو را ستایش میکنند .آنان در برابر جلال تو میایستند و ستایش و ستایش میکنند و میگویند» :قدوس ،قدوس ،قدوس ،پروردگار ارواح است .او زمین را با ارواح پر میکند«.
.13و در اینجا چشمان من همه کسانی را که نمیخوابند ،دید .آنها در مقابل او ایستاده و دعا میکنند و میگویند» :متبارک باد تو ،و نام خداوند تا ابد متبارک باد«.
.۱۴و چهرهام دگرگون شد ،زیرا دیگر نمیتوانستم ببینم.

فصل۴۰

.1و پس از آن ،هزاران هزار و ده هزار بار ده هزار را دیدم .من جمعیتی را دیدم که شمارش و شمارش آنها غیرممکن بود .آنها در مقابل پروردگار ارواح ایستاده بودند.
.2و در چهار طرف پروردگار ارواح ،چهار حضور دیدم که با کسانی که نمیخوابند متفاوت بودند و نام آنها را آموختم .زیرا فرشتهای که با من بود ،نام آنها را به من گفت و همه چیزهای پنهان را به من نشان داد.
.۳و من صدای آن چهار حضور را شنیدم که در برابر پروردگار جلال ،ستایش میکردند.
.۴صدای اول ،پروردگار ارواح را برای همیشه و همیشه ستایش میکند.
.5و صدای دوم را شنیدم که برگزیدگان و برگزیدگانی را که به پروردگار ارواح وابستهاند ،برکت میداد.
.6و صدای سوم را شنیدم که برای کسانی که روی زمین زندگی میکنند دعا و شفاعت میکند و به نام پروردگار ارواح دعا میکند.
.7و من صدای چهارم را شنیدم که شیاطین را دفع میکرد و آنها را از آمدن به پیشگاه پروردگار ارواح برای متهم کردن ساکنان زمین منع میکرد.
.۸پس از آن ،از فرشته صلح که با من بود و هر آنچه را که پنهان بود به من نشان داد ،پرسیدم» :این چهار حضوری که دیدهام و سخنانشان را شنیده و نوشتهام ،چه کسانی هستند؟«
.۹و او به من گفت» :این اولین میکائیل ،مهربان و بردبار است .و دومی که بر همه بیماریها و همه زخمهای فرزندان بشر نظارت دارد ،رافائل است .و سومی که بر همه قدرتها نظارت دارد ،جبرئیل است .و چهارمی که بر توبه به سوی امید کسانی که وارث زندگی ابدی هستند ،نظارت دارد ،فانوئیل نام دارد«. و اینها چهار فرشته پروردگار ارواح و چهار صدایی هستند که در آن روزها شنیدم.

فصل۴۱

.1و پس از آن ،تمام اسرار آسمانها را دیدم ،و اینکه چگونه پادشاهی تقسیم میشود ،و چگونه اعمال انسانها در ترازو سنجیده میشود.
.2و در آنجا خانههای برگزیدگان و خانههای مقدسین را دیدم .و چشمانم همه گناهکارانی را که نام پروردگار ارواح را انکار میکردند ،از آنجا رانده و به آنجا کشانده میشدند .و آنها به دلیل مجازاتی که از جانب پروردگار ارواح میآید ،نمیتوانستند تحمل کنند.
.3و چشمان من اسرار رعد و برق و رعد و برق و اسرار بادها را دید ،چگونه آنها برای وزیدن بر زمین تقسیم میشوند ،و اسرار ابرها و شبنم را ،و من دیدم که از کجا به آنجا میآیند و از کجا زمین غبارآلود را اشباع میکنند.
.4و در آنجا اتاقهای بستهای دیدم که بادها از آنها جدا میشدند ،اتاق تگرگ و بادها ،اتاق مه و ابرها ،و ابر آنها از آغاز جهان بر فراز زمین معلق بود.
.5و من اتاقهای خورشید و ماه را دیدم ،از کجا میروند و به کجا برمیگردند ،و بازگشت باشکوه آنها ،و اینکه چگونه یکی بر دیگری برتری دارد ،و مدار باشکوه آنها ،و اینکه چگونه از مدار خود خارج نمیشوند ،و هیچ چیزی به مدار خود اضافه نمیکنند و هیچ چیزی از آن کم نمیکنند ،و آنها مطابق سوگندی که به هم بستهاند ،به یکدیگر ایمان دارند.
.6و خورشید ،اول از همه ،طبق فرمان پروردگار ارواح ،راه خود را طی میکند و نام او تا ابد بزرگ باد.
.7و پس از آن ،من مسیر پنهان و مرئی ماه را دیدم ،و او مسیر خود را در آن مکان ،روز و شب طی میکند - یکی در مقابل دیگری در برابر پروردگار ارواح قرار دارد .و آنها شکر و ستایش میکنند و آرام نمیگیرند .زیرا آرامش شکرگزاری آنها از آن آنهاست.
.8زیرا خورشید اغلب برای برکت یا نفرین تغییر میکند ،و مسیر ماه برای صالحان نور و برای گناهکاران تاریکی است ،به نام خداوند ،که بین نور و تاریکی جدایی انداخت ،و ارواح انسانها را از هم جدا کرد ،و ارواح صالحان را تقویت نمود ،به نام عدالت خود.

.۹زیرا هیچ فرشتهای مانع نمیشود و هیچ قدرتی نمیتواند مانع شود؛ زیرا او برای همه آنها داوری تعیین میکند و همه آنها را در حضور خود داوری میکند.

فصل۴۲

.۱حکمت جایی برای سکونت نیافت؛ پس در آسمانها برایش مسکنی تعیین شد.
.2حکمت بیرون رفت تا در میان بنیآدم ساکن شود ،اما جایی برای سکونت نیافت .حکمت به جایگاه خود بازگشت و در میان فرشتگان نشست.
.۳و بیعدالتی از حجرههایش بیرون رفت .کسانی را که جستجو نمیکرد ،یافت و با آنها ساکن شد ،مانند باران در بیابان و شبنم بر زمین تشنه.

فصل۴۳

.1و من رعد و برقهای دیگر و ستارگان آسمان را دیدم ،و دیدم که چگونه او همه آنها را با نامهایشان صدا زد و آنها به او گوش دادند.
.2و من دیدم که چگونه آنها در یک ترازوی درست و بر اساس نسبت نورشان وزن میشوند .من عرض فضاها و روز ظهور آنها را دیدم و اینکه چگونه چرخش آنها رعد و برق ایجاد میکند .و من چرخش آنها را بر اساس تعداد فرشتگان دیدم و اینکه چگونه آنها به یکدیگر ایمان دارند.
.۳و از فرشتهای که با من بود و آنچه را که پنهان بود به من نشان داد ،پرسیدم» :اینها چیستند؟«
.4و او به من گفت :پروردگار ارواح معنای تمثیلی آنها را به تو نشان داده است .اینها نامهای مقدسانی هستند که بر روی زمین ساکن هستند و به نام پروردگار ارواح برای همیشه و همیشه ایمان دارند.

فصل۴۴

همچنین پدیده دیگری را در رابطه با آذرخشها دیدم :اینکه چگونه برخی از ستارگان پدید میآیند و به آذرخش تبدیل میشوند و نمیتوانند از شکل جدید خود جدا شوند.

فصل۴۵

.1و این دومین مَثَل در مورد کسانی است که نام خانهی مقدسین و پروردگار ارواح را انکار میکنند.
.2و به آسمان صعود نخواهند کرد و به زمین نخواهند آمد .چنین خواهد بود سرنوشت گناهکارانی که نام پروردگار ارواح را انکار کردهاند و برای روز رنج و عذاب محفوظ میمانند.
.۳در آن روز ،برگزیده من بر تخت جلال خواهد نشست و اعمال آنها را خواهد سنجید و مکانهای استراحت آنها بیشمار خواهد بود .و روح آنها در درونشان قوی خواهد شد ،هنگامی که برگزیدگان من و کسانی را که نام باشکوه مرا خواندهاند ،میبینند.
.4آنگاه برگزیدهام را در میان آنها ساکن خواهم کرد .و آسمان را دگرگون خواهم کرد و آن را به برکت و نور ابدی تبدیل خواهم کرد.
.5و من زمین را دگرگون خواهم کرد و آن را مایه برکت خواهم ساخت .و برگزیدگان خود را در آن ساکن خواهم ساخت .اما گناهکاران و بدکاران بر آن پا نخواهند گذاشت.
.6زیرا من برای صالحان خود آرامش فراهم کرده و آنها را راضی ساختهام و آنها را در حضور خود ساکن ساختهام .اما برای گناهکاران داوری از جانب من نزدیک است ،به طوری که آنها را از روی زمین نابود خواهم کرد.

فصل۴۶

.1و در آنجا کسی را دیدم که روزهای زیادی داشت و سرش مانند پشم سفید بود .و با او موجودی دیگر بود که چهرهاش مانند انسان بود و چهرهاش مانند یکی از فرشتگان مقدس ،پر از لطف بود.
.2و از فرشتهای که با من رفت و همه چیزهای پنهان را در مورد آن پسر انسان به من نشان داد ،پرسیدم که او کیست و از کجا آمده است و چرا با سر روزها رفته است؟ و او به من پاسخ داد و گفت :این پسر انسان است که عدالت دارد ،عدالت با او ساکن است و همه گنجینههای پنهان را آشکار میکند.
.۳زیرا پروردگار ارواح او را برگزیده است ،و نصیب او این است که تا ابد در پیشگاه پروردگار ارواح ،در درستکاری ،سرآمد باشد.
.۴و این پسر انسان که او را دیدهای ،پادشاهان و قدرتمندان را از تختهایشان و قدرتمندان را از تختهایشان بلند خواهد کرد و افسار قدرتمندان را خواهد گشود و دندانهای گناهکاران را خواهد شکست.
.5و او پادشاهان را از تختها و پادشاهیهایشان به زیر خواهد کشید ،زیرا آنها او را ستایش و تمجید نمیکنند ،و فروتنانه تصدیق نمیکنند که از کجا پادشاهی به آنها عطا شده است.
.6و او چهره قدرتمندان را فرو خواهد ریخت و آنها را با شرمساری پر خواهد کرد .و تاریکی مسکن آنها خواهد بود ،و کرمها بستر آنها خواهند بود ،و آنها امیدی به برخاستن از بستر خود نخواهند داشت ،زیرا نام پروردگار ارواح را ستایش نمیکنند.
.7و اینها کسانی هستند که ستارگان آسمان را داوری میکنند ،و دستهای خود را علیه خدای متعال بلند میکنند ،و بر زمین قدم میزنند و در آن ساکن میشوند .و تمام اعمال آنها ناحق است ،و قدرت آنها بر ثروتشان استوار است ،و ایمان آنها به خدایانی است که با دستان خود ساختهاند ،و نام پروردگار ارواح را انکار میکنند،
.8و آنها خانههای کلیساهای او و مؤمنانی را که به نام پروردگار ارواح پایبند هستند ،آزار و اذیت میکنند.

فصل۴۷

.1و در آن روزها ،دعای صالحان و خون صالحان از زمین به پیشگاه پروردگار ارواح صعود خواهد کرد.
.۲در آن روزها ،مقدسینی که در آسمانها ساکنند ،با یک صدا متحد میشوند و دعا و نیایش میکنند و ستایش مینمایند و شکرگزاری میکنند و نام پروردگار ارواح را به خاطر خون ریخته شدهی صالحان ،متبرک میخوانند .و دعای صالحان در پیشگاه پروردگار ارواح بیهوده نباشد ،تا داوری بر آنها انجام شود و تا ابد رنج نکشند.
.3در آن روزها ،من رئیس ایام را دیدم ،هنگامی که بر تخت جلال خود نشسته بود .و دفتر زندگان در برابر او گشوده شد .و تمام لشکر او که در آسمان بالا هستند و مشاورانش در برابر او ایستاده بودند.

.۴و دلهای مقدسین از شادی لبریز شد؛ زیرا تعداد صالحان تقدیم شده بود ،و دعای صالحان شنیده شده بود ،و خون صالحان در حضور پروردگار ارواح مطالبه شده بود.

فصل۴۸

.1و در آن مکان ،چشمه عدالت را دیدم که تمام نشدنی بود .و در اطراف آن چشمههای حکمت بسیاری بود .و همه تشنگان از آنها نوشیدند و از حکمت سیراب شدند .و خانههای آنها با صالحان ،مقدسین و برگزیدگان بود.
.2و در آن ساعت ،آن پسر انسان در حضور پروردگار ارواح نامگذاری شد و نام او در برابر سر روزها قرار گرفت.
.3بله ،قبل از اینکه خورشید و نشانهها خلق شوند ،قبل از اینکه ستارگان آسمان ساخته شوند ،نام او در حضور پروردگار ارواح نامگذاری شده بود.
.۴او عصایی برای صالحان خواهد بود که بر آن تکیه کنند و نیفتند .و او نور امتها و امید دلهای پریشان خواهد بود.
.۵همه ساکنان زمین در برابر او سجده خواهند کرد و او را پرستش خواهند نمود ،و پروردگار ارواح را ستایش و ستایش خواهند کرد و با سرود او را گرامی خواهند داشت.
.۶و به همین دلیل ،او برگزیده شده و پیش از آفرینش جهان و برای همیشه ،در برابر او پنهان بوده است.
.7و حکمت پروردگار ارواح ،او را بر مقدسین و صالحان آشکار کرده است .زیرا او سرنوشت صالحان را حفظ کرده است ،زیرا آنها از این دنیای بیعدالتی متنفر و بیزار بودهاند ،و از همه اعمال و راههای آن به نام پروردگار ارواح متنفر بودهاند .زیرا به نام او نجات یافتهاند ،و طبق میل او در زندگی آنها چنین بوده است.
.۸در این روزها ،پادشاهان زمین و قدرتمندانی که زمین را در اختیار دارند ،به دلیل اعمال دستهایشان ،چهرههایشان درهم کشیده خواهد شد .زیرا در روز غم و اندوه و مصیبت خود ،نمیتوانند خود را نجات دهند.
.9و آنها را به دست برگزیدگان خود خواهم سپرد .مانند کاه در آتش ،در برابر روی مقدسین خواهند سوخت .مانند سرب در آب ،در برابر روی پارسایان فرو خواهند رفت و دیگر اثری از آنها یافت نخواهد شد.
.10و در روز مصیبت آنها ،بر روی زمین آرامش خواهد بود .و آنها در برابر آنها خواهند افتاد و دیگر برنخواهند خاست .و کسی نخواهد بود که آنها را با دستان خود بگیرد و برخیزاند .زیرا آنها پروردگار ارواح و مسیح او را انکار کردهاند .نام پروردگار ارواح متبارک باد.

فصل۴۹

ل .زیرا حکمت مانند آب ریخته میشود ،و جلال تا ابد از او رخت بر نمیبندد.
.۲زیرا او در تمام اسرار عدالت قادر است ،و بیعدالتی مانند سایهای ناپدید میشود و دوامی نخواهد داشت .زیرا برگزیده در حضور پروردگار ارواح ایستاده است ،و جلال او تا ابدالآباد است ،و قدرت او تا همه نسلها.
.۳و در او روح حکمت ،و روحی که بصیرت میبخشد ،و روح فهم و قدرت ،و روح کسانی که در پارسایی خفتهاند ،ساکن است.
.4و او امور پنهان را داوری خواهد کرد ،و هیچ کس نمیتواند در حضور او سخنی دروغ بگوید .زیرا او برگزیدهی پروردگار ارواح است ،مطابق میل او.

فصل۵۰

.۱و در آن روزها ،برای مقدسین و برگزیدگان تغییری رخ خواهد داد .و نور روزها بر آنها خواهد ماند .و جلال و افتخار به مقدسین روی خواهد آورد.
.۲در روز مصیبت که در آن شر بر گناهکاران ذخیره شده است .و صالحان به نام پروردگار ارواح پیروز خواهند شد .و او دیگران را شاهد این امر قرار خواهد داد تا توبه کنند و از اعمال دست خود دست بردارند.
.۳آنها به نام پروردگار ارواح هیچ افتخاری نخواهند داشت ،اما به نام او نجات خواهند یافت .و پروردگار ارواح بر آنها رحم خواهد کرد ،زیرا رحمت او عظیم است.
.۴و او در داوری خود نیز عادل است .و در حضور جلال او ،بیعدالتی نیز دوام نخواهد آورد .در داوری او ،توبهناپذیران در برابر او هلاک خواهند شد.
.5و از این پس ،پروردگار ارواح میگوید :به آنها رحم نخواهم کرد.

فصل۵۱

.1و در آن روزها ،زمین نیز آنچه را که به او سپرده شده است ،پس خواهد داد .و شئول نیز آنچه را که دریافت کرده است ،پس خواهد داد .و جهنم آنچه را که بدهکار است ،پس خواهد داد.
.۲و او پارسایان و مقدسان را از میان آنها انتخاب خواهد کرد .زیرا روز نجات آنها نزدیک شده است.
.3و در آن روزها ،برگزیده بر تخت من خواهد نشست و دهان او تمام اسرار حکمت و مشورت را خواهد ریخت .زیرا پروردگار ارواح آنها را به او داده و او را جلال داده است.
.4و در آن روزها کوهها مانند قوچها به جست و خیز خواهند پرداخت ،و تپهها نیز مانند برههای سیر از شیر ،جست و خیز خواهند کرد ،و چهرههای همه فرشتگان در آسمان از شادی روشن خواهد شد.
.5زیرا در آن روزها ،برگزیده قیام خواهد کرد و زمین شادمان خواهد شد و صالحان در آن ساکن خواهند شد و برگزیدگان بر آن راه خواهند رفت.

فصل۵۲

ل .و پس از آن روزها در آن مکان که همه رؤیاهای آنچه پنهان است را دیده بودم - زیرا در گردبادی ربوده شده بودم و آنها مرا به سوی غرب برده بودند.
.2در آنجا چشمان من همه چیزهای پنهان آسمان را که خواهد بود ،دید :کوهی از آهن ،کوهی از مس ،کوهی از نقره ،کوهی از طلا ،کوهی از فلز نرم و کوهی از سرب.
.3و از فرشتهای که با من بود پرسیدم» :اینها چه چیزهایی هستند که من در خفا دیدهام؟«
.4و او به من گفت» :تمام این چیزهایی که دیدی ،برای سلطنت مسیح او خدمت خواهند کرد تا او بر زمین قدرتمند و نیرومند باشد«.
.5و آن فرشته صلح به من پاسخ داد و گفت :کمی صبر کن ،و تمام اسرار پیرامون پروردگار ارواح برای تو آشکار خواهد شد.

.6و این کوههایی که چشمانت دیدهاند ،کوه آهن ،کوه مس ،کوه نقره ،کوه طلا ،کوه فلز نرم و کوه سرب ،همه اینها در حضور برگزیده ،مانند موم ،در برابر آتش ،و مانند آبی که از بالا بر آن کوهها جاری میشود ،خواهند بود و در برابر پاهای او ناتوان خواهند شد.
.7و در آن روزها اتفاق خواهد افتاد که هیچ کس نجات نخواهد یافت ،نه با طلا و نه با نقره ،و هیچ کس نمیتواند فرار کند.
.8و آهنی برای جنگ نخواهد بود ،و کسی زره نخواهد پوشید .برنز بیفایده خواهد بود ،و قلع بیفایده و بیارزش خواهد بود ،و سرب بیارزش خواهد بود.
.9و همه اینها از روی زمین محو و نابود خواهند شد ،هنگامی که برگزیده در برابر پروردگار ارواح ظاهر شود.

فصل۵۳

.1در آنجا چشمان من درهای عمیق با دهانهای باز دید ،و همه کسانی که در زمین و دریا و جزایر ساکن هستند ،هدایا و تحفهها و نشانههایی از احترام برای او خواهند آورد ،اما آن دره عمیق پر نخواهد شد.
.2و دستهایشان مرتکب اعمال ناشایست میشود ،و گناهکاران هر کسی را که بیقانون به او ظلم میکنند ،میبلعند .با این حال ،گناهکاران در برابر پروردگار ارواح نابود خواهند شد ،و از روی زمین او تبعید خواهند شد ،و برای همیشه و همیشه هلاک خواهند شد.
.۳زیرا من همه فرشتگان مجازات را دیدم که در آنجا ساکن بودند و تمام ابزارهای شیطان را آماده میکردند.
.۴و از فرشته صلح که با من بود پرسیدم» :این ابزارها را برای چه کسی آماده میکنند؟«
.5و او به من گفت :آنها اینها را برای پادشاهان و قدرتمندان این زمین آماده میکنند تا بدین وسیله آنها را نابود کنند.
.۶و پس از این ،آن پارسا و برگزیده ،خانهی جماعت خود را آشکار خواهد کرد :از این پس ،به نام پروردگار ارواح ،دیگر مانعی بر سر راه آنها نخواهد بود.
.7و این کوهها مانند زمین در برابر عدالت او پایدار نخواهند ماند .اما تپهها مانند چشمه آب خواهند بود و صالحان از ظلم گناهکاران آرامش خواهند یافت.

فصل۵۴

.1و من نگاه کردم و به بخش دیگری از زمین نگاه کردم و دره عمیقی با آتش سوزان دیدم.
.2و پادشاهان و قدرتمندان را آوردند و شروع به انداختن آنها در این دره عمیق کردند.
.3و چشمان من آنجا دید که چگونه آنها این آلات خود را ساختند ،زنجیرهای آهنی با وزن بی اندازه.
.4و از فرشته صلح که با من بود پرسیدم» :این زنجیرها برای چه کسی آماده شدهاند؟«
.5و او به من گفت» :اینها برای لشکریان آزازیل آماده شدهاند تا آنها را بگیرند و به ورطه محکومیت کامل بیندازند .و همانطور که پروردگار ارواح دستور داده است ،فکهایشان را با سنگهای خشن بپوشانند«.
.6و میکائیل و جبرئیل و رافائل و فانوئیل در آن روز بزرگ آنها را خواهند گرفت و در آن روز آنها را در کوره سوزان خواهند انداخت تا پروردگار ارواح از آنها به خاطر بیعدالتیشان در مطیع شدن به شیطان و گمراه کردن ساکنان زمین انتقام بگیرد.
» .۷و در آن روزها ،عذابی از جانب پروردگار ارواح نازل خواهد شد و او تمام حفرههای آب بالای آسمان و چشمههای زیر زمین را خواهد گشود«.
.8و همه آبها به آبها خواهند پیوست :آنچه بالای آسمان است مذکر است و آنچه زیر زمین است مؤنث است.
.9و آنها همه کسانی را که روی زمین و کسانی را که در زیر کرانههای آسمان ساکن هستند ،نابود خواهند کرد.
.10و هنگامی که آنها به بیعدالتیهایی که بر روی زمین مرتکب شدهاند ،پی ببرند ،آنگاه به وسیلهی آنها هلاک خواهند شد.

فصل۵۵

.1و پس از آن ،رئیس روزها توبه کرد و گفت» :من بیهوده همه ساکنان زمین را نابود کردم«.
.2و او به نام بزرگ خود سوگند یاد کرد» :از این پس با همه ساکنان زمین چنین نخواهم کرد و نشانهای در آسمان قرار خواهم داد .و این پیمانی برای حسن نیت بین من و آنها برای همیشه خواهد بود ،تا زمانی که آسمان بالای زمین باشد .و این مطابق دستور من است«.
.3وقتی که من در روز مصیبت و درد به خاطر این ،آنها را با دست فرشتگان گرفتم ،عذاب و خشم خود را بر آنها تحمیل خواهم کرد ،گفت :خدا ،پروردگار ارواح.
.4ای پادشاهان قدرتمندی که بر روی زمین ساکن هستید ،شما باید منتخب مرا ببینید که چگونه بر تخت جلال نشسته و عزازیل و همه یارانش و همه لشکریانش را به نام پروردگار ارواح داوری میکند.

فصل۵۶

.1و من دیدم که لشکر فرشتگان مجازات در آنجا بودند و تازیانهها و زنجیرهای آهنی و برنزی در دست داشتند.
.2و از فرشته صلح که با من بود پرسیدم» :اینها که بلاها را نگه میدارند ،به چه کسانی میروند؟«
.3و او به من گفت» :به برگزیدگان و عزیزانشان ،تا آنها را به ورطهی درههای عمیق بیندازند«.
.4و آن دره پر از برگزیدگان و عزیزانشان خواهد شد .و روزهای زندگی آنها به پایان خواهد رسید .و روزهای گمراهی آنها از آن پس شمرده نخواهد شد.
.5و در آن روزها فرشتگان بازخواهند گشت و خود را به سوی شرق بر پارتیان و مادها خواهند انداخت .آنها پادشاهان را برخواهند انگیخت ،تا روح ناآرامی بر آنها مسلط شود .و آنها را از تختهایشان برخواهند انگیخت ،تا مانند شیران از لانههایشان و مانند گرگهای گرسنه در میان گلههایشان بیرون بیایند.
.6و آنها بالا خواهند رفت و سرزمین برگزیدگان او را زیر پا خواهند گذاشت .و سرزمین برگزیدگان او در برابر آنها خرمنگاه و بزرگراه خواهد بود.
.7اما شهر پارسایان من مانعی برای اسبهایشان خواهد بود .و آنها شروع به جنگیدن با یکدیگر خواهند کرد .و دست راستشان علیه خودشان قوی خواهد بود . و هیچ مردی برادر خود و هیچ پسری پدر یا مادر خود را نخواهد شناخت ،تا زمانی که از طریق کشتار آنها ،تعداد اجساد از بین نرود .و مجازات آنها بیهوده نخواهد بود.
.۸در آن روزها ،شئول دهان خود را باز خواهد کرد و آنها در آن بلعیده خواهند شد و نابودی آنها به پایان خواهد رسید .شئول گناهکاران را در حضور برگزیدگان خواهد بلعید.

فصل۵۷

.1و پس از آن ،من یک دسته دیگر از ارابهها و مردانی را دیدم که بر آنها سوار بودند و از شرق و از غرب به سمت جنوب با باد میآمدند.

.2و صدای ارابههایشان شنیده شد .و هنگامی که این آشوب رخ داد ،مقدسین از آسمان آن را اعلام کردند .و ستونهای زمین از جای خود حرکت کردند و صدای آن از یک سر آسمان تا سر دیگر ،در یک روز شنیده شد.
.۳و همه آنها به خاک افتاده و پروردگار ارواح را پرستش خواهند کرد .و این پایان مَثَل دوم است.

فصل۵۸

.1و من شروع به گفتن سومین مثل در مورد صالحان و برگزیدگان کردم.
.۲خوشا به حال شما ،ای پارسایان و برگزیدگان ،زیرا سرنوشت شما باشکوه خواهد بود.
.۳و صالحان در پرتو خورشید خواهند بود .و برگزیدگان در پرتو حیات جاودان .روزهای زندگی آنها بیپایان خواهد بود ،و روزهای مقدس بیشمار.
.۴و آنها نور را جستجو خواهند کرد و با پروردگار ارواح ،عدالت را خواهند یافت .به نام پروردگار ابدی ،صلح و آرامش برای صالحان خواهد بود.
.۵و پس از این به مقدسین در آسمان گفته خواهد شد که اسرار پارسایی ،میراث ایمان را جستجو کنند .زیرا مانند خورشید بر زمین روشن شده است و تاریکی گذشته است.
.۶و نوری خواهد بود که هرگز پایان نمییابد ،و تا مدت معینی نخواهند آمد ،زیرا تاریکی ابتدا نابود خواهد شد ،و نور در حضور پروردگار ارواح برقرار خواهد شد ،و نور راستی برای همیشه در حضور پروردگار ارواح برقرار خواهد شد.

فصل۵۹

.1در آن روزها ،چشمان من اسرار آذرخشها و نورها و داوریهایی را که اجرا میکنند ،دید و آنها را برای برکت یا نفرین ،همانطور که پروردگار ارواح میخواهد ،روشن کرد.
.2و در آنجا اسرار رعد و برق را دیدم ،و اینکه چگونه وقتی در آسمان میلرزد ،صدای آن شنیده میشود .و او به من نشان داد که داوریهایی که بر روی زمین اجرا میشوند ،چه برای رفاه و برکت باشند و چه برای نفرین ،طبق کلام پروردگار ارواح.
.3و پس از آن ،تمام اسرار نورها و رعد و برق به من نشان داده شد .آنها برای برکت و رضایت روشن میشوند.

فصل۶۰

.۱در سال پانصد ،در ماه هفتم ،در روز چهاردهم ماه در زندگی خنوخ .در آن تمثیل دیدم که چگونه لرزشی عظیم ،آسمان آسمانها را لرزاند و لشکر خدای متعال و فرشتگان ،هزاران هزار و ده هزار برابر ده هزار ،از شدت اضطراب آشفته شدند.
.2و رئیس روزها بر تخت جلال خود نشست و فرشتگان و صالحان در اطراف او ایستاده بودند.
.3و لرزش شدیدی مرا فرا گرفت ،و ترس مرا فرا گرفت ،و کمرم سست شد ،و افسارم گسیخت ،و به روی خود افتادم.
.4و میکائیل فرشته دیگری از میان مقدسین فرستاد و او مرا بلند کرد و وقتی مرا بلند کرد ،روح من بازگشت؛ زیرا من نمیتوانستم نگاه این لشکر و هیاهو و لرزش آسمان را تحمل کنم .و میکائیل به من گفت» :چرا از چنین رؤیایی نگران هستی؟ تا این روز ،روز رحمت او ادامه داشت .و او نسبت به ساکنان زمین مهربان و بردبار بوده است«.
.5و هنگامی که روز و قدرت و مجازات و داوری فرا رسد ،که پروردگار ارواح برای کسانی که قانون عادلانه را نمیپرستند و برای کسانی که داوری عادلانه را انکار میکنند و برای کسانی که نام او را بیهوده میبرند ،آماده کرده است ،آن روز آماده است ،برای برگزیدگان پیمان ،اما برای گناهکاران تفتیش عقاید.
.۶هنگامی که عذاب پروردگار ارواح بر آنها نازل شود ،نازل خواهد شد تا عذاب پروردگار ارواح بیهوده نیاید و فرزندان را با مادرانشان و فرزندان را با پدرانشان بکشد .پس از آن ،داوری بر اساس رحمت و بردباری او انجام خواهد شد.
.7و در آن روز دو هیولا از هم جدا شدند ،یک هیولای ماده به نام لویاتان ،تا در ژرفای اقیانوس ،بر فراز چشمههای آب ،ساکن شود.
.8اما نام نر بهیموت است که با سینه خود بیابانی بایر به نام دویدین را اشغال کرده است ،در شرق باغی که برگزیدگان و صالحان در آن ساکن هستند ،جایی که پدربزرگ من ،هفتمین پس از آدم ،اولین انسانی که پروردگار ارواح آفرید ،به آسمان برده شد.
.10و از فرشته دیگر خواستم که قدرت آن هیولاها را به من نشان دهد ،چگونه آنها در یک روز از هم جدا شدند و به اعماق دریا و دیگری به بیابان خشک پرتاب شدند.
.۱۰و او به من گفت» :ای پسر انسان ،تو در اینجا میخواهی از آنچه پنهان است ،آگاه شوی«.
.11و فرشته دیگری که با من رفت و آنچه را که پنهان بود به من نشان داد ،به من گفت که چه چیزی در آسمان ،در ارتفاع ،در زیر زمین ،در اعماق ،در انتهای آسمان و در پایه آسمان وجود دارد.
.12و محفظههای بادها ،و اینکه چگونه بادها تقسیم میشوند ،و چگونه وزن میشوند ،و چگونه دروازههای بادها محاسبه میشوند ،هر کدام بر اساس قدرت باد ، و قدرت چراغهای ماه ،و بر اساس قدرتی که مناسب است :و تقسیمات ستارگان بر اساس نامهایشان ،و اینکه چگونه همه تقسیمات تقسیم میشوند.
.13و رعد و برقها را بر اساس مکانهایی که در آنها فرود میآیند ،و تمام تقسیماتی که در میان رعد و برقها ایجاد میشود تا روشن شوند ،و لشکر آنها را که میتوانند فوراً اطاعت کنند.
.۱۴زیرا رعد ،در حالی که منتظر غرش خود است ،جایگاههایی برای استراحت دارد؛ و رعد و برق از هم جدا نیستند ،و اگرچه یکی و یکپارچه نیستند ،اما هر دو از طریق روح با هم میروند و از هم جدا نمیشوند.
.۱۵زیرا هنگامی که برق میتابد ،رعد صدای خود را بلند میکند و روح در هنگام غرش ،مکثی میکند و به طور مساوی بین آنها تقسیم میکند .زیرا گنجینه غرشهای آنها مانند شن است و هر یک از آنها هنگام غرش با افساری نگه داشته میشود و با قدرت روح به عقب برگردانده میشود و مطابق با بسیاری از نقاط زمین به جلو رانده میشود.
.16و روح دریا مردانه و قوی است و با قدرت و نیروی خود آن را با افسار به عقب میکشد .و به همین ترتیب ،به جلو رانده میشود و در میان تمام کوههای زمین پراکنده میشود.
.17و روح یخبندان فرشته خودش است ،و روح تگرگ فرشته خوبی است.
.۱۸و روح برف به دلیل قدرتش ،اتاقهای خود را ترک کرده است .در آن روح خاصی وجود دارد و آنچه از آن بالا میرود مانند دود است و نام آن یخبندان است.
.۱۹و روح مه با آنها در اتاقهایشان متحد نیست ،بلکه اتاق مخصوصی دارد؛ زیرا مسیرش هم در نور و هم در تاریکی ،و هم در زمستان و هم در تابستان باشکوه است ،و در اتاقش فرشتهای است.

.20و روح شبنم در انتهای آسمان ساکن است و با محفظههای باران مرتبط است و مسیر آن در زمستان و تابستان است .و ابرهای آن و ابرهای مه به هم متصل هستند و یکی به دیگری میدهد.
.۲۱و هنگامی که روح باران از محفظهاش بیرون میرود ،فرشتگان میآیند و محفظه را باز میکنند و آن را بیرون میبرند ،و هنگامی که در سراسر زمین پخش میشود ،با آب روی زمین یکی میشود .و هر زمان که با آب روی زمین یکی میشود...
.۲۲زیرا آبها برای ساکنان زمین هستند؛ زیرا آنها از جانب خدای متعال که در آسمان است ،برای زمین غذا میفرستند .از این رو ،برای باران پیمانهای وجود دارد و فرشتگان آن را نگهداری میکنند.
.23و این چیزها را در باغ پرهیزکاران دیدم.
.۲۴و فرشته صلح که با من بود به من گفت« :این دو هیولا ،که مطابق عظمت خدا آماده شدهاند ،خوراک خواهند داد«...

فصل۶۱

.1و من در آن روزها دیدم که چه طنابهای بلندی به فرشتگان داده شد و آنها بال درآوردند و پرواز کردند و به سمت شمال رفتند.
.2و من از فرشته پرسیدم و به او گفتم« :چرا آن فرشتگان این ریسمانها را برداشته و رفتهاند؟ «و او به من گفت« :آنها برای اندازهگیری رفتهاند«.
.3و فرشتهای که با من رفت ،به من گفت :اینها پیمانههای صالحان و طنابهای صالحان را به صالحان خواهند آورد تا آنها برای همیشه و همیشه بر نام پروردگار ارواح بمانند.
.۴برگزیدگان با برگزیدگان ساکن خواهند شد ،و اینها معیارهایی هستند که به ایمان داده میشوند و پارسایی را تقویت میکنند.
.5و این اقدامات تمام اسرار اعماق زمین را آشکار خواهد کرد ،و کسانی که توسط بیابان نابود شدهاند ،و کسانی که توسط حیوانات بلعیده شدهاند ،و کسانی که توسط ماهیهای دریا خورده شدهاند ،تا در روز برگزیده بازگردند و خودشان بمانند .زیرا هیچ کس در برابر پروردگار ارواح نابود نخواهد شد ،و هیچ کس نمیتواند نابود شود.
.6و همه کسانی که در آسمان بالا ساکن هستند ،فرمان و قدرت و یک صدا و یک نور مانند آتش دریافت کردند.
.7و آن را با اولین کلماتشان ستایش کردند ،و با خرد ستودند و ستودند .و آنها در بیان و در روح زندگی خردمند بودند.
.8و پروردگار ارواح ،برگزیده را بر تخت جلال نشاند .و او تمام کارهای مقدسین را در آسمان داوری خواهد کرد .و اعمال آنها در ترازو سنجیده خواهد شد.
.9و هنگامی که او چهره خود را بلند کند تا راههای پنهانی آنها را مطابق کلام نام پروردگار ارواح داوری کند ،و راه آنها را مطابق راه داوری عادلانه پروردگار ارواح هدایت کند ،آنگاه همه آنها با یک صدا سخن خواهند گفت و ستایش خواهند کرد ،و نام پروردگار ارواح را ستایش و ستایش خواهند کرد و تقدیس خواهند کرد.
.10و او تمام لشکر آسمانها و تمام مقدسین بالا و لشکر خدا ،کروبیان ،سرافین و اوفانین ،و تمام فرشتگان قدرت ،و تمام فرشتگان فرمانرواییها ،و برگزیدگان ،و سایر قدرتها روی زمین و روی آب را احضار خواهد کرد.
.۱۱در آن روز ،همه با یک صدا بلند خواهند شد و با روح ایمان ،با روح حکمت ،با روح صبر ،با روح رحمت ،با روح داوری و صلح ،و با روح نیکی ،او را ستایش و تمجید خواهند کرد و همه با یک صدا خواهند گفت« :او متبارک است ،و نام پروردگار ارواح تا ابد متبارک باد«.
.۱۲همه کسانی که در آسمانها نمیخوابند ،او را ستایش خواهند کرد :همه مقدسین آسمان او را ستایش خواهند کرد ،و همه برگزیدگانی که در باغ زندگی ساکنند :و هر روح نوری که قادر به ستایش و تمجید و تکریم نام مبارک تو است ،و همه بشر نام تو را بینهایت ستایش و ستایش خواهند کرد ،تا ابد.
.۱۳زیرا رحمت پروردگار ارواح بسیار عظیم است و او بردبار است .و تمام کارهای خود و هر آنچه را که آفریده است ،به نام پروردگار ارواح ،به صالحان و برگزیدگان آشکار کرده است.

فصل۶۲

.1و خداوند به پادشاهان ،قدرتمندان ،بزرگان و ساکنان زمین فرمان داد و گفت« :اگر میتوانید برگزیده را بشناسید ،چشمان خود را باز کنید و شاخهای خود را بالا ببرید«.
.2و پروردگار ارواح او را بر تخت جلال خود نشاند .و روح عدالت بر او ریخته شد .و کلام دهان او همه گناهکاران را میکشد .و همه گناهکاران از پیش روی او نابود میشوند.
.3و در آن روز همه پادشاهان و قدرتمندان ،و بزرگان و کسانی که زمین را در دست دارند ،خواهند ایستاد .و خواهند دید و خواهند شناخت که چگونه او بر تخت جلال خود نشسته است ،و عدالت در حضور او داوری میشود ،و هیچ سخن دروغی در حضور او گفته نمیشود.
.۴آنگاه دردی بر آنها خواهد آمد ،مانند دردی که زنی در حال زایمان متحمل میشود ،و در هنگام زایمان درد میکشد .هنگامی که فرزندش وارد دهانۀ رحم میشود ،و او در هنگام زایمان درد میکشد.
.5و یک دسته از آنها به دسته دیگر نگاه خواهند کرد و وحشت خواهند کرد و چهرههایشان درهم خواهد رفت .و درد آنها را فرا خواهد گرفت ،هنگامی که پسر انسان را ببینند که بر تخت جلال خود نشسته است.
.6و پادشاهان و قدرتمندان و همه کسانی که زمین را در اختیار دارند ،او را که بر همه چیز حکومت میکند ،و پنهان شده بود ،ستایش و تمجید خواهند کرد.
.۷زیرا از ابتدا پسر انسان پنهان بود ،و خدای متعال او را در حضور قدرت خود حفظ کرد ،و او را به برگزیدگان آشکار ساخت.
.8و جماعت برگزیدگان و مقدسین کاشته خواهند شد ،و همه برگزیدگان در آن روز در برابر او خواهند ایستاد.
.9و همه پادشاهان و قدرتمندان و والامرتبهها و کسانی که بر زمین حکومت میکنند ،در برابر او به خاک خواهند افتاد و پرستش خواهند کرد و به آن پسر انسان امید خواهند بست و از او التماس خواهند کرد و از دست او طلب رحمت خواهند کرد.
.10با این وجود ،پروردگار ارواح آنها را چنان تحت فشار قرار خواهد داد که با عجله از حضور او بیرون خواهند رفت ،و چهرههایشان از شرم پر خواهد شد ،و تاریکی بر چهرههایشان عمیقتر خواهد شد.
.11و آنها را برای مجازات به فرشتگان تحویل خواهد داد تا از آنها انتقام بگیرند زیرا فرزندان و برگزیدگان او را ستم کردهاند.
.۱۲و آنها برای صالحان و برگزیدگان او نمایشی خواهند بود .آنها از آنها شادمان خواهند شد ،زیرا خشم پروردگار ارواح بر آنها قرار دارد و شمشیر او از خون آنها مست است.
.۱۳و صالحان و برگزیدگان در آن روز نجات خواهند یافت و از آن پس هرگز چهره گناهکاران و ظالمان را نخواهند دید.
.14و پروردگار ارواح بر آنها ساکن خواهد بود .و آنها با آن پسر انسان غذا خواهند خورد و برای همیشه و همیشه خواهند خوابید و برخیزند.
.۱۵و صالحان و برگزیدگان از زمین برخواهند خاست ،و دیگر چهرهای افسرده نخواهند داشت .و جامههای جلال بر تن خواهند کرد.
.16و اینها لباسهای زندگی از جانب پروردگار ارواح خواهند بود .و لباسهای شما کهنه نخواهند شد ،و جلال شما در برابر پروردگار ارواح از بین نخواهد رفت.

فصل۶۳

.۱در آن روزها ،قدرتمندان و پادشاهانی که زمین را در اختیار دارند ،از او التماس میکنند که اندکی از فرشتگان عذابش که به آنها سپرده شدهاند ،مهلت دهد تا بتوانند در برابر پروردگار ارواح سجده کنند و گناهان خود را در برابر او اعتراف کنند.
.2و آنها پروردگار ارواح را ستایش و ستایش خواهند کرد و خواهند گفت» :متبارک باد پروردگار ارواح و پروردگار پادشاهان ،و پروردگار قدرتمندان و پروردگار ثروتمندان ،و پروردگار جلال و پروردگار خرد«،
.۳و قدرت تو از نسلی به نسل دیگر در هر چیز پنهانی باشکوه است ،و جلال تو تا ابدالآباد .همه اسرار تو عمیق و بیشمارند ،و عدالت تو فراتر از شمارش است.
.۴اکنون آموختهایم که باید پروردگار پادشاهان و او را که بر همه پادشاهان پادشاه است ،ستایش و ستایش کنیم.
.5و آنها خواهند گفت» :کاش میتوانستیم آرامش داشته باشیم تا ستایش و شکرگزاری کنیم و ایمان خود را در برابر جلال او اعتراف کنیم«!
.6و اکنون ما آرزوی کمی آرامش داریم ،اما آن را نمییابیم .ما به سختی دنبال میکنیم و آن را به دست نمیآوریم .و نور از پیش روی ما ناپدید شده است ،و تاریکی برای همیشه و همیشه محل سکونت ماست.
.7زیرا ما به او ایمان نیاوردهایم ،و نام پروردگار ارواح را ستایش نکردهایم ،و پروردگار خود را ستایش نکردهایم ،بلکه امید ما به عصای پادشاهی و جلال ما بوده است.
.8و در روز رنج و مصیبت ما ،او ما را نجات نمیدهد و ما هیچ فرصتی برای اعتراف نداریم که پروردگار ما در تمام کارهایش ،در قضاوتها و عدالتش صادق است و قضاوتهایش به هیچ وجه جانبدارانه نیست.
.9و ما به خاطر اعمالمان از حضور او میگریزیم .و تمام گناهان ما به عدالت محاسبه میشود.
.۱۰اکنون آنها به خود خواهند گفت» :روح ما پر از سود ناحق است ،اما این مانع از آن نمیشود که از میان آن به بار جهنم سقوط کنیم«.
.11و پس از آن ،چهرههایشان از تاریکی و شرمساری در برابر آن پسر انسان پر خواهد شد و از حضور او رانده خواهند شد و شمشیر در میان آنها در برابر چهرهاش خواهد ماند.
.۱۲پروردگار ارواح چنین گفت» :این است فرمان و داوری برای قدرتمندان و پادشاهان و والامرتبهها و کسانی که زمین را در برابر پروردگار ارواح دارند«.

فصل۶۴

.۱و شکلهای دیگری را دیدم که در آن مکان پنهان شده بودند.
.2من صدای فرشته را شنیدم که میگفت» :اینها فرشتگانی هستند که به زمین فرود آمدند و آنچه را که برای بنیآدم پنهان بود ،آشکار کردند و بنیآدم را به ارتکاب گناه اغوا نمودند«.

فصل۶۵

.1و در آن روزها ،نوح زمین را دید که فرو رفته و نابودی آن نزدیک است.
.2و او از آنجا برخاست و به انتهای زمین رفت و با صدای بلند به پدربزرگش خنوخ فریاد زد .و نوح سه بار با صدای تلخ گفت» :به من گوش کن ،به من گوش کن ،به من گوش کن«.
.3و من به او گفتم :به من بگو چه چیزی روی زمین افتاده است که زمین را در چنین وضعیت بدی قرار داده و متزلزل کرده است ،مبادا من با آن هلاک شوم؟
.4و ناگهان غوغایی عظیم بر زمین افتاد و صدایی از آسمان شنیده شد .من به روی زمین افتادم.
.5و پدربزرگم خنوخ آمد و کنار من ایستاد و به من گفت» :چرا با گریه و زاری تلخ به من گفتی؟«
.6و فرمانی از جانب خداوند در مورد ساکنان زمین صادر شده است که نابودی آنها محقق شده است ،زیرا آنها تمام اسرار فرشتگان و تمام خشونت شیاطین و تمام قدرتهای آنها - مخفیترین آنها - و تمام قدرت کسانی که جادوگری میکنند و قدرت جادوگری و قدرت کسانی که برای تمام زمین مجسمههای ریختهگری میسازند را آموختهاند.
.۷و اینکه چگونه نقره از خاک زمین تولید میشود ،و چگونه فلز نرم از زمین سرچشمه میگیرد.
.۸زیرا سرب و قلع مانند اول از زمین تولید نمیشوند :این چشمه است که آنها را تولید میکند و فرشتهای در آن ایستاده است و آن فرشته برتر است.
.9و پس از آن ،پدربزرگم خنوخ دستم را گرفت و مرا بلند کرد و به من گفت» :برو ،زیرا من از پروردگار ارواح در مورد این آشوب روی زمین سوال کردهام«.
.10و او به من گفت» :به دلیل بیعدالتی آنها ،داوری آنها قطعی شده است و من هرگز آن را از آنها دریغ نخواهم کرد .به دلیل جادوگریهایی که آنها جستجو و آموختهاند ،زمین و ساکنان آن نابود خواهند شد«.
.11و اینها - آنها هرگز جایی برای توبه ندارند ،زیرا آنها آنچه را که پنهان بود به آنها نشان دادند و آنها نفرین شده هستند .اما در مورد تو ،پسرم ،پروردگار ارواح میداند که تو پاک و بیگناه هستی و از این سرزنش در مورد اسرار مبرا هستی.
.۱۲و او نام تو را در میان مقدسین مقدر کرده است ،و تو را در میان ساکنان زمین حفظ خواهد کرد ،و نسل صالح تو را هم برای پادشاهی و هم برای افتخارات بزرگ مقدر کرده است ،و از نسل تو چشمه ای از صالحان و مقدسین بی شمار برای همیشه بیرون خواهد آمد.

فصل۶۶

.1و پس از آن ،او فرشتگان مجازات را به من نشان داد که آماده بودند تا بیایند و تمام قدرت آبهای زیر زمین را آزاد کنند تا داوری و نابودی را بر همه کسانی که در زمین ساکن هستند ،بیاورند.
.2و پروردگار ارواح به فرشتگانی که بیرون میرفتند دستور داد که آبها را بالا نیاورند ،بلکه آنها را مهار کنند ،زیرا آن فرشتگان بر قدرت آبها مسلط بودند.
.3و من از حضور خنوخ رفتم.

فصل۶۷

.1و در آن روزها کلام خدا بر من نازل شد و به من گفت» :ای نوح ،نصیب تو پیش من آمده است ،فراوانی بیعیب و نقص ،فراوانی عشق و درستی«.
.2و اکنون فرشتگان در حال ساختن یک ساختمان چوبی هستند .و هنگامی که این کار را انجام دهند ،من دست خود را بر آن خواهم گذاشت و آن را حفظ خواهم کرد .و از آن بذر حیات بیرون خواهد آمد و تغییری ایجاد خواهد شد تا زمین بدون سکنه باقی نماند.
.۳و من نسل تو را برای همیشه در برابر خود محکم خواهم کرد و کسانی را که با تو ساکن هستند ،پراکنده خواهم ساخت .این نسل بر روی زمین بیثمر نخواهد بود ،بلکه به نام خداوند در زمین برکت خواهد یافت و تکثیر خواهد شد.
.4و او فرشتگانی را که مرتکب گناه شدهاند ،در آن دره سوزان که پدربزرگم انوخ قبلاً در غرب به من نشان داده بود ،در میان کوههای طلا و نقره و آهن و فلز نرم و قلع ،زندانی خواهد کرد.
.5و من آن دره را دیدم که در آن یک تلاطم بزرگ و یک تلاطم آب وجود داشت.
.6و هنگامی که همه اینها اتفاق افتاد ،از آن فلز مذاب آتشین و از تشنج آن در آن مکان ،بوی گوگردی ایجاد شد و با آن آبها مرتبط بود و آن دره فرشتگان که بشر را گمراه کرده بودند ،در زیر آن سرزمین سوزانده شد.
.7و از طریق درههای آن ،نهرهای آتش جاری میشود ،جایی که این فرشتگان مجازات میشوند ،کسانی که ساکنان زمین را گمراه کردهاند.
.8اما آن آبها در آن روزها برای پادشاهان و قدرتمندان و والامرتبهها و ساکنان زمین ،برای شفای جسم ،و برای مجازات روح ،خدمت خواهند کرد .اکنون روح آنها پر از شهوت است تا در جسم خود مجازات شوند ،زیرا آنها پروردگار ارواح را انکار کردهاند و هر روز مجازات خود را میبینند ،اما به نام او ایمان ندارند.
.۹و به همان نسبت که سوزش بدنهایشان شدیدتر میشود ،تغییری متناظر در روحشان برای همیشه و همیشه رخ خواهد داد؛ زیرا هیچکس در حضور پروردگار ارواح ،سخن بیهوده نخواهد گفت.
.۱۰زیرا داوری بر آنها نازل خواهد شد ،زیرا به شهوت بدن خود ایمان دارند و روح خداوند را انکار میکنند.
.11و همان آبها در آن روزها تغییر خواهند کرد .زیرا وقتی آن فرشتگان در این آبها مجازات شوند ،این چشمههای آب دمای خود را تغییر میدهند و وقتی فرشتگان بالا میروند ،این آب چشمهها تغییر میکند و سرد میشود.
.12و من شنیدم که مایکل پاسخ داد و گفت» :این داوری که فرشتگان با آن داوری میشوند ،گواهی است برای پادشاهان و قدرتمندانی که زمین را در اختیار دارند«.
.۱۳زیرا این آبهای داوری به شفای بدن پادشاهان و شهوت بدن آنها کمک میکنند؛ بنابراین آنها نخواهند دید و باور نخواهند کرد که آن آبها تغییر میکنند و به آتشی تبدیل میشوند که برای همیشه میسوزد.

فصل۶۸

.1و پس از آن ،پدربزرگم خنوخ ،تمام اسرار کتاب» مَثَلها «را که به او داده شده بود ،به من آموخت و آنها را در قالب کلمات کتاب» مَثَلها «برای من گردآوری کرد.
.2و در آن روز ،مایکل به رافائل پاسخ داد و گفت» :قدرت روح مرا به دلیل شدت قضاوت اسرار ،قضاوت فرشتگان ،به لرزه در میآورد و مرا به لرزه میاندازد .چه کسی میتواند قضاوت سختی را که اجرا شده است و در برابر آن ذوب میشوند ،تحمل کند؟«
.۳و مایکل دوباره پاسخ داد و به رافائل گفت» :کیست که دلش در مورد آن نرم نشده و دلش از این کلام داوری که به خاطر کسانی که آنها را بیرون آوردهاند ،بر سرشان آمده ،آشفته نشده است؟«
.۴و هنگامی که او در برابر پروردگار ارواح ایستاد ،میکائیل به رافائل چنین گفت» :من در حضور خداوند از آنها طرفداری نخواهم کرد .زیرا پروردگار ارواح از آنها خشمگین شده است ،زیرا آنها چنان رفتار میکنند که گویی خداوند هستند .بنابراین ،هر آنچه پنهان است ،برای همیشه و همیشه بر آنها نازل خواهد شد .زیرا نه فرشته و نه انسان سهمی از آن نخواهند داشت ،بلکه تنها آنها داوری خود را برای همیشه و همیشه دریافت کردهاند«.

فصل۶۹

.1پس از این داوری ،آنها را وحشت زده و لرزان خواهند کرد ،زیرا آنها این را به ساکنان زمین نشان دادهاند.
.2و اینک نامهای آن فرشتگان :اولین آنها سمجزا ،دومین ارتقیفا ،و سومین آرمن ،چهارمین کوکبئل ،پنجمین تورائل ،ششمین رومجال ،هفتمین دنجل ،هشتم نقال ،نهمین بارقل ،دهم آزال ،یازدهم آرماروس ،دوازدهم باتارجال ،سیزدهم بوساسجل ،چهاردهم حنانل ،پانزدهم تورائل و شانزدهم سیماپسئیل ،هفدهم جتریل ، هجدهم تومال ،نوزدهم تورائل ،بیستم رومال ،بیست و یکم عزازیل
.3و اینها رؤسای فرشتگان و نامهای آنها و رؤسای صدها ،پنجاهها و دهها نفر هستند.
.۴نام اولین یقون :یعنی کسی که همه پسران خدا را گمراه کرد و آنها را به زمین آورد و از طریق دختران آدمیان گمراه کرد.
.5و دومی آسبیل نام داشت .او به پسران مقدس خدا پند بد میداد و آنها را گمراه میکرد تا بدنهای خود را با دختران آدمیان آلوده کنند.
.6و سومی گادرئیل نام داشت .او کسی بود که تمام ضربات مرگ را به بنیآدم نشان داد و حوا را گمراه کرد .او سلاحهای مرگ را به بنیآدم نشان داد :سپر و زره و شمشیر برای نبرد و تمام سلاحهای مرگ را به بنیآدم.
.7و از دست او ،از آن روز تا ابد ،بر ساکنان زمین هجوم آوردهاند.
.8و چهارمین نفر پنهموئه نام داشت .او به فرزندان آدم تلخ و شیرین آموخت و تمام اسرار خردشان را به آنها آموخت.
.۹و او به بشر نوشتن را با جوهر و کاغذ آموخت ،و بدین ترتیب بسیاری از ازل تا ابد و تا به امروز گناه کردند.
.۱۰زیرا انسانها برای چنین هدفی آفریده نشدهاند که با قلم و مرکب ،حسن نیت خود را تأیید کنند.
.۱۱زیرا انسانها دقیقاً مانند فرشتگان آفریده شدهاند ،به این نیت که پاک و درستکار بمانند ،و مرگ ،که همه چیز را نابود میکند ،نمیتوانست بر آنها مسلط شود ،اما از طریق این دانش خود ،آنها در حال نابودی هستند ،و از طریق این قدرت ،مرا میبلعد.
.12و پنجمین نفر کاسدجا نام داشت .این کسی است که به فرزندان آدم همه ضربات شیطانی ارواح و شیاطین و ضربات جنین در رحم را نشان داد تا از بین برود ،و ضربات روح ،گزش مار و ضرباتی که از طریق گرمای ظهر وارد میشود ،پسر مار به نام طباطع.
.۱۳و این وظیفه کاسبیل است ،سر سوگندی که او به مقدسین نشان داد ،هنگامی که در جلال و شکوه در بالا ساکن بود ،و نام آن بیقا است.
.۱۴این فرشته از میکائیل خواست تا نام پنهان را به او نشان دهد تا او آن را در سوگند اعلام کند ،تا کسانی که در برابر آن نام و سوگند که همه چیز پنهان را برای فرزندان آدم آشکار کرده بود ،به لرزه درآیند.
.۱۵و این قدرت این سوگند است ،زیرا قدرتمند و قوی است ،و او این سوگند را آکای در دست میکائیل قرار داد.

.۱۶و اینها اسرار این سوگند هستند ...و آنها به واسطه سوگند او قوی هستند :و آسمان پیش از آفرینش جهان ،و برای همیشه ،معلق بود.
.۱۷و از طریق آن ،زمین بر روی آب بنا شد ،و از نهانگاههای کوهها ،آبهای زیبا از آفرینش جهان تا ابدیت جاری میشوند.
.18و از طریق آن سوگند ،دریا آفریده شد .و او شن و ماسه را به عنوان پایه و اساس آن ،در برابر خشمش قرار داد .و از زمان خلقت جهان تا ابد ،دریا جرأت عبور از آن را ندارد.
.۱۹و به واسطهی این سوگند ،ژرفاها محکم شدهاند و از ازل تا ابد پابرجا میمانند و از جای خود تکان نمیخورند.
.۲۰و به واسطهی این سوگند ،خورشید و ماه مسیر خود را کامل میکنند و از ازل تا ابد از مسیر خود منحرف نمیشوند.
.۲۱و از طریق آن سوگند ،ستارگان مسیر خود را کامل میکنند ،و او آنها را با نامهایشان میخواند ،و آنها از ازل تا ابد به او پاسخ میدهند.
.22و به همین ترتیب ارواح آب ،بادها ،و همه بادهای ملایم ،و مسیرهای آنها از همه جهات بادها.
.23و صدای رعد و برق و نور آذرخشها محفوظ است .و حفرههای تگرگ و حفرههای یخبندان و حفرههای مه و حفرههای باران و شبنم محفوظ است.
.24و همه اینها به پروردگار ارواح ایمان دارند و از او سپاسگزاری میکنند و با تمام قدرت خود او را ستایش میکنند .و غذای آنها در هر عمل شکرگزاری است .آنها نام پروردگار ارواح را برای همیشه و همیشه ستایش و ستایش میکنند.
.25و این سوگند بر آنها واجب است ،و به واسطه آن حفظ میشوند و راههایشان محفوظ میماند ،و راهشان نابود نمیشود.
.26و شادی بزرگی در میان آنها بود .و آنها به خاطر اینکه نام پسر انسان برایشان آشکار شده بود ،او را ستایش و تمجید کردند.
.۲۷و او بر تخت جلال خود نشست .و داوری نهایی به پسر انسان داده شد .و او گناهکاران را از روی زمین محو و نابود کرد ،و کسانی را که جهان را گمراه کردهاند.
.۲۸با زنجیر بسته خواهند شد ،و در محل اجتماعشان که محل نابودی است ،زندانی خواهند شد ،و تمام اعمالشان از روی زمین محو خواهد شد.
.۲۹و از این پس هیچ چیز فاسد شدنی نخواهد بود .زیرا آن پسر انسان ظاهر شده و بر تخت جلال خود نشسته است .و همه بدیها از پیش روی او محو خواهند شد .و کلام آن پسر انسان پیش خواهد رفت و در حضور پروردگار ارواح قوی خواهد بود.

فصل ۷۰

.1و پس از آن ،نام او در طول زندگیاش ،از میان ساکنان زمین ،به عنوان پسر انسان و پروردگار ارواح ،مطرح شد.
.2و او بر ارابههای روح به آسمان برده شد و نامش در میان آنها ناپدید گشت.
.3و از آن روز به بعد ،من دیگر جزو آنها نبودم .و او مرا بین دو باد ،بین شمال و غرب ،قرار داد ،جایی که فرشتگان ریسمانها را گرفتند تا جایگاه برگزیدگان و صالحان را برای من اندازهگیری کنند.
.4و در آنجا پدران اولیه و صالحانی را دیدم که از ابتدا در آن مکان ساکن بودند.

فصل ۷۱

.1و پس از آن ،روح من به آسمانها صعود کرد .و پسران مقدس خدا را دیدم .آنها بر روی شعلههای آتش قدم میزدند .لباسهایشان سفید و جامههایشان سفید بود و چهرههایشان مانند برف میدرخشید.
.2و من دو جریان آتش دیدم .و نور آن آتش مانند سنبل میدرخشید .و من به روی خود در برابر پروردگار ارواح افتادم.
.3و فرشته میکائیل ،یکی از فرشتگان مقرب ،دست راست مرا گرفت و مرا بلند کرد و به تمام اسرار برد و تمام اسرار عدالت را به من نشان داد.
.4و او تمام اسرار انتهای آسمان ،و تمام اتاقهای همه ستارگان و همه نورانیها را به من نشان داد ،جایی که آنها از جلوی مقدسین بیرون میآیند.
.5و او روح مرا به بهشت آسمانها منتقل کرد .و من آنجا را مانند سازهای از بلورها دیدم ،و بین آن بلورها ،زبانهای آتش زنده.
.6و روح من کمربندی را دید که آن خانه آتش را احاطه کرده بود .و در چهار طرف آن ،نهرهایی پر از آتش زنده وجود داشت که آن خانه را احاطه کرده بودند.
.7و سرافین ،کروبی و اوفانین در اطراف بودند .و اینها کسانی هستند که نمیخوابند و از تخت جلال او محافظت میکنند.
.8و فرشتگانی را دیدم که قابل شمارش نبودند ،هزاران هزار و ده هزار برابر ده هزار ،که آن خانه را احاطه کرده بودند .و میکائیل و رافائل و جبرئیل و فانوئیل ،و فرشتگان مقدسی که بالای آسمانها هستند ،به آن خانه داخل و خارج میشوند.
.10و آنها از آن خانه بیرون آمدند ،و مایکل و جبرئیل ،رافائل و فانوئل ،و بسیاری از فرشتگان مقدس بیشمار.
.10و با آنها رئیس روزها ،سرش سفید و خالص مانند پشم ،و لباسش غیرقابل توصیف است.
.۱۱و من به روی خود افتادم ،و تمام بدنم آرام گرفت ،و روحم دگرگون شد؛ و با صدای بلند فریاد زدم ...با روح قدرت ،و متبارک و جلال یافته و ستایش شدم.
.12و این نعمتهایی که از دهان من بیرون آمد ،در برابر آن رئیس روزها بسیار خوشایند بود.
.۱۳و آن رئیس ایام با میکائیل و جبرئیل ،رافائل و فانوئل ،هزاران و دهها هزار فرشتهی بیشمار آمد.
.14و او نزد من آمد و با صدایش به من سلام کرد و به من گفت» :این پسر انسان است که برای عدالت متولد شده است .و عدالت بر او ساکن است .و عدالتِ سرِ روزگار او را رها نمیکند«.
.۱۵و او به من گفت» :او به نام جهان آینده ،صلح را به تو اعلام میکند .زیرا از زمان آفرینش جهان ،صلح از اینجا آمده است .و برای تو نیز تا ابد و ابد چنین خواهد بود«.
.۱۶و همه در راههای او گام خواهند برداشت ،زیرا عدالت هرگز او را ترک نمیکند .مسکنهای آنها با او خواهد بود و میراث آنها با او خواهد بود .و آنها برای همیشه و همیشه و همیشه از او جدا نخواهند شد.
.۱۷و بدین ترتیب ،روزهای طولانی با آن پسر انسان خواهد بود ،و صالحان صلح و راه درست را خواهند داشت ،به نام پروردگار ارواح ،برای همیشه و همیشه.

فصل۷۲

.۱کتابِ سیرِ ستارگان آسمان ،روابط هر یک ،بر اساس طبقاتشان ،سلطهشان و فصولشان ،بر اساس نامها و مکانهای پیدایششان ،و بر اساس ماههایشان ،که اوریل ،فرشته مقدس ،که با من بود و راهنمای آنهاست ،به من نشان داد؛ و او تمام قوانین آنها را دقیقاً همانطور که هستند ،و اینکه چگونه در مورد تمام سالهای جهان و تا ابد ،تا زمانی که خلقت جدید که تا ابد ادامه دارد ،انجام شود ،به من نشان داد.
.۲و این اولین قانون ستارگان است :خورشیدِ درخشان ،از دروازههای شرقی آسمان طلوع میکند و در دروازههای غربی آسمان غروب میکند.

.3و من شش دروازه دیدم که خورشید از آنها طلوع میکند ،و شش دروازه که خورشید از آنها غروب میکند و ماه از آنها طلوع و غروب میکند ،و رهبران ستارگان و کسانی که آنها رهبری میکنند :شش در شرق و شش در غرب ،و همه به ترتیب دقیقاً مطابق یکدیگر قرار دارند .همچنین پنجرههای زیادی در سمت راست و چپ این دروازهها وجود دارد.
.4و ابتدا ،نورانی بزرگ ،به نام خورشید ،ظاهر میشود .محیط او مانند محیط آسمان است و او کاملاً پر از آتش روشن و گرم است.
.۵ارابهای که او با آن بالا میرود ،باد آن را میراند و خورشید از آسمان پایین میرود و از شمال برمیگردد تا به شرق برسد و چنان هدایت میشود که به درگاه مناسب میرسد و در چهره آسمان میدرخشد.
.۶به این ترتیب او در ماه اول از طریق دروازه بزرگ ،که چهارمین دروازه از شش دروازه موجود در این مجموعه است ،قیام میکند.
.۷و در آن دروازه چهارم که خورشید در ماه اول از آن طلوع میکند ،دوازده دریچه وجود دارد که وقتی در فصل خود باز میشوند ،شعلهای از آنها بیرون میآید.
.۸هنگامی که خورشید در آسمان طلوع میکند ،او سی صبح متوالی از آن دریچه چهارم بیرون میآید و دقیقاً در دریچه چهارم در غرب آسمان غروب میکند.
.۹و در این دوره ،روز هر روز طولانیتر و شب هر شب کوتاهتر میشود تا سیامین صبح.
.۱۰در آن روز ،روز به اندازه یک نهم از شب طولانیتر است و روز دقیقاً ده قسمت و شب هشت قسمت میشود.
.11و خورشید از آن دروازه چهارم طلوع میکند و در دروازه چهارم غروب میکند و سی روز صبح به دروازه پنجم شرق برمیگردد و از آن طلوع میکند و در دروازه پنجم غروب میکند.
.12و سپس روز دو قسمت طولانیتر میشود و به یازده قسمت میرسد ،و شب کوتاهتر میشود و به هفت قسمت میرسد.
.13و به سمت شرق برمیگردد و به ششمین دروازه میرود و به دلیل علامتش ،سی و یک صبح در ششمین دروازه طلوع و غروب میکند.
.۱۴در آن روز ،روز از شب طولانیتر میشود ،و روز دو برابر شب میشود ،و روز دوازده قسمت میشود ،و شب کوتاه شده و شش قسمت میشود.
.15و خورشید بالا میرود تا روز را کوتاهتر و شب را بلندتر کند .و خورشید به شرق برمیگردد و وارد ششمین دروازه میشود و از آن طلوع میکند و سی صبح غروب میکند.
.16و هنگامی که سی صبح به پایان میرسد ،روز دقیقاً یک قسمت کاهش مییابد و یازده قسمت میشود ،و شب هفت قسمت میشود.
.17و خورشید از آن دروازه ششم در غرب بیرون میآید و به شرق میرود و سی روز صبح از دروازه پنجم طلوع میکند و دوباره در دروازه پنجم غربی غروب میکند.
.۱۸در آن روز ،روز دو قسمت کاهش مییابد و به ده قسمت و شب به هشت قسمت میرسد.
.19و خورشید از آن دروازه پنجم بیرون میآید و در دروازه پنجم غرب غروب میکند .و به مدت سی و یک صبح از دروازه چهارم طلوع میکند ،به دلیل علامتش ،و در غرب غروب میکند.
.۲۰در آن روز ،روز با شب برابر میشود و طول آن برابر میشود و شب به نه قسمت و روز به نه قسمت میرسد.
.21و خورشید از آن دروازه طلوع میکند و در غرب غروب میکند ،و به شرق برمیگردد و سی صبح از دروازه سوم طلوع میکند و در غرب از دروازه سوم غروب میکند.
.22و در آن روز ،شب از روز بلندتر میشود ،و شب از شب بلندتر میشود ،و روز از روز کوتاهتر میشود تا سیامین صبح ،و شب دقیقاً به ده قسمت و روز به هشت قسمت میرسد.
.23و خورشید از آن دروازه سوم طلوع میکند و در دروازه سوم در غرب غروب میکند و به شرق برمیگردد .و سی روز از دروازه دوم در شرق طلوع میکند و به همین ترتیب در دروازه دوم در غرب آسمان غروب میکند.
.24و در آن روز ،شب یازده قسمت و روز هفت قسمت میشود.
.25و خورشید در آن روز از آن دریچه دوم طلوع میکند و در غرب در دریچه دوم غروب میکند .و به مدت سی و یک صبح به شرق به دریچه اول برمیگردد و در غرب آسمان در دریچه اول غروب میکند.
.26و در آن روز ،شب طولانیتر میشود و دو برابر روز میشود .و شب دقیقاً دوازده قسمت و روز شش قسمت میشود.
.27و خورشید با این کار از تقسیمات مدار خود عبور کرده و دوباره به آن تقسیمات مدار خود باز میگردد و سی روز صبح وارد آن دروازه میشود و در غرب ،روبروی آن ،غروب میکند.
.28و در آن شب ،شب به مدت یک نهم کاهش یافت و شب یازده قسمت و روز هفت قسمت شد.
.29و خورشید بازگشته و به دروازه دوم در شرق وارد شده است و به مدت سی صبح در مدارهای خود طلوع و غروب میکند.
.30و در آن روز ،شب کوتاه میشود و شب به ده قسمت و روز به هشت قسمت میرسد.
.31و در آن روز ،خورشید از آن دروازه طلوع میکند و در غرب غروب میکند و به شرق برمیگردد و به مدت سی و یک صبح از دروازه سوم طلوع میکند و در غرب آسمان غروب میکند.
.۳۲در آن روز ،شب کاهش مییابد و به نه قسمت و روز به نه قسمت میرسد و شب برابر با روز است و سال دقیقاً سیصد و شصت و چهار روز دارد.
.۳۳و طول روز و شب ،و کوتاهی روز و شب ،از طریق مسیر خورشید ایجاد میشوند .این تمایزات ایجاد میشوند.
.۳۴بنابراین ،مسیرش هر روز طولانیتر و هر شب کوتاهتر میشود.
.۳۵و این قانون و سیر خورشید است ،و بازگشت او هر چند بار که شصت بار برگردد و طلوع کند ،یعنی آن نورافشان بزرگ که خورشید نام دارد ،برای همیشه و همیشه.
.۳۶و آنچه بدین گونه طلوع میکند ،نورانی بزرگ است و بر اساس ظاهرش ،همانطور که خداوند فرمان داده است ،چنین نامیده میشود.
.۳۷همچنان که طلوع میکند ،غروب میکند و کم نمیآورد و نمیآرامد ،بلکه روز و شب میدود و نور او هفت برابر روشنتر از ماه است؛ اما از نظر اندازه ،هر دو برابرند.

فصل۷۳

.۱و پس از این قانون ،قانون دیگری دیدم که به ستاره کوچکتر ،که ماه نام دارد ،میپرداخت.
.2و محیط او مانند محیط آسمان است ،و ارابهاش که در آن سوار است ،توسط باد رانده میشود ،و نور به اندازه معینی به او داده میشود.
.3و طلوع و غروب او هر ماه تغییر میکند :و روزهای او مانند روزهای خورشید است ،و هنگامی که نور او یکنواخت است ،به اندازه یک هفتم نور خورشید است.
.۴و بدین ترتیب او طلوع میکند .و اولین فاز او در شرق ،سیامین صبح پدیدار میشود :و در آن روز او قابل مشاهده میشود و برای شما اولین فاز ماه را در سیامین روز به همراه خورشید در دروازهای که خورشید از آن طلوع میکند ،تشکیل میدهد.
.5و نیمی از آن به اندازه یک هفتم بیرون زده است ،و تمام محیط آن خالی و بدون نور است ،به جز یک هفتم آن و یک چهاردهم نور آن.

.۶و هنگامی که او یک هفتم از نیمی از نور خود را دریافت میکند ،نور او به یک هفتم و نیمی از آن میرسد.
.7و او با خورشید غروب میکند ،و هنگامی که خورشید طلوع میکند ،ماه با او طلوع میکند و نیمی از یک بخش نور را دریافت میکند .و در آن شب ،در آغاز صبح خود ،در آغاز روز قمری ،ماه با خورشید غروب میکند و در آن شب با چهارده بخش و نیمی از یکی از آنها نامرئی است.
.8و او در آن روز دقیقاً با یک قسمت هفتم طلوع میکند ،و از طلوع خورشید بیرون میآید و دور میشود ،و در روزهای باقیماندهاش در سیزده قسمت باقیمانده روشن میشود.

فصل۷۴

.۱و من مسیر دیگری را دیدم ،قانونی برای او ،و اینکه چگونه طبق آن قانون ،گردش ماهانه خود را انجام میدهد.
.2و همه اینها را فرشته مقدس اوریل ،که رهبر همه آنهاست ،به من نشان داد و موقعیت آنها را نشان داد .من موقعیت آنها را همانطور که او به من نشان داد ، نوشتم .و ماههای آنها را همانطور که بودند ،و ظهور نورهای آنها را تا پانزده روز نوشتم.
.۳در یک هفتم ،او تمام نور خود را در شرق و در یک هفتم ،تمام تاریکی خود را در غرب به انجام میرساند.
.۴و در ماههای معینی ،او تنظیمات خود را تغییر میدهد ،و در ماههای معینی ،مسیر خاص خود را دنبال میکند.
.۵دو ماه دیگر ،ماه با خورشید غروب میکند :در آن دو دروازهی میانی ،دروازهی سوم و چهارم.
.۶او هفت روز بیرون میرود ،و سپس برمیگردد و دوباره از طریق دروازهای که خورشید از آن طلوع میکند ،برمیگردد و تمام نور خود را به کار میگیرد . و از خورشید دور میشود و هشت روز دیگر وارد دروازه ششم میشود که خورشید از آن بیرون میآید.
.7و هنگامی که خورشید از دروازه چهارم بیرون میآید ،هفت روز به جلو میرود تا اینکه از دروازه پنجم بیرون میآید و هفت روز دیگر به دروازه چهارم برمیگردد و تمام نور خود را به دست میآورد .و هشت روز دیگر به دروازه اول برمیگردد.
.8و او دوباره هفت روز دیگر به چهارمین دروازهای که خورشید از آن بیرون میآید ،بازمیگردد.
.۹بدین ترتیب من موقعیت آنها را دیدم - چگونه ماهها در آن روزها طلوع میکردند و خورشید غروب میکرد.
.۱۰و اگر پنج سال را با هم جمع کنیم ،خورشید سی روز اضافی دارد و تمام روزهایی که برای یکی از آن پنج سال ،وقتی که کامل هستند ،به آن اضافه میشود ۳۶۴ ،روز میشود.
.۱۱و افزونی خورشید و ستارگان به شش روز میرسد :در ۵ سال ،هر سال ۶ روز میشود ۳۰ روز :و ماه از خورشید و ستارگان عقب میماند تا به عدد ۳۰ روز برسد.
.۱۲و خورشید و ستارگان تمام سالها را دقیقاً محاسبه میکنند ،به طوری که حتی یک روز هم تا ابد از زمان خود جلو یا عقب نمیافتند؛ بلکه سالها را با عدالت کامل در ۳۶۴ روز کامل میکنند.
.۱۳در ۳ سال ۱۰۹۲ روز و در ۵ سال ۱۸۲۰ روز وجود دارد ،بنابراین در ۸ سال ۲۹۱۲ روز میشود.
.۱۴فقط برای ماه ،تعداد روزها در ۳ سال به ۱۰۶۲ روز میرسد و در ۵ سال ۵۰ روز عقب میافتد] :یعنی به مجموع (۱۷۷۰) باید ۱۰۰۰) و ۶۲ (روز اضافه شود[.
.۱۵و در ۵ سال ۱۷۷۰ روز وجود دارد ،به طوری که برای ماه ،روزها در ۸ سال به ۲۸۳۲ روز میرسد.
] .۱۶زیرا در ۸ سال ،او به اندازه ۸۰ روز عقب میافتد ،[تمام روزهایی که او در ۸ سال عقب میافتد ۸۰ ،روز میشود.
.۱۷و سال به طور دقیق مطابق با جایگاههای جهانی آنها و جایگاههای خورشید که از دروازههایی که از طریق آنها طلوع و غروب میکند ۳۰ ،روز طول میکشد ،تکمیل میشود.

فصل۷۵

.۱و رهبرانِ رؤسای هزاران ،که بر تمام آفرینش و بر تمام ستارگان گمارده شدهاند ،با چهار روز کبیسه نیز سروکار دارند ،که از وظیفهشان ،طبق تقویم سال ،جداییناپذیر است .اینان در چهار روزی که در تقویم سال شمرده نمیشوند ،خدمت میکنند.
.۲و به خاطر آنها ،مردم در آنجا گمراه میشوند ،زیرا آن نورانیها واقعاً در ایستگاههای جهانی خدمت میکنند ،یکی در دروازه اول ،یکی در دروازه سوم آسمان ،یکی در دروازه چهارم و یکی در دروازه ششم ،و دقت سال از طریق سیصد و شصت و چهار ایستگاه جداگانه آن انجام میشود.
.۳زیرا فرشته اوریل ،که خداوند جلال او را برای همیشه بر تمام ستارگان آسمان ،در آسمان و در جهان قرار داده است ،نشانهها و زمانها و سالها و روزها را به من نشان داد ،تا بر روی آسمان حکومت کنند و بر زمین دیده شوند و رهبران روز و شب باشند ،یعنی خورشید ،ماه و ستارگان و همه موجودات خدمتگزار که در تمام ارابههای آسمان میچرخند.
.۴به همین ترتیب ،دوازده در ،اوریل ،به من نشان داد که در پیرامون ارابه خورشید در آسمان باز بودند و پرتوهای خورشید از میان آنها میتابیدند .و از آنها گرما بر زمین پخش میشد ،هنگامی که در فصول مقرر خود باز میشدند.
.5و برای بادها و روح شبنم ،هنگامی که گشوده میشوند ،در آسمانها در انتها باز میمانند.
.6اما دوازده دروازه در آسمان ،در انتهای زمین ،که از آنها خورشید ،ماه و ستارگان و تمام کارهای آسمان در شرق و غرب بیرون میآیند.
.۷پنجرههای زیادی در سمت چپ و راست آنها باز است و یک پنجره در فصل مقرر خود گرما تولید میکند ،همانطور که این پنجرهها مطابق با درهایی هستند که ستارگان از آنها بیرون میآیند ،همانطور که او به آنها فرمان داده است ،و در آنها مطابق با تعدادشان قرار میگیرند.
.8و من ارابههایی را در آسمان دیدم که در جهان ،بالای دروازههایی که ستارگانی که هرگز غروب نمیکنند در آنها میچرخند ،در حال حرکت بودند.
.۹و یکی از بقیه بزرگتر است ،و آن همان است که در سراسر جهان سیر میکند.

فصل۷۶

.1و در انتهای زمین ،دوازده دروازه را دیدم که به تمام گوشههای آسمان باز بودند .از آنجا بادها به زمین میآیند و میوزند.
.2سه تا از آنها رو به آسمان باز هستند ،و سه تا در غرب ،و سه تا در سمت راست آسمان ،و سه تا در سمت چپ.
.3و سه نفر اول ،آنهایی هستند که در شرق هستند ،و سه نفر در شمال ،و سه نفر بعد از آنها در سمت چپ جنوب ،و سه نفر در غرب.
.۴از طریق چهار مورد از اینها ،بادهای برکت و رفاه و از طریق هشت مورد دیگر ،بادهای مضر میوزد .وقتی این بادهای مخرب فرستاده میشوند ،تمام زمین و آبهای آن و تمام ساکنان آن و هر آنچه در آب و خشکی است را ویران میکنند.
.5و اولین باد از این دروازهها ،که باد شرقی نامیده میشود ،از طریق دروازه اول که در شرق است ،به سمت جنوب میآید .از آن ویرانی ،خشکسالی ،گرما و نابودی میآید.

.6و از طریق دروازه دوم در وسط ،آنچه شایسته است ،میآید و از آن باران و باروری و رفاه و شبنم میآید؛ و از طریق دروازه سوم که به سمت شمال است ، سرما و خشکسالی میآید.
.7و پس از آنها ،بادهای جنوبی از طریق سه دروازه بیرون میآیند :از طریق دروازه اول آنها که به سمت شرق متمایل است ،باد گرم میآید.
.8و از طریق دروازه میانی کنار آن ،بوی خوش ،شبنم و باران ،و رفاه و سلامتی بیرون میآید.
.9و از طریق سومین دروازه که در غرب قرار دارد ،شبنم و باران ،ملخ و ویرانی بیرون میآیند.
.10و پس از آنها بادهای شمالی :از هفتمین دروازه در شرق ،شبنم و باران ،ملخ و ویرانی میآید.
.۱۱و از دروازه میانی ،سلامتی و باران و شبنم و رفاه در جهت مستقیم میآیند؛ و از دروازه سوم در غرب ،ابر و یخبندان ،برف و باران ،شبنم و ملخ میبارد.
.12و پس از این] چهار [بادهای غربی هستند :از طریق اولین دروازه مجاور شمال ،شبنم و یخ زدگی ،و سرما و برف و یخبندان می آیند.
.۱۳و از دروازه میانی ،شبنم و باران ،و رفاه و برکت میآید؛ و از دروازه آخر که به جنوب متصل است ،خشکسالی و ویرانی ،و آتشسوزی و ویرانی میآید.
.14و دوازده دروازه از چهار گوشه آسمان با آن تکمیل شده است .و من تمام قوانین و تمام بلایا و تمام خوبیهای آنها را به تو نشان دادهام ،پسرم متوشالح.

فصل۷۷

.1و ربع اول ،شرق نامیده میشود ،زیرا ربع اول است .و ربع دوم ،جنوب نامیده میشود ،زیرا خدای متعال در آنجا نازل خواهد شد .بله ،به معنای خاص ،او که تا ابد متبارک است ،در آنجا نازل خواهد شد.
.2و بخش غربی ،بخش کاهشیافته نامیده میشود ،زیرا در آنجا تمام ستارگان آسمان رو به زوال میروند.
.3و ربع چهارم ،که شمال نامیده میشود ،به سه بخش تقسیم میشود :بخش اول برای سکونت انسانها است؛ بخش دوم شامل دریاهای آب ،پرتگاهها ،جنگلها ، رودخانهها ،تاریکی و ابرها است؛ و بخش سوم شامل باغ عدالت است.
.4من هفت کوه بلند دیدم ،بلندتر از همه کوههای روی زمین .و از آنجا یخبندانهای خاکستری بیرون میآیند و روزها ،فصلها و سالها میگذرند.
.5من هفت رودخانه روی زمین دیدم که از همه رودخانهها بزرگتر بودند :یکی از آنها که از غرب میآید ،آب خود را به دریای بزرگ میریزد.
.6و این دو از شمال به دریا میآیند و آبهای خود را به دریای اریتره در شرق میریزند.
.7و چهار نفر باقی مانده در سمت شمال به دریای خود ،دو نفر به دریای اریتره و دو نفر به دریای بزرگ می روند و در آنجا تخلیه می شوند و برخی می گویند :به بیابان.
.۸هفت جزیره بزرگ در دریا و خشکی دیدم :دو تا در خشکی و پنج تا در دریای بزرگ.

فصل۷۸

.۱و نامهای خورشید به شرح زیر است :اول اورخارس و دوم توما.
.۲و ماه چهار نام دارد :نام اول آسونجا ،نام دوم اِبلا ،نام سوم بناسه و نام چهارم اِرائه است.
.۳این دو ،دو نور بزرگ هستند :محیط آنها مانند محیط آسمان است و اندازه محیط هر دو یکسان است.
.۴در محیط خورشید هفت بخش نور وجود دارد که به آن بیشتر از ماه اضافه میشود و به میزان مشخصی منتقل میشود تا بخش هفتم خورشید تمام شود.
.5و آنها به دروازههای غربی میروند و به سمت شمال میچرخند و از دروازههای شرقی به سمت آسمان میآیند.
.6و هنگامی که ماه طلوع میکند ،یک چهاردهم آن در آسمان ظاهر میشود :نور در آن کامل میشود .در روز چهاردهم ،نور خود را به پایان میرساند.
.7و پانزده بخش از نور به او منتقل میشود تا روز پانزدهم که نور او طبق علامت سال کامل میشود و او پانزده بخش میشود و ماه با اضافه شدن چهاردهمین بخش رشد میکند.
.۸و در هنگام افول ،ماه در روز اول به چهارده بخش از نور خود کاهش مییابد ،در روز دوم به سیزده بخش از نور ،در روز سوم به دوازده ،در روز چهارم به یازده ،در روز پنجم به ده ،در روز ششم به نه ،در روز هفتم به هشت ،در روز هشتم به هفت ،در روز نهم به شش ،در روز دهم به پنج ،در روز یازدهم به چهار ،در روز دوازدهم به سه ،در روز سیزدهم به دو ،در روز چهاردهم به نصف یک هفتم ،و تمام نور باقی مانده او در روز پانزدهم کاملاً ناپدید میشود.
.۹و در ماههای خاصی ،ماه بیست و نه روز و یک بار بیست و هشت روز دارد.
.۱۰و اوریل قانون دیگری را به من نشان داد :چه زمانی نور به ماه منتقل میشود و از کدام طرف توسط خورشید به او منتقل میشود.
.۱۱در تمام مدتی که ماه در نور خود رشد میکند ،آن را به خود منتقل میکند ،هنگامی که در طول چهارده روز در مقابل خورشید قرار میگیرد ،نور او در آسمان کامل میشود و هنگامی که در تمام مدت روشن است ،نور او در آسمان کامل میشود.
.12و در روز اول ،او ماه نو نامیده میشود ،زیرا در آن روز نور بر او طلوع میکند.
.۱۳او دقیقاً در روزی که خورشید در غرب غروب میکند ،ماه کامل میشود و شب از شرق طلوع میکند و ماه تمام شب را میدرخشد تا زمانی که خورشید در مقابل او طلوع کند و ماه در مقابل خورشید دیده شود.
.۱۴از طرفی که نور ماه از آنجا بیرون میآید ،دوباره رو به افول میرود تا اینکه تمام نور ناپدید میشود و تمام روزهای ماه به پایان میرسد و محیط آن خالی و عاری از نور میشود.
.15و سه ماه او سی روز است و در زمان خود سه ماه بیست و نه روز است که در آن او در دوره اول زمان و در اولین دروازه به مدت صد و هفتاد و هفت روز کاهش می یابد.
.16و در زمان خروج او ،او به مدت سه ماه سی روزه و به مدت سه ماه بیست و نه روزه ظاهر میشود.
.۱۷او شبها ،هر بار به مدت بیست روز ،مانند مردی ظاهر میشود ،و روزها ،مانند آسمان ،و جز نورش ،چیز دیگری در او نیست.

فصل۷۹

.۱و اکنون ،پسرم ،همه چیز را به تو نشان دادهام ،و قانون همه ستارگان آسمان کامل شده است.
.2و او تمام قوانین این را برای هر روز و برای هر فصل از فصل حمل و نقل ،و برای هر سال و برای رفتن آن ،و برای نظمی که برای آن هر ماه و هر هفته تعیین شده است ،به من نشان داد.
.۳و افول ماه که در ششمین دروازه رخ میدهد :زیرا در این دروازه ششم نور آن کامل میشود و پس از آن آغاز افول است.
.۴و کاهشی که در دروازه اول در فصل خود رخ میدهد ،تا صد و هفتاد و هفت روز که طبق هفتهها محاسبه میشود ،بیست و پنج هفته و دو روز.
.۵او دقیقاً پنج روز در طول یک دوره ،از خورشید و ترتیب ستارگان عقب میماند ،و این مکانی که میبینی پیموده شده است.
.6این تصویر و طرح هر نورانی است که اوریل ،فرشته مقرب ،که رهبر آنهاست ،به من نشان داد.

فصل۸۰

.1و در آن روزها ،فرشته اوریل به من پاسخ داد و گفت» :اینک ،من همه چیز را به تو نشان دادهام ،خنوخ ،و همه چیز را به تو آشکار کردهام تا این خورشید و این ماه و رهبران ستارگان آسمان و همه کسانی که آنها را میگردانند ،وظایف ،زمانها و عزیمتهایشان را ببینی«.
.2و در روزگار گناهکاران ،سالها کوتاه خواهند شد و نسل آنها در زمینها و مزارعشان دیر خواهد رسید .و همه چیز روی زمین تغییر خواهد کرد و در زمان خود ظاهر نخواهد شد .و باران متوقف خواهد شد و آسمان آن را نگه خواهد داشت.
.3و در آن زمان ،میوههای زمین عقب میمانند و در زمان خود رشد نمیکنند .و میوههای درختان در زمان خود نگه داشته میشوند.
.4و ماه نظم خود را تغییر خواهد داد و در زمان خود ظاهر نخواهد شد.
.5و در آن روزها خورشید دیده خواهد شد و او عصرها در انتهای ارابه بزرگ در غرب سفر خواهد کرد .و او درخشانتر از هر زمان دیگری خواهد درخشید.
.۶و بسیاری از رؤسای ستارگان از نظم مقرر شده سرپیچی خواهند کرد .و اینها مدارها و وظایف خود را تغییر خواهند داد و در فصول مقرر شده برای آنها ظاهر نخواهند شد.
.7و تمام نظم ستارگان از گناهکاران پنهان خواهد شد .و افکار کسانی که روی زمین هستند در مورد آنها اشتباه خواهد شد .و آنها از تمام راه های خود منحرف خواهند شد .بله ،آنها اشتباه خواهند کرد و آنها را خدایان خواهند گرفت.
.8و شر بر آنها چند برابر خواهد شد ،و مجازات بر آنها نازل خواهد شد تا همه را نابود کند.

فصل۸۱

.1و او به من گفت» :ای خنوخ ،به این لوحهای آسمانی نگاه کن و آنچه را که بر روی آنها نوشته شده است بخوان و هر نکته را به طور جداگانه یادداشت کن«.
.2و من به لوحهای آسمانی نگاه کردم و هر آنچه را که روی آنها نوشته شده بود خواندم و همه چیز را فهمیدم .و کتاب اعمال همه انسانها و همه فرزندان جسم که بر روی زمین خواهند بود را تا نسلهای بسیار دور خواندم.
.3و من بیدرنگ خداوند بزرگ ،پادشاه جلال ابدی را که همه کارهای جهان را انجام داده است ،ستایش کردم .و من خداوند را به خاطر صبرش ستایش کردم و او را به خاطر فرزندان آدم متبارک خواندم.
.4و بعد از آن گفتم» :خوشا به حال کسی که با عدالت و نیکی بمیرد ،کسی که هیچ کتاب بیعدالتی دربارهاش نوشته نشده است و هیچ روز داوری علیه او وجود نخواهد داشت«.
.5و آن هفت مقدس مرا آوردند و روی زمین ،جلوی در خانهام گذاشتند و به من گفتند» :همه چیز را به پسرت متوشالح بگو و به همه فرزندانت نشان بده که هیچ انسانی در نظر خداوند عادل نیست ،زیرا او خالق آنهاست«.
.۶یک سال تو را با پسرت میگذاریم تا آخرین دستوراتت را بدهی ،تا به فرزندانت بیاموزی و آنها را برایشان ثبت کنی و برای همه فرزندانت شهادت دهی؛ و در سال دوم تو را از میان خود خواهند برد.
.۷دلت قوی باشد ،زیرا نیکان ،نیکان را به نیکی بشارت خواهند داد .نیکان با نیکان شادی خواهند کرد و به یکدیگر شادمانی خواهند نمود.
.8اما گناهکاران با گناهکاران خواهند مرد ،و مرتد با مرتد خواهد رفت.
.۹و کسانی که پارسایی پیشه میکنند ،به سبب اعمال بشر خواهند مرد و به سبب اعمال بیخدایان از میان خواهند رفت.
.10و در آن روزها آنها از صحبت کردن با من دست کشیدند و من نزد قوم خود آمدم و پروردگار جهان را ستایش کردم.

فصل۸۲

.1و اکنون ،پسرم متوشالح ،من همه این چیزها را برای تو بازگو میکنم و برای تو مینویسم ،و همه چیز را برای تو آشکار کردهام ،و در مورد همه اینها کتابهایی به تو دادهام .پس ،پسرم متوشالح ،کتابها را از دست پدرت حفظ کن و مراقب باش که آنها را به نسلهای جهان تحویل دهی.
.۲من به تو و فرزندانت ،و فرزندانت که از آن تو خواهند بود ،حکمت دادهام تا نسل اندر نسل به فرزندانشان بدهند ،این حکمتی است که از فکرشان میگذرد.
.۳و کسانی که آن را میفهمند ،نخواهند خوابید ،بلکه با گوش دل خواهند شنید تا این حکمت را بیاموزند .و کسانی را که از آن میخورند ،از غذای خوب ،بیشتر لذت خواهد برد.
.۴خوشا به حال همهٔ درستکاران ،خوشا به حال همهٔ کسانی که در راه پارسایی گام برمیدارند و مانند گناهکاران گناه نمیکنند ،در شمارش تمام روزهایشان که خورشید در آسمان میپیماید و به مدت سی روز با سرهای هزاران ستاره از سلسلهٔ ستارگان به دروازهها وارد و از آنها خارج میشود ،به همراه چهار ستارهای که در هم تنیدهاند و چهار بخش از سال را تقسیم میکنند ،که آنها را هدایت میکنند و چهار روز با آنها وارد میشوند.
.5به خاطر آنها ،مردم مقصر خواهند بود و آنها را در تمام سال به حساب نخواهند آورد .بله ،مردم مقصر خواهند بود و آنها را به درستی تشخیص نخواهند داد.
.۶زیرا آنها به حساب سال تعلق دارند و واقعاً برای همیشه در آن ثبت میشوند ،یکی در دروازه اول و یکی در دروازه سوم ،و یکی در دروازه چهارم و یکی در دروازه ششم ،و سال در سیصد و شصت و چهار روز کامل میشود.
.7و حساب آن دقیق است و محاسبه ثبت شده آن دقیق است .زیرا اوریل ،ستارگان ،ماهها و جشنها ،سالها و روزها را به من نشان داده و آشکار کرده است ، که پروردگار تمام آفرینش جهان ،لشکر آسمان را مطیع او کرده است.
.8و او بر شب و روز در آسمان قدرت دارد تا نور را به انسانها بتاباند - خورشید ،ماه و ستارگان ،و تمام نیروهای آسمان که در ارابههای دایرهای خود میچرخند.
.9و اینها ترتیب ستارگان است که در مکانهای خود ،در فصلها ،جشنها و ماههای خود قرار دارند.
.10و اینها نام کسانی است که آنها را رهبری میکنند ،کسانی که مراقبند که آنها در زمانهای خود ،در نظمهای خود ،در فصول خود ،در ماههای خود ،در دورههای سلطه خود و در موقعیتهای خود وارد شوند.
.۱۱چهار رهبر آنها که چهار بخش سال را تقسیم میکنند ،ابتدا وارد میشوند؛ و پس از آنها دوازده رهبر فرقهها که ماهها را تقسیم میکنند؛ و برای سیصد و شصت روز ،رهبرانی بر هزاران نفر هستند که روزها را تقسیم میکنند؛ و برای چهار روز کبیسه ،رهبرانی هستند که چهار بخش سال را تقسیم میکنند.
.۱۲و این سرها که بر فراز هزاران سر قرار دارند ،بین رهبران و رهبران ،هر کدام پشت یک جایگاه ،قرار گرفتهاند ،اما رهبران آنها تقسیم را انجام میدهند . و اینها نامهای رهبرانی هستند که چهار بخش سال را که مقدر شدهاند ،تقسیم میکنند :مِلکیئیل ،هِلِملیک ،مِلجِل و نارئیل.
.۱۳و نام کسانی که آنها را رهبری میکنند :اَدنارئیل ،ایجاسوسائیل ،و اِلومئیل .این سه نفر از رهبران فرقهها پیروی میکنند.

.۱۴و یکی هست که از سه رهبرِ فرقههایی پیروی میکند که از رهبرانِ مقامهایی پیروی میکنند که چهار بخشِ سال را تقسیم میکنند.
.۱۵در آغاز سال ،مِلکِجال) ملکجل (به عنوان اولین کسی که طلوع میکند و حکومت میکند ،تمعینی) خورشید (نامیده میشود و تمام روزهای سلطنت او در طول حکومتش نود و یک روز است.
.16و اینها نشانههای روزهایی هستند که در روزهای سلطنت او بر روی زمین دیده میشوند :عرق ،گرما و آرامش؛ و همه درختان میوه میدهند ،و برگها روی همه درختان تولید میشوند ،و برداشت گندم ،و گلهای رز ،و همه گلهایی که در مزرعه میرویند ،اما درختان فصل زمستان پژمرده میشوند.
.۱۷و این نامهای رهبرانی است که زیر نظر آنها هستند :برکائیل ،زلبسئیل و دیگری که به عنوان رئیس هزار نفر اضافه میشود و هیلویاسِف نام دارد .و روزهای سلطنت این رهبر به پایان رسیده است.
.۱۸رهبر بعدی پس از او هلمِلک است که او را خورشید تابان مینامند و تمام روزهای روشنایی او نود و یک روز است.
.19و اینها نشانههای روزهای او بر روی زمین هستند :گرما و خشکی سوزان ،و درختان میوههای خود را میرسانند و تمام میوههای خود را رسیده و آماده میکنند ،و گوسفندان جفتگیری میکنند و باردار میشوند ،و تمام میوههای زمین و هر آنچه در مزارع است و چرخشت انگور جمع میشوند :این اتفاقات در روزهای سلطنت او رخ میدهد.
.۲۰اینها نامها و فرمانها و رهبران آن سرهای هزاران آن نفر هستند :گیدائیجال ،کئیل و هئیل ،و نام سر هزار نفری که به آنها اضافه میشود ،اسفائیل .و روزهای سلطنت او به پایان رسیده است.

فصل۸۳

.1و اکنون ،پسرم متوشالح ،تمام رؤیاهایی را که دیدهام به تو نشان خواهم داد و آنها را برایت بازگو خواهم کرد.
.۲قبل از اینکه همسری اختیار کنم ،دو رؤیا دیدم ،و یکی کاملاً متفاوت از دیگری بود :اولی وقتی که نوشتن یاد میگرفتم؛ دومی قبل از اینکه مادرت را بگیرم ،وقتی که رؤیای وحشتناکی دیدم .و در مورد آنها به خداوند دعا کردم.
.۳من در خانه پدربزرگم مهللئیل دراز کشیده بودم که در رؤیایی دیدم که چگونه آسمان فرو ریخت و از جا کنده شد و بر زمین افتاد.
.4و هنگامی که به زمین افتاد ،دیدم که چگونه زمین در یک پرتگاه بزرگ فرو رفت و کوهها بر روی کوهها آویزان شدند و تپهها بر روی تپهها فرو ریختند و درختان بلند از ساقههایشان جدا شدند و به پایین پرتاب شدند و در پرتگاه فرو رفتند.
.5و ناگهان کلمهای به دهانم افتاد و فریاد زدم» :زمین نابود شده است«.
.6و پدربزرگم مهللئیل مرا بیدار کرد ،در حالی که نزدیک او دراز کشیده بودم و به من گفت» :چرا پسرم ،گریه میکنی و چرا چنین سوگواری میکنی؟«
.7و من تمام رؤیایی را که دیده بودم برایش تعریف کردم .و او به من گفت» :پسرم ،چیز وحشتناکی دیدی ،و رؤیای تو در مورد اسرار تمام گناهان زمین ، لحظهای خطیر است :باید در ورطه فرو رود و با نابودی بزرگی نابود شود«.
.8و اکنون ،پسرم ،برخیز و از خداوند جلال ،چون ایمان داری ،درخواست کن تا بازماندگانی بر روی زمین بمانند و او تمام زمین را نابود نکند.
.۹پسرم ،همه اینها از آسمان بر زمین نازل خواهد شد و ویرانی بزرگی بر زمین خواهد بود.
.۱۰پس از آن برخاستم و دعا کردم و التماس و زاری نمودم و دعای خود را برای نسلهای آینده نوشتم و همه چیز را به تو ،پسرم متوشالح ،نشان خواهم داد.
.11و هنگامی که به پایین رفتم و آسمان و خورشید را که در شرق طلوع میکرد و ماه را که در غرب غروب میکرد و چند ستاره و تمام زمین و همه چیز را همانطور که او در ابتدا میدانست ،دیدم ،آنگاه پروردگار داوری را ستایش کردم و او را ستودم زیرا او خورشید را از پنجرههای شرق بیرون آورده بود .و او بر فراز آسمان بالا رفت و برخاست و به راه خود ادامه داد و در مسیری که به او نشان داده شده بود ،حرکت کرد.

فصل۸۴

.1و من دستانم را به عدالت بالا بردم و آن قدوس و بزرگ را ستایش کردم و با نفس دهانم و با زبان جسمانی که خدا برای فرزندان جسم انسان آفریده است تا با آن صحبت کنند ،سخن گفتم .و او به آنها نفس و زبان و دهانی داد تا با آن صحبت کنند.
» .۲متبارک باد تو ،ای خداوند ،پادشاه ،عظیم و قدرتمند در عظمت خود ،پروردگار تمام آفرینش آسمان ،پادشاه پادشاهان و خدای تمام جهان .و قدرت و سلطنت و عظمت تو تا ابد پایدار است ،و در تمام نسلها ،سلطنت توست .و تمام آسمانها تا ابد تخت تو هستند ،و تمام زمین تا ابد کرسی زیر پای توست«.
.۳زیرا تو همه چیز را آفریدهای و بر آن حکومت میکنی ،و هیچ چیز برای تو دشوار نیست ،حکمت از جایگاه عرش تو دور نمیشود ،و از حضور تو روی برنمیگرداند .و تو همه چیز را میدانی و میبینی و میشنوی ،و هیچ چیز از تو پنهان نیست ،زیرا تو همه چیز را میبینی.
.۴و اکنون فرشتگان آسمان تو گناهکارند ،و خشم تو تا روز بزرگ داوری بر تن آدمیان باقی میماند.
.5و اکنون ،ای خدا و پروردگار و پادشاه بزرگ ،از تو التماس و استدعا میکنم که دعای مرا اجابت کنی ،تا نسلی برای من بر روی زمین باقی بگذاری ،و تمام گوشت انسان را نابود نکنی ،و زمین را خالی از سکنه نکنی ،تا نابودی ابدی فرا رسد.
.۶و اکنون ،پروردگار من ،آن جسمی را که خشم تو را برانگیخته است ،از زمین محو کن .اما جسم پارسایی و درستکاری را به عنوان گیاهی از بذر ابدی پرورش بده .و روی خود را از دعای بندهات ،ای پروردگار ،پنهان مکن.

فصل۸۵

.1و بعد از این ،خواب دیگری دیدم و تمام خواب را به تو نشان خواهم داد ،پسرم.
.2و خنوخ صدایش را بلند کرد و به پسرش متوشالح گفت» :ای پسرم ،با تو سخن خواهم گفت .سخنان مرا بشنو .به رؤیای پدرت گوش فرا ده«.
.3پیش از آنکه مادرت ادنا را ببرم ،در رؤیایی بر بسترم دیدم که گاو نری از زمین بیرون آمد و آن گاو نر سفید بود؛ و پس از آن ،گوسالهای ماده بیرون آمد و همراه با این گاو نر ،دو گاو نر دیگر بیرون آمدند ،یکی سیاه و دیگری سرخ.
.4و آن گاو سیاه به گاو قرمز شاخ زد و او را در زمین دنبال کرد ،و پس از آن دیگر نتوانستم آن گاو قرمز را ببینم.
.5اما آن گاو نر سیاه بزرگ شد و آن گوساله ماده با او رفت .و من دیدم که گاوهای نر زیادی از او بیرون آمدند که شبیه او بودند و از او پیروی میکردند.
.6و آن گاو ،آن گاو اول ،از حضور آن گاو اول بیرون رفت تا آن گاو قرمز را پیدا کند ،اما او را نیافت .و با سوگواری فراوان بر او گریست و او را جستجو کرد.
.7و من نگاه کردم تا اینکه آن گاو نر اول به او رسید و او را آرام کرد .و از آن زمان به بعد او دیگر گریه نکرد.
.8و پس از آن ،او یک گاو نر سفید دیگر به دنیا آورد ،و پس از او ،گاوهای نر و گاوهای سیاه بسیاری به دنیا آورد.
.10و من در خواب دیدم که گاو نر سفید نیز رشد کرد و به یک گاو نر سفید بزرگ تبدیل شد .و از او گاوهای سفید زیادی به وجود آمدند که شبیه او بودند .و آنها شروع به تولید گاوهای سفید زیادی کردند که شبیه آنها بودند ،یکی پس از دیگری ،حتی بیشتر.

فصل۸۶

.1و دوباره با چشمانم دیدم که در خواب بودم و آسمان را در بالا دیدم .و ناگهان ستارهای از آسمان افتاد و برخاست و در میان آن گاوها چرید و غذا خورد.
.2و سپس گاوهای بزرگ و سیاه را دیدم .و اینک همه آنها طویلهها و مراتع و گاوهای خود را تغییر دادند و شروع به زندگی با یکدیگر کردند.
.3و دوباره در رؤیا دیدم و به آسمان نگاه کردم .و دیدم که بسیاری از ستارگان از آسمان فرود آمدند و به آن ستاره اول افتادند .آنها در میان آن گاوها گاو نر شدند و با آنها در میان آنها چریدند.
.4و من به آنها نگاه کردم و دیدم که همه آنها مانند اسبها ،اندام تناسلی خود را بیرون آوردند و شروع به پوشاندن گاوهای نر کردند .و همه آنها باردار شدند و فیلها ،شترها و الاغها را به دنیا آوردند.
.5و همه گاوها از آنها ترسیدند و از آنها ترسیدند .و شروع به گاز گرفتن با دندانهایشان و خوردن و کندن با شاخهایشان کردند.
.6و آنها شروع به خوردن آن گاوها کردند و دیدند که همه فرزندان زمین از آنها میلرزند و میلرزند و از آنها فرار میکنند.

فصل۸۷

.1و دوباره دیدم که چگونه آنها شروع به شاخ زدن و خوردن یکدیگر کردند و زمین شروع به گریه کرد.
.2و دوباره چشمانم را به سوی آسمان بلند کردم و در رؤیا دیدم که موجوداتی از آسمان بیرون آمدند که مانند مردان سفیدپوست بودند .و چهار نفر از آنجا بیرون رفتند و سه نفر دیگر نیز با آنها بودند.
.3و آن سه نفر که آخرین بار بیرون آمده بودند ،دستم را گرفتند و مرا از نسلهای زمین دور کردند و به مکانی مرتفع بردند .و برجی را به من نشان دادند که بالاتر از زمین قرار داشت و همه تپهها پایینتر بودند.
.4و یکی به من گفت» :اینجا بمان تا هر آنچه را که بر سر آن فیلها ،شترها و الاغها ،و ستارگان و گاوها و همه آنها میآید ،ببینی«.

فصل۸۸

.1و من یکی از آن چهار نفر را دیدم که اولین بار بیرون آمده بودند .او اولین ستارهای را که از آسمان افتاده بود ،گرفت و دست و پایش را بست و آن را به ورطهای انداخت .آن ورطه باریک و عمیق و وحشتناک و تاریک بود.
.2و یکی از آنها شمشیری کشید و آن را به آن فیلها و شترها و الاغها داد .سپس آنها شروع به زدن یکدیگر کردند و تمام زمین به خاطر آنها لرزید.
.3و همانطور که در رؤیا می دیدم ،یکی از آن چهار نفری که بیرون آمده بودند ،آنها را از آسمان سنگسار کرد و تمام ستارگان بزرگ را که اعضای تناسلی آنها مانند اسب ها بود ،جمع آوری کرد و آنها را دست و پا بست و آنها را در یک پرتگاه زمین انداخت.

فصل۸۹

.1و یکی از آن چهار نفر نزد آن گاو نر سفید رفت و مخفیانه به او تعلیم داد ،بدون اینکه او بترسد :او گاو نر به دنیا آمد و مرد شد و برای خود ظرف بزرگی ساخت و در آن ساکن شد؛ و سه گاو نر با او در آن ظرف ساکن شدند و آنها را پوشاندند.
.2و دوباره چشمانم را به سوی آسمان بلند کردم و یک سقف بلند دیدم که هفت جوی آب روی آن بود .این جویها با آب فراوان به داخل محوطهای سرازیر میشدند.
.3و دوباره دیدم که چشمههایی بر روی سطح آن محوطه بزرگ باز شدند و آب شروع به بالا آمدن و بالا آمدن کرد .و من آن محوطه را دیدم تا اینکه تمام سطح آن با آب پوشیده شد.
.4و آب ،تاریکی و مه بر آن افزوده شد .و همانطور که به ارتفاع آن آب نگاه کردم ،آن آب از ارتفاع آن محوطه بالا آمده بود و بر روی آن محوطه جاری بود و بر روی زمین ایستاده بود.
.5و تمام گاوهای آن محوطه جمع شدند تا اینکه دیدم چگونه آنها در آن آب غرق شدند و بلعیده شدند و هلاک شدند.
.6اما آن کشتی روی آب شناور بود ،در حالی که همه گاوها و فیلها و شترها و الاغها با همه حیوانات به پایین فرو رفتند ،به طوری که دیگر نمیتوانستم آنها را ببینم و آنها قادر به فرار نبودند ،بلکه هلاک شدند و به اعماق فرو رفتند.
.7و دوباره در رؤیا دیدم که آن جویبارها از آن سقف بلند برداشته شدند و شکافهای زمین هموار شدند و مغاکهای دیگری باز شدند.
.8سپس آب شروع به جاری شدن در آنها کرد تا اینکه زمین نمایان شد .اما آن کشتی روی زمین قرار گرفت و تاریکی کنار رفت و نور پدیدار شد.
.9اما آن گاو نر سفید که تبدیل به انسان شده بود ،از آن ظرف بیرون آمد و سه گاو نر با او بودند .یکی از آن سه گاو مانند آن گاو نر سفید بود و یکی از آنها مانند خون سرخ و دیگری سیاه بود .و آن گاو نر سفید از آنها جدا شد.

.۲۷-۱۰از مرگ نوح تا خروج.

.10و آنها شروع به تولید حیوانات صحرا و پرندگان کردند ،به طوری که گونههای مختلفی از حیوانات پدید آمدند :شیرها ،ببرها ،گرگها ،سگها ،کفتارها ، گرازهای وحشی ،روباهها ،سنجابها ،خوکها ،شاهینها ،کرکسها ،بادبادکها ،عقابها و کلاغها؛ و در میان آنها یک گاو نر سفید به دنیا آمد.
.11و آنها شروع به گاز گرفتن یکدیگر کردند؛ اما آن گاو نر سفید که در میان آنها متولد شد ،یک الاغ وحشی و یک گاو نر سفید به همراه خود آورد و الاغهای وحشی تکثیر شدند.
.۱۲اما آن گاو نر که از او زاده شد ،یک گراز وحشی سیاه و یک گوسفند سفید به دنیا آورد؛ و اولی گرازهای وحشی زیادی به دنیا آورد ،اما آن گوسفند دوازده گوسفند به دنیا آورد.
.13و هنگامی که آن دوازده گوسفند بزرگ شدند ،یکی از آنها را به الاغها دادند و آن الاغها دوباره آن گوسفند را به گرگها دادند و آن گوسفند در میان گرگها بزرگ شد.
.14و خداوند یازده گوسفند را آورد تا با آن زندگی کنند و با آن در میان گرگها چرا کنند .و آنها تکثیر شدند و گلههای گوسفند زیادی شدند.
.15و گرگها از آنها ترسیدند و آنها را آزار دادند تا اینکه بچههایشان را از بین بردند و بچههایشان را در رودخانهای با آب فراوان انداختند .اما آن گوسفندان شروع به گریه و شکایت از بچههایشان به پروردگارشان کردند.
.16و گوسفندی که از گرگها نجات یافته بود ،فرار کرد و به الاغهای وحشی پناه برد .و من گوسفندان را دیدم که چگونه ناله و فریاد میکردند و با تمام وجود به پروردگار خود التماس میکردند ،تا اینکه پروردگار گوسفندان با شنیدن صدای گوسفندان از جایگاهی بلند فرود آمد و به سوی آنها آمد و آنها را چراند.

.17و او گوسفندی را که از گرگها فرار کرده بود ،فراخواند و با او درباره گرگها صحبت کرد تا به آنها هشدار دهد که به گوسفندان دست نزنند.
.18و گوسفندان طبق فرمان خداوند به سوی گرگها رفتند .گوسفند دیگری به او برخورد و با او همراه شد .آن دو با هم به جمع گرگها رفتند و با آنها صحبت کردند و به آنها هشدار دادند که از این پس به گوسفندان دست نزنند.
.19و در آنجا گرگها را دیدم که چگونه با تمام قدرتشان گوسفندان را به شدت آزار میدادند و گوسفندان با صدای بلند گریه میکردند.
.20و خداوند به گوسفندان رسید و آنها شروع به زدن آن گرگها کردند .و گرگها شروع به گریه و زاری کردند .اما گوسفندان ساکت شدند و فوراً فریاد زدن را متوقف کردند.
.21و من گوسفندان را دیدم تا زمانی که از میان گرگها دور شدند .اما چشمان گرگها کور شده بود و آن گرگها با تمام قدرتشان به دنبال گوسفندان رفتند.
.22و پروردگار گوسفندان به عنوان رهبر آنها با آنها رفت و همه گوسفندانش او را دنبال کردند .چهره او خیره کننده و باشکوه و وحشتناک بود.
.۲۳اما گرگها شروع به تعقیب آن گوسفندان کردند تا اینکه به دریایی از آب رسیدند.
.24و آن دریا شکافته شد و آب از این طرف و آن طرف جلوی صورت آنها ایستاد .و پروردگارشان آنها را هدایت کرد و خود را بین آنها و گرگها قرار داد.
.25و چون آن گرگها هنوز گوسفندان را ندیده بودند ،به میان آن دریا رفتند و گرگها گوسفندان را دنبال کردند و آن گرگها نیز به دنبال آنها به آن دریا دویدند.
.26و هنگامی که آنها پروردگار گوسفندان را دیدند ،آنها به سمت او فرار کردند .اما آن دریا جمع شد و به همان شکلی که آفریده شده بود ،درآمد .آب متورم شد و بالا آمد تا گرگها را پوشاند.
.27و من دیدم که تمام گرگهایی که آن گوسفندان را تعقیب میکردند ،هلاک و غرق شدند.

.۴۰-۲۸اسرائیل در بیابان ،اعطای شریعت ،ورود به فلسطین.

.28اما گوسفندان از آن آب فرار کردند و به بیابانی رفتند که نه آب و نه علفی داشت .و آنها شروع به باز کردن چشمان خود و دیدن کردند .و من دیدم که پروردگار گوسفندان آنها را چراگاه میکرد و به آنها آب و علف میداد ،و آن گوسفند میرفت و آنها را هدایت میکرد.
.29و آن گوسفند به قله آن صخره بلند صعود کرد و پروردگار گوسفندان آن را نزد آنها فرستاد.
.30و بعد از آن ،پروردگار گوسفندان را دیدم که در مقابل آنها ایستاده بود .ظاهر او بزرگ ،وحشتناک و باشکوه بود .و همه گوسفندان او را دیدند و از چهره او ترسیدند.
.۳۱و همه از او ترسیدند و لرزیدند و به گوسفندی که در میان آنها بود فریاد زدند» :ما نمیتوانیم در مقابل پروردگار خود بایستیم یا او را ببینیم«.
.۳۲و گوسفندی که آنها را هدایت میکرد ،دوباره به قله آن صخره صعود کرد .اما گوسفندان شروع به کور شدن کردند و از راهی که او به آنها نشان داده بود ، گمراه شدند ،اما آن گوسفند از آن راه نمیدانست.
.33و پروردگار گوسفندان از آنها بسیار خشمگین شد .و آن گوسفند این را کشف کرد و از بالای صخره پایین آمد و به گوسفندان رسید و دید که بیشتر آنها کور و گمراه شدهاند.
.34و چون آن را دیدند ،از حضورش ترسیدند و لرزیدند و آرزو کردند که به آغلهای خود بازگردند.
.۳۵و آن گوسفند ،گوسفندان دیگر را با خود برد و به سراغ گوسفندانی که فرار کرده بودند رفت و شروع به کشتن آنها کرد؛ و گوسفندان از حضور او ترسیدند ،و بدین ترتیب آن گوسفند ،گوسفندانی را که فرار کرده بودند ،برگرداند و آنها به آغل خود بازگشتند.
.36و من در این رؤیا دیدم که آن گوسفند به مرد تبدیل شد و خانهای برای پروردگار گوسفندان ساخت و همه گوسفندان را در آن خانه قرار داد.
.37و من دیدم که این گوسفند که با گوسفندی که آنها را هدایت میکرد ،ملاقات کرده بود ،به خواب رفت .و من دیدم که همه گوسفندان بزرگ هلاک شدند و گوسفندان کوچک به جای آنها برخاستند و به چراگاهی رسیدند و به جویباری نزدیک شدند.
.38سپس آن گوسفند ،رهبر آنها که تبدیل به یک مرد شده بود ،از آنها جدا شد و به خواب رفت .و همه گوسفندان به دنبال او گشتند و با گریه زیاد بر او گریه کردند.
.39و من دیدم که آنها گریه برای آن گوسفند را متوقف کردند و از آن نهر آب عبور کردند .و دو گوسفند به عنوان رهبران به جای کسانی که آنها را رهبری کرده بودند و به خواب رفته بودند ،برخاستند.
.40و من دیدم که گوسفندان به مکانی خوب و سرزمینی دلپذیر و باشکوه رسیدند و دیدم که گوسفندان سیر شدند و آن خانه در میان آنها در سرزمینی دلپذیر قرار داشت.

.۵۰-۴۱از زمان داوران تا ساخت معبد.

.۴۱و گاهی چشمانشان باز و گاهی کور میشد ،تا اینکه گوسفند دیگری برخاست و آنها را هدایت کرد و همه را برگرداند و چشمانشان باز شد.
.42و سگها و روباهها و گرازهای وحشی شروع به خوردن آن گوسفندان کردند تا اینکه پروردگار گوسفندان ،قوچ دیگری را از میان آنها برخیزاند که آنها را رهبری میکرد.
.۴۳و آن قوچ شروع به زدن سگها ،روباهها و گرازهای وحشی از دو طرف کرد تا اینکه همه آنها را نابود کرد.
.44و آن گوسفند که چشمانش باز شد ،قوچی را دید که در میان گوسفندان بود ،تا اینکه شکوه خود را رها کرد و شروع به زدن آن گوسفندان کرد و آنها را لگدمال کرد و رفتار ناشایستی از خود نشان داد.
.۴۵و پروردگار گوسفندان ،بره را نزد بره دیگری فرستاد و آن را به جای آن قوچی که شکوه خود را رها کرده بود ،به قوچی و رهبر گوسفندان تبدیل کرد.
.46و به سوی آن رفت و با آن تنها سخن گفت و آن را به قوچی تبدیل کرد و آن را امیر و رهبر گوسفندان قرار داد .اما در تمام این مدت ،آن سگها بر گوسفندان ظلم میکردند.
.47و قوچ اول قوچ دوم را تعقیب کرد و قوچ دوم برخاست و از مقابل آن فرار کرد .و من دیدم که آن سگها قوچ اول را به زمین انداختند.
.۴۸و آن قوچ دوم برخاست و گوسفندان کوچک را رهبری کرد.
.۴۹و آن گوسفندان بزرگ و زیاد شدند؛ اما همه سگها و روباهها و گرازهای وحشی از او ترسیدند و فرار کردند .و آن قوچ به حیوانات وحشی شاخ زد و آنها را کشت .و آن حیوانات وحشی دیگر هیچ قدرتی در میان گوسفندان نداشتند و دیگر چیزی از آنها نمیگرفتند .و آن قوچ گوسفندان زیادی به دنیا آورد و به خواب رفت .و گوسفند کوچکی به جای آن قوچ شد و امیر و رهبر آن گوسفندان شد.
.50و آن خانه بزرگ و پهناور شد و برای آن گوسفندان ساخته شد .و برجی بلند و عظیم بر روی خانه برای پروردگار گوسفندان ساخته شد .و آن خانه کوتاه بود ،اما برج مرتفع و بلند بود .و پروردگار گوسفندان بر روی آن برج ایستاد و آنها سفره ای کامل را به او تقدیم کردند.

.۶۷-۵۱دو پادشاهی اسرائیل و یهودا ،تا نابودی اورشلیم.

51. و دوباره آن گوسفندان را دیدم که دوباره گمراه شدند و به راههای زیادی رفتند و خانه خود را ترک کردند ،و پروردگار گوسفندان برخی را از میان گوسفندان فراخواند و آنها را به سراغ گوسفندان فرستاد ،اما گوسفندان شروع به کشتن آنها کردند.
52. و یکی از آنها نجات یافت و کشته نشد ،و با سرعت دور شد و بر گوسفندان فریاد زد؛ و آنها خواستند او را بکشند ،اما پروردگار گوسفندان او را از گوسفندان نجات داد و او را نزد من آورد و در آنجا ساکن کرد.
.۵۳و بسیاری از گوسفندان دیگر را نزد آن گوسفندان فرستاد تا برای آنها شهادت دهند و برایشان سوگواری کنند.
.54و پس از آن دیدم که وقتی خانه خداوند و برج او را ترک کردند ،کاملاً گمراه شدند و چشمانشان کور شد .و دیدم که چگونه پروردگار گوسفندان در میان گلههایشان کشتار زیادی انجام داد تا اینکه آن گوسفندان آن کشتار را پذیرفتند و به جایگاه او خیانت کردند.
.55و آنها را به دست شیرها و ببرها و گرگها و کفتارها و به دست روباهها و همه حیوانات وحشی سپرد .و آن حیوانات وحشی شروع به تکه تکه کردن آن گوسفندان کردند.
.56و دیدم که او خانه و برج آنها را رها کرد و همه آنها را به دست شیرها سپرد تا آنها را بدرند و بخورند ،به دست همه حیوانات وحشی.
.57و من با تمام قدرتم شروع به فریاد زدن کردم و به پروردگار گوسفندان التماس کردم و در مورد گوسفندان به او گفتم که آنها توسط همه حیوانات وحشی خورده شدهاند.
.۵۸اما او بیحرکت ماند ،هرچند که آن را دید ،و از اینکه آنها بلعیده و بلعیده و غارت شدند ،شادمان شد و آنها را رها کرد تا در دست همه حیوانات بلعیده شوند.
.۵۹و او هفتاد چوپان را فراخواند و آن گوسفندان را نزد آنها گذاشت تا آنها را چرانند .و او به چوپانان و همراهانشان گفت» :از این پس هر یک از شما گوسفندان را چرانید و هر آنچه را که به شما فرمان میدهم ،انجام دهید«.
.۶۰و من آنها را به شمارههای صحیح به شما تحویل خواهم داد و به شما خواهم گفت کدام یک از آنها باید نابود شوند - و آنها را نابود کنید .و او آن گوسفندان را به آنها سپرد.
.۶۱و دیگری را فراخواند و به او گفت» :هر آنچه را که چوپانان با آن گوسفندان انجام خواهند داد ،زیر نظر داشته باش؛ زیرا آنها بیشتر از آنچه من به آنها دستور دادهام ،آنها را نابود خواهند کرد«.
.۶۲و هر زیادهروی و ویرانی که از طریق چوپانان انجام خواهد شد ،ثبت کنید که چند نفر را طبق فرمان من و چند نفر را طبق میل خود نابود میکنند .برای هر چوپان ،تمام ویرانیهایی را که او ایجاد میکند ،ثبت کنید.
.۶۳و پیش من بشمارید که چه تعداد را نابود میکنند و چه تعداد را برای نابودی تسلیم میکنند ،تا این را به عنوان گواهی علیه آنها داشته باشم و هر عمل چوپانان را بدانم ،تا بفهمم و ببینم که چه میکنند ،آیا از فرمانی که به آنها دادهام پیروی میکنند یا نه.
.۶۴اما آنها این را نخواهند دانست ،و تو نیز آن را برایشان بازگو نکن و به آنها هشدار نده ،بلکه فقط تمام ویرانیهایی را که چوپانان در زمان خود به بار میآورند ،برای هر فرد ثبت کن و همه را در برابر من قرار بده.
.65و من دیدم که آن چوپانان در فصل خود چرا میکردند و شروع به کشتن و نابود کردن بیش از آنچه به آنها دستور داده شده بود ،کردند و آن گوسفندان را به دست شیرها سپردند.
.۶۶و شیرها و ببرها بیشتر آن گوسفندان را خوردند و خوردند ،و گرازهای وحشی نیز با آنها خوردند؛ و آن برج را سوزاندند و آن خانه را ویران کردند.
.۶۷و من از آن برج بسیار غمگین شدم زیرا آن خانه گوسفندان ویران شد و پس از آن نتوانستم ببینم که آیا آن گوسفندان وارد آن خانه میشوند یا خیر.

.۷۱-۶۸دوره اول فرمانروایان فرشتهای - از ویرانی اورشلیم تا بازگشت از اسارت.

.68و چوپانان و همراهانشان آن گوسفندان را به همه حیوانات وحشی سپردند تا آنها را بخورند .و هر یک از آنها در زمان خود تعداد مشخصی دریافت کرد . توسط دیگری در کتابی نوشته شد که هر یک از آنها چند گوسفند را نابود کرد.
.۶۹و هر یک از آنها بیش از آنچه مقرر شده بود ،کشت و نابود کرد؛ و من به خاطر آن گوسفندان شروع به گریه و زاری کردم.
.۷۰و بدین ترتیب در رؤیا ،آن نویسنده را دیدم که چگونه هر روز هر کسی را که توسط آن چوپانان نابود میشد ،مینوشت و تمام کتاب را به پروردگار گوسفندان نشان میداد - حتی هر کاری که انجام داده بودند ،و هر آنچه را که هر یک از آنها از بین برده بودند ،و هر آنچه را که به هلاکت سپرده بودند.
.۷۱و کتاب در حضور پروردگار گوسفندان خوانده شد .او کتاب را از دست خود گرفت و آن را خواند و مُهر کرد و آن را زمین گذاشت.

.۷۷-۷۲دوره دوم -- از زمان کوروش تا زمان اسکندر کبیر.

.72و بلافاصله دیدم که چوپانان دوازده ساعت چرا کردند و اینک سه نفر از آن گوسفندان برگشتند و آمدند و وارد شدند و شروع به ساختن هر آنچه از آن خانه فرو ریخته بود ،کردند .اما گرازهای وحشی سعی کردند مانع آنها شوند ،اما نتوانستند.
.۷۳و آنها دوباره مانند گذشته شروع به ساختن کردند و آن برج را برپا داشتند و آن را برج بلند نامیدند .و دوباره شروع به قرار دادن میزی در مقابل برج کردند ،اما تمام نان روی آن آلوده و غیر خالص بود.
.74و در مورد همه اینها ،چشمان آن گوسفندان کور شد تا نبینند ،و چشمان چوپانانشان نیز کور شد؛ و آنها را به تعداد زیاد به چوپانانشان تحویل دادند تا هلاک شوند ،و گوسفندان را با پاهای خود پایمال کردند و آنها را خوردند.
.75و پروردگار گوسفندان بیحرکت ماند تا اینکه همه گوسفندان در مزرعه پراکنده شدند و با آنها درآمیختند .و آنها آنها را از دست حیوانات نجات ندادند.
.۷۶و این کسی که کتاب را نوشته بود ،آن را به پیشگاه پروردگار گوسفندان برد و نشان داد و خواند و از او به خاطر آنها التماس کرد و از او به خاطر آنها التماس نمود ،زیرا تمام کارهای چوپانان را به او نشان داد و علیه همه چوپانان در برابر او شهادت داد.
.۷۷و او کتاب را برداشت و آن را کنار خود گذاشت و رفت.

فصل ۹۰

.۵-۱دوره سوم - از اسکندر کبیر تا سلطه یونانی-سوری.

.۱و من دیدم که به این ترتیب سی و پنج چوپان ،چرای گوسفندان را بر عهده گرفتند و هر کدام دوره خود را مانند اولین چوپان به پایان رساندند .و دیگران آنها را به دست خود گرفتند تا در دوره خود آنها را چرانند ،هر چوپان در دوره خود.
.2و پس از آن ،در رؤیای خود دیدم که همه پرندگان آسمان ،عقابها ،کرکسها ،بادبادکها ،کلاغها ،آمدند .اما عقابها همه پرندگان را هدایت کردند و آنها شروع به خوردن آن گوسفندان کردند و چشمانشان را درآوردند و گوشتشان را خوردند.

.3و گوسفندان فریاد زدند زیرا گوشت آنها توسط پرندگان خورده میشد .و من در خواب به چوپانی که گوسفندان را چراند ،نگاه کردم و سوگواری کردم.
.4و من دیدم که آن گوسفندان توسط سگها و عقابها و بادبادکها خورده شدند و آنها گوشت ،پوست و رگ و پی آنها را باقی نگذاشتند ،تا اینکه فقط استخوانهایشان آنجا ماند .و استخوانهای آنها نیز به زمین افتاد و گوسفندان کم شدند.
.5و من دیدم که آن بیست و سه نفر چراگاه را به عهده گرفته بودند و در دورههای مختلف خود ،پنجاه و هشت بار آن را به پایان رسانده بودند.

.۱۲-۶دوره چهارم - از سلطه یونانی-سوری تا شورش مکابیان.

.6اما اینک برهها توسط آن گوسفندان سفید حمل میشدند و آنها شروع به باز کردن چشمان خود و دیدن و فریاد زدن به گوسفندان کردند.
.7آری ،آنها به سوی ایشان فریاد برآوردند ،اما آنها به آنچه به ایشان گفتند گوش ندادند ،بلکه بسیار ناشنوا بودند و چشمانشان بسیار نابینا.
.10و من در رؤیا دیدم که کلاغها بر آن برهها پرواز کردند و یکی از آن برهها را گرفتند و گوسفندان را تکه تکه کردند و خوردند.
.9و من دیدم که شاخها بر آن برهها رشد کردند و کلاغها شاخهای خود را انداختند .و من دیدم که شاخ بزرگی از یکی از آن گوسفندان جوانه زد و چشمان آنها باز شد.
.10و به آنها نگاه کرد و چشمانشان باز شد و به گوسفندان فریاد زد و قوچها آن را دیدند و همه به سمت آن دویدند.
.11و با وجود همه اینها ،عقابها و کرکسها و کلاغها و بادبادکها همچنان گوسفندان را میدریدند و بر آنها شیرجه میزدند و آنها را میخوردند .گوسفندان هنوز ساکت بودند ،اما قوچها ناله میکردند و فریاد میزدند.
.12و آن کلاغها با آن جنگیدند و جنگیدند و سعی کردند شاخ آن را پایین بیاورند ،اما هیچ قدرتی بر آن نداشتند.

.۱۹-۱۳آخرین حمله غیریهودیان به یهودیان) که در آن ۱۵-۱۳ و ۱۸-۱۶ دوبیتی هستند.(

.13و من دیدم که چوپانان و عقابها و کرکسها و بادبادکها آمدند و به کلاغها فریاد زدند که شاخ آن قوچ را بشکنند .آنها با آن جنگیدند و جنگیدند .و قوچ با آنها جنگید و فریاد زد که کمکش بیاید.
.14و من دیدم که آن مرد ،که نام چوپانان را نوشت و به حضور پروردگار گوسفندان برد ،آمد و به او کمک کرد و همه چیز را به او نشان داد .او برای کمک به آن قوچ آمده بود.
.15و من دیدم که پروردگار گوسفندان با خشم به آنها آمد و همه کسانی که او را دیدند فرار کردند و همه از جلوی صورتش به سایه او افتادند.
.۱۶همه عقابها و کرکسها و کلاغها و بادبادکها جمع شدند و همه گوسفندان صحرا با آنها آمدند .بله ،همه آنها گرد هم آمدند و به یکدیگر کمک کردند تا آن شاخ قوچ را بشکنند.
.17و من آن مرد را دیدم که کتاب را طبق فرمان خداوند نوشت ،تا زمانی که آن کتاب را در مورد تخریبی که آن دوازده چوپان آخر انجام داده بودند ،باز کرد و نشان داد که آنها بسیار بیشتر از پیشینیان خود ،قبل از پروردگار گوسفندان ،نابود کرده بودند.
.18و من دیدم که پروردگار گوسفندان به آنها آمد و عصای خشم خود را در دست گرفت و زمین را زد و زمین شکافته شد و همه حیوانات و همه پرندگان آسمان از میان آن گوسفندان افتادند و در زمین فرو رفتند و آنها را پوشاندند.
.19و من دیدم که شمشیر بزرگی به گوسفندان داده شد و گوسفندان به همه حیوانات صحرا حمله کردند تا آنها را بکشند .و همه حیوانات و پرندگان آسمان از روی آنها فرار کردند.

.۲۷-۲۰داوری فرشتگان سقوط کرده ،چوپانان و مرتدان.

.20و من دیدم که در سرزمین دلپذیر ،تختی برپا شد و پروردگار گوسفندان بر آن نشست .و آن دیگری کتابهای مهر و موم شده را گرفت و آنها را در مقابل پروردگار گوسفندان باز کرد.
.21و خداوند آن مردان را هفت سفیدپوست اول نامید و دستور داد که آنها را به حضور او بیاورند ،از اولین ستارهای که راه را نشان میداد ،شروع کردند ، تمام ستارگانی که اعضای تناسلی آنها مانند اعضای تناسلی اسبها بود ،و همه آنها را به حضور او آوردند.
.22و او به مردی که پیش از او نامه مینوشت ،که یکی از آن هفت سفیدپوست بود ،گفت« :آن هفتاد چوپان را که گوسفندان را به آنها سپردم ،بگیر ،و آنها که با اختیار خود ،بیش از آنچه به آنها دستور داده بودم ،کشتند«.
.۲۳و دیدم که همه آنها بسته شده بودند و همه در مقابل او ایستاده بودند.
.24و داوری ابتدا بر ستارگان انجام شد و آنها مورد قضاوت قرار گرفتند و گناهکار شناخته شدند و به جایگاه محکومیت رفتند و به ورطهای پر از آتش و شعلهور و پر از ستونهای آتش افکنده شدند.
.۲۵و آن هفتاد چوپان محاکمه و گناهکار شناخته شدند و به آن ورطه آتشین افکنده شدند.
.26و من در آن زمان دیدم که چگونه یک گودال مانند در میان زمین باز شد ،پر از آتش ،و آنها آن گوسفندان کور را آوردند ،و همه آنها قضاوت شدند و مجرم شناخته شدند و به این گودال آتشین انداخته شدند و سوختند؛ اکنون این گودال در سمت راست آن خانه بود.
.۲۷و من آن گوسفندان را دیدم که در حال سوختن بودند و استخوانهایشان در حال سوختن بود.

.۳۸-۲۸اورشلیم جدید ،ایمان آوردن غیریهودیان بازمانده ،رستاخیز پارسایان ،مسیح.

.28و من ایستادم تا ببینم که آنها آن خانه قدیمی را جمع کردند و تمام ستونها را برداشتند و تمام تیرها و تزئینات خانه را همزمان با آن جمع کردند و آن را بردند و در مکانی در جنوب زمین قرار دادند.
.29و من دیدم که پروردگار گوسفندان خانه جدیدی بزرگتر و بلندتر از خانه اول آورد و آن را در جای خانه اول که آبجو در آن پیچیده شده بود ،قرار داد . تمام ستونهای آن جدید بودند و تزئینات آن جدید و بزرگتر از خانه اول بود ،خانه قدیمی که او برداشته بود و همه گوسفندان در آن بودند.
.30و من دیدم که تمام گوسفندان باقی مانده ،و تمام حیوانات روی زمین ،و تمام پرندگان آسمان ،به آنها تعظیم کردند و به آنها التماس کردند و در هر کاری از آنها اطاعت کردند.
.31و سپس آن سه نفر که لباس سفید پوشیده بودند و دست مرا گرفته بودند ،همان کسانی که قبلاً مرا بالا برده بودند ،و دست آن قوچ نیز مرا گرفته بود ،مرا بالا بردند و قبل از قضاوت ،در میان آن گوسفندان قرار دادند.
.۳۲و آن گوسفندان همه سفید بودند و پشم آنها فراوان و تمیز بود.

.33و همه آنچه که نابود و پراکنده شده بود ،و همه حیوانات صحرا و همه پرندگان آسمان ،در آن خانه جمع شدند .و پروردگار گوسفندان از شادی فراوان شادمان شد زیرا همه آنها خوب بودند و به خانه خود بازگشتند.
.34و من دیدم که شمشیری را که به گوسفندان داده شده بود ،گذاشتند و آن را به خانه بازگرداندند .و آن را در حضور خداوند مهر و موم کردند .و همه گوسفندان به آن خانه دعوت شدند ،اما آنها را در آن خانه جا نداد.
.۳۵و چشمان همه آنها باز شد و خوبی را دیدند ،و هیچ کس در میان آنها نبود که نبیند.
.۳۶و دیدم که آن خانه بزرگ و وسیع و بسیار پر بود.
.37و من دیدم که یک گاو نر سفید با شاخهای بزرگ به دنیا آمد و همه حیوانات صحرا و همه پرندگان هوا از او میترسیدند و همیشه از او التماس میکردند.
.۳۸و من دیدم تا اینکه همه نسلهای آنها دگرگون شدند و همه آنها به گاوهای نر سفید تبدیل شدند .و اولین آنها به بره تبدیل شد .و آن بره به حیوان بزرگی تبدیل شد و شاخهای سیاه بزرگی بر سرش داشت .و پروردگار گوسفندان از آن و از همه گاوها شادمان شد .۳۹ .و من در میان آنها خوابیدم .و بیدار شدم و همه چیز را دیدم.
.۴۰این رؤیایی است که هنگام خواب دیدم ،و بیدار شدم و پروردگار عدالت را ستایش کردم و او را جلال دادم.
.۴۱آنگاه با گریهای عظیم گریستم و اشکهایم آرام نگرفتند تا اینکه دیگر نتوانستم تحمل کنم :وقتی دیدم ،به خاطر آنچه دیده بودم ،جاری شدند؛ زیرا همه چیز خواهد آمد و به انجام خواهد رسید ،و همه اعمال انسانها به ترتیب خود به من نشان داده شد.
.۴۲در آن شب ،خواب اول را به یاد آوردم و به خاطر آن گریستم و پریشان شدم - زیرا آن رؤیا را دیده بودم.

فصل۹۱

» .۱و اکنون ،پسرم متوشالح ،همه برادرانت را نزد من بخوان ،و همه پسران مادرت را نزد من جمع کن .زیرا کلام مرا میخواند ،و روح بر من نازل میشود ، تا هر آنچه را که تا ابد بر تو خواهد آمد ،به تو نشان دهم«.
.2و متوشالح به آنجا رفت و تمام برادران و خویشان خود را نزد خود فراخواند.
.۳و او با همه فرزندان عدالت سخن گفت و گفت» :ای پسران خنوخ ،به تمام سخنان پدرتان گوش فرا دهید و به صدای دهانم گوش فرا دهید .زیرا من شما را نصیحت میکنم و به شما میگویم ،ای عزیزان ،راستی را دوست داشته باشید و در آن گام بردارید«.
.۴و با دو دلی به سوی درستکاری نزدیک نشوید ،و با دو دلان معاشرت نکنید ،بلکه ای پسران من ،در پارسایی گام بردارید .و این شما را به راههای نیک هدایت خواهد کرد ،و پارسایی همراه شما خواهد بود.
.5زیرا میدانم که خشونت باید در زمین افزایش یابد ،و عذاب بزرگی بر زمین اجرا شود ،و تمام بیعدالتیها پایان یابد .بله ،از ریشههایش قطع خواهد شد ،و تمام ساختارش نابود خواهد شد.
.۶و بیعدالتی دوباره بر روی زمین به اوج خود خواهد رسید ،و تمام اعمال بیعدالتی و خشونت ،و گناه دو برابر خواهد شد.
.۷و هنگامی که گناه و بیعدالتی و کفر ،و خشونت در انواع اعمال ،و ارتداد و تجاوز و ناپاکی افزایش یابد ،عذاب بزرگی از آسمان بر همه اینها نازل خواهد شد ،و خداوند مقدس با خشم و عذاب برای اجرای داوری بر زمین خواهد آمد.
.۸در آن روزها ،ریشههای خشونت و بیعدالتی و فریب از بین خواهد رفت و از زیر آسمان نابود خواهند شد.
.9و تمام بتهای بتپرستان متروک خواهند شد و معابد با آتش سوزانده خواهند شد و آنها را از تمام زمین محو خواهند کرد و به داوری آتش افکنده خواهند شد و در خشم و داوری شدید برای همیشه هلاک خواهند شد.
.۱۰و صالحان از خواب خود بیدار خواهند شد ،و حکمت به آنها عطا خواهد شد.
.۱۱و پس از آن ریشههای بیعدالتی قطع خواهد شد و گناهکاران با شمشیر نابود خواهند شد ...از کفرگویان در هر مکان بریده خواهند شد و کسانی که نقشههای خشونت میکشند و کسانی که کفر میگویند با شمشیر هلاک خواهند شد.
.۱۲و پس از آن ،هفته هشتم دیگری ،هفته عدالت خواهد بود .و شمشیری به آن داده خواهد شد تا داوری عادلانه بر ستمگران اجرا شود .و گناهکاران به دست صالحان سپرده شوند.
.۱۳و در پایان آن ،آنها به واسطه پارسایی خانههایی به دست خواهند آورد .و خانهای برای پادشاه بزرگ در شکوه ابدی ساخته خواهد شد.
.۱۴و همهٔ انسانها به راه درستکاری روی خواهند آورد .و پس از آن ،در نهمین هفته ،داوری عادلانه بر تمام جهان آشکار خواهد شد ،و تمام کارهای خدانشناسان از تمام زمین محو خواهد شد ،و جهان برای نابودی نوشته خواهد شد.
.۱۵و پس از این ،در هفته دهم از بخش هفتم ،داوری بزرگ ابدی رخ خواهد داد ،که در آن او در میان فرشتگان انتقام خواهد گرفت.
.16و آسمان اول از بین خواهد رفت و آسمانی جدید پدیدار خواهد شد و تمام قدرتهای آسمانها هفت برابر نور خواهند داد.
.۱۷و پس از آن ،هفتههای بیشماری برای همیشه وجود خواهد داشت ،و همه چیز در نیکی و پارسایی خواهد بود ،و دیگر هرگز از گناه سخنی به میان نخواهد آمد.
.۱۸و اکنون ،پسرانم ،به شما میگویم و راههای پارسایی و راههای خشونت را به شما نشان میدهم .آری ،آنها را دوباره به شما نشان خواهم داد تا بدانید چه اتفاقی خواهد افتاد.
.۱۹و اکنون ،ای پسرانم ،به من گوش فرا دهید و در راههای پارسایی گام بردارید و در راههای خشونت گام برندارید .زیرا هر که در راههای ناراستی گام بردارد ،برای همیشه هلاک خواهد شد.

فصل۹۲

.۱کتابی که خنوخ نوشته است - خنوخ در واقع این آموزه کامل حکمت را نوشت ،آموزهای که مورد ستایش همه انسانها و داور تمام زمین برای همه فرزندان من است که بر روی زمین ساکن خواهند شد .و برای نسلهای آینده که درستی و صلح را رعایت خواهند کرد.
.۲روحتان به خاطر زمانها پریشان نشود؛ زیرا آن قدوس و بزرگ برای همه چیز روزهایی تعیین کرده است.
.۳و عادل از خواب برمیخیزد ،برمیخیزد و در راههای عدالت گام برمیدارد ،و تمام راه و گفتار او در نیکی و لطف ابدی خواهد بود.
.۴او با پارسایان مهربان خواهد بود و به آنها راستی ابدی خواهد بخشید ،و به او قدرت خواهد داد تا به نیکی و پارسایی آراسته شود .و در نور ابدی گام بردارد.
.5و گناه برای همیشه در تاریکی هلاک خواهد شد ،و از آن روز تا ابد دیگر دیده نخواهد شد.

فصل۹۳

1. و پس از آن خنوخ هم داد و هم شروع به بازگویی از کتابها کرد .و خنوخ گفت» :درباره فرزندان پارسایی و برگزیدگان جهان ،و درباره گیاه راستی ،این چیزها را خواهم گفت ،آری ،من خنوخ ،آنها را برای شما ،پسرانم ،اعلام خواهم کرد«.
2. مطابق آنچه در رؤیای آسمانی بر من نمایان شد ،و آنچه را که از کلام فرشتگان مقدس دانستهام ،و از لوحهای آسمانی آموختهام.
.۳و خنوخ شروع به بازگویی از کتابها کرد و گفت» :من در هفته اول ،هفتمین] فرزند [به دنیا آمدم ،در حالی که داوری و عدالت هنوز پابرجا بودند«.
.۴و پس از من در هفته دوم شرارت بزرگی رخ خواهد داد ،و فریبکاری پدیدار خواهد شد؛ و در آن پایان اول خواهد بود .و در آن مردی نجات خواهد یافت؛ و پس از پایان آن ،بیعدالتی رشد خواهد کرد ،و قانونی برای گناهکاران وضع خواهد شد.
.۵و پس از آن ،در هفته سوم و در پایان آن ،مردی به عنوان گیاه داوری عادلانه انتخاب خواهد شد ،و نسل او برای همیشه به گیاه عدالت تبدیل خواهد شد.
.6و پس از آن ،در هفته چهارم ،در پایان آن ،رؤیاهایی از مقدسین و صالحین دیده خواهد شد ،و قانونی برای همه نسلها و حصاری برای آنها ساخته خواهد شد.
.۷و پس از آن ،در هفته پنجم ،در پایان آن ،خانه جلال و سلطنت برای همیشه ساخته خواهد شد.
.۸و پس از آن ،در هفته ششم ،همه کسانی که در آن زندگی میکنند ،کور خواهند شد و دلهای همه آنها بیخدایی حکمت را رها خواهد کرد .و در آن مردی صعود خواهد کرد .و در پایان آن ،خانه فرمانروایی با آتش سوزانده خواهد شد و تمام نژاد ریشه برگزیده پراکنده خواهند شد.
.9و پس از آن در هفته هفتم ،نسلی مرتد ظهور خواهد کرد .و اعمالش بسیار خواهد بود .و همه اعمالش مرتد خواهد بود.
.۱۰و در پایان آن ،برگزیدگانِ صالحِ گیاهِ ابدیِ عدالت ،برگزیده خواهند شد تا در مورد تمام آفرینش خود ،هفت مرتبه تعلیم بگیرند.
.۱۱زیرا کیست از میان تمامی بنیآدم که بتواند صدای قدوس را بشنود بیآنکه مضطرب شود؟ و کیست که بتواند افکار او را در نظر آورد؟ و کیست که بتواند تمام کارهای آسمان را ببیند؟
.۱۲و چگونه کسی میتواند آسمان را ببیند ،و کیست که بتواند امور آسمان را بفهمد و روح یا روحی را ببیند و از آن سخن بگوید ،یا بالا رود و تمام غایات آنها را ببیند و آنها را در نظر بگیرد یا مانند آنها عمل کند؟
.۱۳و کیست از میان همهٔ آدمیان که بتواند بداند عرض و طول زمین چیست ،و اندازهٔ همهٔ آنها به چه کسی نشان داده شده است؟
.۱۴یا کسی هست که بتواند طول آسمان و ارتفاع آن و اینکه بر چه چیزی بنا شده است و تعداد ستارگان چقدر است و همهٔ ستارگان کجا قرار دارند را تشخیص دهد؟

فصل۹۴

.۱و اکنون به شما میگویم ،ای پسران من ،عدالت را دوست بدارید و در آن گام بردارید .زیرا راههای عدالت شایستهی پذیرش هستند ،اما راههای ناراستی ناگهان نابود و ناپدید خواهند شد.
.۲و راههای خشونت و مرگ برای برخی از مردان نسلی آشکار خواهد شد ،و آنها از آنها دوری خواهند کرد و از آنها پیروی نخواهند کرد.
.۳و اکنون به شما ای پارسایان میگویم :در راههای شرارت گام برندارید ،و نه در راههای مرگ ،و به آنها نزدیک نشوید ،مبادا هلاک شوید.
.۴بلکه پارسایی و زندگی برگزیده را برای خود بجویید و برگزینید ،و در راههای صلح گام بردارید ،تا زیسته و کامیاب شوید.
.۵سخنان مرا در اندیشههای دل خود محکم بدارید و نگذارید که از دلهایتان محو شوند .زیرا میدانم که گناهکاران ،مردم را وسوسه میکنند تا با حیله ،حکمت را طلب کنند ،تا جایی برای آن پیدا نشود و هیچ وسوسهای کم نشود.
.۶وای بر آنان که بیعدالتی و ستم را بنا میکنند و فریب را پایه قرار میدهند؛ زیرا ناگهان سرنگون خواهند شد و آرامش نخواهند داشت.
.۷وای بر کسانی که خانههای خود را با گناه بنا میکنند؛ زیرا از هر پایهای واژگون خواهند شد و با شمشیر خواهند افتاد .و کسانی که در داوری طلا و نقره به دست میآورند ،ناگهان هلاک خواهند شد.
.۸وای بر شما ای ثروتمندان ،زیرا به ثروت خود توکل کردهاید ،و از ثروت خود خواهید رفت ،زیرا در روزهای ثروت خود ،خدای متعال را به یاد نیاوردید.
.۹شما مرتکب کفر و بیعدالتی شدهاید و برای روز کشتار ،و روز تاریکی و روز داوری بزرگ آماده شدهاید.
.۱۰بدین گونه با شما سخن میگویم و اعلام میکنم :آن که شما را آفریده است ،شما را سرنگون خواهد کرد ،و برای سقوط شما هیچ ترحمی نخواهد بود ،و خالق شما از نابودی شما شادمان خواهد شد.
.۱۱و صالحان شما در آن روزها مایهی ننگ گناهکاران و بیخدایان خواهند بود.

فصل۹۵

.۱ای کاش چشمانم ابری از آب میبود تا بر تو گریه کنم و اشکهایم را همچون ابری از آب بریزم تا از غم دلم آرام گیرم!
.۲چه کسی به شما اجازه داده است که سرزنش و شرارت کنید؟ و بدین ترتیب ،ای گناهکاران ،داوری بر شما نازل خواهد شد.
.۳ای پارسایان ،از گناهکاران نترسید ،زیرا خداوند بار دیگر آنها را به دست شما خواهد سپرد تا بر اساس میل خود بر آنها داوری کنید.
.۴وای بر شما که نفرینهای جبرانناپذیر میکنید :پس به خاطر گناهانتان شفا از شما دور خواهد بود.
.۵وای بر شما که به همسایه خود بدی میکنید ،زیرا مطابق اعمالتان مجازات خواهید شد.
.۶وای بر شما ،ای شاهدان دروغگو ،و ای کسانی که بیعدالتی را میسنجید ،زیرا ناگهان هلاک خواهید شد.
.۷وای بر شما ،گناهکاران ،زیرا شما پارسایان را آزار میدهید .زیرا به خاطر بیعدالتی تسلیم و آزار خواهید دید و یوغ آن بر شما سنگین خواهد بود.

فصل۹۶

.۱ای پارسایان ،امیدوار باشید ،زیرا ناگهان گناهکاران پیش روی شما هلاک میشوند و شما بر اساس میل خود بر آنها حکومت خواهید کرد.
.2و در روز مصیبت گناهکاران ،فرزندانت مانند عقابها پرواز خواهند کرد و به آسمان خواهند رفت .و لانهات بلندتر از کرکسها خواهد بود .و تو بالا خواهی رفت و به شکافهای زمین و شکافهای صخرهها ،برای همیشه ،مانند کاهنان در برابر ظالمان ،وارد خواهی شد .و پریهای دریایی برای تو آه خواهند کشید و گریه خواهند کرد.
.۳پس ای رنجدیدگان ،مترسید؛ زیرا شفا نصیب شما خواهد شد ،و نوری درخشان شما را روشن خواهد کرد ،و صدای آرامش را از آسمان خواهید شنید.

.۴وای بر شما ،ای گناهکاران ،زیرا ثروتتان شما را پارسا جلوه میدهد ،اما دلهایتان شما را به گناهکار بودن محکوم میکند ،و این حقیقت ،گواهی بر اعمال زشت شما خواهد بود.
.۵وای بر شما که بهترین گندم را میخورید ،و شراب را در کاسههای بزرگ مینوشید ،و با قدرت خود ،فروتنان را پایمال میکنید.
.۶وای بر شما که از هر چشمه آب مینوشید ،زیرا ناگهان فرسوده و پژمرده خواهید شد ،زیرا چشمه حیات را ترک کردهاید.
.۷وای بر شما که مرتکب بیعدالتی و فریب و کفر میشوید .این یادگاری بدی علیه شما خواهد بود.
.۸وای بر شما ای قدرتمندان ،که با قدرت خود ،عادلان را سرکوب میکنید؛ زیرا روز نابودی شما فرا میرسد .در آن روزها ،روزهای بسیار و خوبی برای عادلان فرا خواهد رسید - در روز داوری شما.

فصل۹۷

.۱ای پارسایان ،ایمان داشته باشید که گناهکاران در روز بیعدالتی رسوا و هلاک خواهند شد.
.۲ای گناهکاران ،بدانید که خدای متعال از نابودی شما آگاه است و فرشتگان آسمان از نابودی شما شادمان میشوند.
.۳ای گناهکاران ،چه خواهید کرد و در آن روز داوری ،هنگامی که صدای دعای صالحان را میشنوید ،به کجا فرار خواهید کرد؟
.۴آری ،شما نیز مانند آنان خواهید بود ،کسانی که این سخن علیه آنها شهادت خواهد داد» :شما با گناهکاران همنشین بودهاید«.
.۵و در آن روزها دعای صالحان به خداوند خواهد رسید ،و روزهای داوری شما فرا خواهد رسید.
.۶و تمام سخنان ناراستی شما در حضور قدوس بزرگ خوانده خواهد شد ،و چهرههایتان از شرم پوشیده خواهد شد ،و او هر عملی را که بر پایه ناراستی باشد ،رد خواهد کرد.
.۷وای بر شما ،ای گناهکاران ،که در میان اقیانوس و خشکی زندگی میکنید ،که یاد شما برای شما بد است.
.۸وای بر شما که نقره و طلا را از راه ناحق به دست میآورید و میگویید» :ما ثروتمند شدهایم و اموال داریم؛ و هر چه خواستهایم به دست آوردهایم«.
.۹و اکنون بیایید آنچه را که قصد کرده بودیم انجام دهیم :زیرا ما نقره جمع کردهایم و بسیاری از کشاورزان در خانههای ما هستند .و انبارهای غله ما مانند آب پر شدهاند.
.۱۰آری ،دروغهایتان مانند آب جاری خواهد شد؛ زیرا ثروتتان پایدار نخواهد ماند ،بلکه به سرعت از شما خواهد رفت؛ زیرا همه اینها را از راه ناراستی به دست آوردهاید و به نفرین بزرگی گرفتار خواهید شد.

فصل۹۸

.۱و اکنون برای شما ،برای خردمندان و نادانان ،سوگند یاد میکنم ،زیرا شما در زمین تجربیات گوناگونی خواهید داشت.
.۲زیرا شما مردان بیشتر از یک زن خود را خواهید آراست ،و بیشتر از یک باکره لباسهای رنگارنگ خواهید پوشید :در سلطنت و شکوه و قدرت ،و در نقره و طلا و ارغوان ،و در شکوه و جلال و خوراک ،مانند آب ریخته خواهند شد.
.۳بنابراین ،آنها در تعلیم و حکمت ناقص خواهند بود و به همراه اموالشان هلاک خواهند شد .و با تمام جلال و شکوهشان ،و در شرمساری و کشتار و فقر شدید ،ارواحشان به کوره آتش افکنده خواهد شد.
.۴ای گناهکاران ،من به شما سوگند یاد کردهام ،چنانکه کوه برده نشده است ،و تپه کنیز زنی نشده است ،چنانکه گناه بر زمین نازل نشده است ،بلکه انسان خود آن را آفریده است ،و کسانی که مرتکب آن میشوند ،به نفرین بزرگی گرفتار خواهند شد.
.۵و نازایی به زن داده نشده است ،بلکه به خاطر اعمال دست خودش ،بدون فرزند میمیرد.
.۶ای گناهکاران ،من به خدای بزرگ و مقدس سوگند یاد کردهام که تمام اعمال بد شما در آسمانها آشکار میشود و هیچ یک از اعمال ستمگرانه شما پوشیده و پنهان نمیماند.
.۷و در روح خود فکر نکنید و در دل خود مگویید که نمیدانید و نمیبینید که هر گناهی هر روز در آسمان ،در حضور خدای متعال ثبت میشود.
.۸از این پس میدانید که تمام ظلم و ستمی که مرتکب میشوید ،هر روز تا روز داوری شما نوشته میشود.
.۹وای بر شما ،ای نادانان ،زیرا از نادانی خود هلاک خواهید شد .و بر خردمندان ستم میکنید ،و بدینسان نصیب شما نخواهد شد.
.۱۰و اکنون بدانید که برای روز نابودی آمادهاید .پس ای گناهکاران ،امیدی به زنده ماندن نداشته باشید ،بلکه خواهید رفت و خواهید مرد؛ زیرا شما هیچ فدیهای نمیشناسید؛ زیرا شما برای روز داوری بزرگ ،برای روز مصیبت و شرمساری عظیم برای روحهایتان آمادهاید.
.۱۱وای بر شما ،ای سنگدلان که مرتکب شرارت میشوید و خون میخورید !از کجا میتوانید چیزهای خوب بخورید و بنوشید و سیر شوید؟ از همه چیزهای خوبی که خداوند متعال به وفور در زمین قرار داده است ،پس شما آرامش نخواهید داشت.
.۱۲وای بر شما که اعمال ناحق را دوست دارید !چرا برای خود آرزوی خوشبختی میکنید؟ بدانید که به دست صالحان سپرده خواهید شد و آنها گردنهای شما را خواهند زد و شما را خواهند کشت و به شما رحم نخواهند کرد.
.۱۳وای بر شما که از مصیبت صالحان شادمان میشوید؛ زیرا هیچ قبری برای شما کنده نخواهد شد.
.۱۴وای بر شما که سخنان پارسایان را بیارزش میدانید ،زیرا امیدی به زندگی نخواهید داشت.
.۱۵وای بر شما که سخنان دروغ و بیخدایی مینویسید؛ زیرا دروغهای خود را مینویسند تا مردم آنها را بشنوند و با همسایه خود بیخدایی کنند.
.۱۶بنابراین ،آنها آرامش نخواهند داشت ،بلکه به مرگ ناگهانی خواهند مرد.

فصل۹۹

.۱وای بر شما که مرتکب گناه میشوید و به دروغگویی افتخار میکنید و آن را ستایش میکنید :هلاک خواهید شد و زندگی شادی نخواهید داشت.
.۲وای بر کسانی که سخنان درست را تحریف میکنند و از قانون ابدی تجاوز میکنند و خود را به گناهکارانی تبدیل میکنند که نبودند .آنها بر زمین لگدمال خواهند شد.
.۳ای پارسایان ،در آن روزها آماده شوید تا دعاهای خود را به عنوان یادگاری مطرح کنید و آنها را به عنوان شهادتی در برابر فرشتگان قرار دهید تا گناه گناهکاران را به عنوان یادگاری در برابر خدای متعال قرار دهند.
.۴در آن روزها ،ملتها برانگیخته خواهند شد ،و قبایل ملتها در روز نابودی قیام خواهند کرد.
.۵و در آن روزها ،نیازمندان بیرون خواهند رفت و فرزندان خود را خواهند برد .و آنها را رها خواهند کرد تا فرزندانشان از بین بروند .بله ،آنها فرزندان شیرخوار خود را رها خواهند کرد و به آنها باز نخواهند گشت .و به عزیزان خود رحم نخواهند کرد.
.۶و دوباره برای شما سوگند یاد میکنم ،ای گناهکاران ،که گناه برای روزی از خونریزی بیوقفه آماده شده است.

.۷و کسانی که سنگها و مجسمههای طلایی و نقرهای و چوبی و سنگی و گلی را میپرستند ،و کسانی که ارواح پلید و شیاطین و انواع بتها را بدون دانش میپرستند ،هیچ کمکی از آنها نخواهند گرفت.
.8و آنها به دلیل حماقت دلهایشان ،بیخدا خواهند شد .و چشمانشان از ترس دلهایشان و از رویاهایشان کور خواهد شد.
.۹از این طریق آنها بیخدا و ترسو خواهند شد .زیرا تمام کارهای خود را با دروغ انجام دادهاند و سنگی را پرستش کردهاند .بنابراین در یک چشم به هم زدن هلاک خواهند شد.
.۱۰اما در آن روزها ،خوشا به حال همه کسانی که سخنان حکمت را میپذیرند و آنها را میفهمند ،و راههای خدای متعال را دنبال میکنند و در مسیر عدالت او گام برمیدارند ،و با بیخدایان بیخدا نمیشوند ،زیرا آنها نجات خواهند یافت.
.۱۱وای بر شما که به همسایگان خود بدی میکنید ،زیرا در شئول کشته خواهید شد.
.۱۲وای بر شما که فریب و نیرنگ میزنید ،و وای بر آنان که زمین را تلخ میکنید ،زیرا بدین وسیله کاملاً نابود خواهید شد.
.۱۳وای بر شما که خانههایتان را با رنج و زحمت دیگران میسازید ،و تمام مصالح ساختمانیتان آجر و سنگ گناه است؛ به شما میگویم که آرامش نخواهید داشت.
.۱۴وای بر کسانی که معیار و میراث ابدی پدران خود را رد میکنند ،و روحشان از بتها پیروی میکند؛ زیرا آنها آرامش نخواهند داشت.
.۱۵وای بر کسانی که مرتکب گناه میشوند و به ظلم کمک میکنند و همسایگان خود را تا روز داوری بزرگ میکشند.
.۱۶زیرا او جلال شما را به زیر خواهد کشید ،و دلهای شما را به رنج خواهد انداخت ،و خشم شدید خود را برانگیخته ،و همه شما را با شمشیر نابود خواهد کرد .و همه مقدسین و صالحین گناهان شما را به یاد خواهند آورد.

فصل۱۰۰

.۱و در آن روزها ،پدران و پسرانشان در یک مکان کشته خواهند شد .و برادران با یکدیگر خواهند مرد ،تا نهرها از خونشان جاری شود.
.۲زیرا هیچ مردی از کشتن پسران و نوادگان پسرانش دست برنمیدارد ،و گناهکار از برادر گرامیاش دست برنمیدارد .از سپیده دم تا غروب آفتاب ،یکدیگر را خواهند کشت.
.۳و اسب در خون گناهکاران تا سینه بالا خواهد رفت ،و ارابه تا اوج خود غرق خواهد شد.
.۴در آن روزها ،فرشتگان به مکانهای مخفی فرود خواهند آمد و همه کسانی را که گناه را نازل کردهاند ،در یک مکان جمع خواهند کرد .و خداوند متعال در آن روز داوری ،برای اجرای داوری بزرگ در میان گناهکاران ،قیام خواهد کرد.
.5و بر همه صالحان و مقدسان ،نگهبانانی از میان فرشتگان مقدس خواهد گماشت تا از آنها مانند مردمک چشم محافظت کنند ،تا زمانی که او به همه شرارتها و گناهان پایان دهد .و اگرچه صالحان به خواب طولانی میروند ،اما چیزی برای ترسیدن ندارند.
.6و آنگاه فرزندان زمین ،خردمندان را در امنیت خواهند دید ،و تمام کلمات این کتاب را خواهند فهمید ،و خواهند دانست که ثروت آنها قادر نخواهد بود آنها را نجات دهد ،در حالی که گناهانشان را از بین میبرند.
.۷وای بر شما ،گناهکاران ،در روز عذاب سخت ،شما که صالحان را آزار میدهید و آنها را با آتش میسوزانید :شما مطابق اعمالتان مجازات خواهید شد.
.۸وای بر شما ،ای دلهای سرسخت ،که مترصد تدبیر شرارت هستید .پس ترس بر شما مستولی خواهد شد و کسی نخواهد بود که شما را یاری دهد.
.۹وای بر شما ،ای گناهکاران ،به سبب سخنان دهانتان ،و به سبب اعمال دستتان که با بیخدایی انجام دادهاید ،در شعلههای سوزان ،بدتر از آتش ،خواهید سوخت.
.۱۰و اکنون بدانید که او از فرشتگان درباره اعمال شما در آسمان ،از خورشید و ماه و ستارگان درباره گناهانتان خواهد پرسید ،زیرا شما بر روی زمین درباره پارسایان داوری میکنید.
.11و او هر ابر و مه و شبنم و باران را احضار خواهد کرد تا علیه شما شهادت دهند؛ زیرا همه آنها به خاطر شما از فرود آمدن بر شما باز داشته خواهند شد و گناهان شما را به یاد خواهند آورد.
.۱۲و اکنون به باران هدایایی بدهید تا از نزول بر شما باز داشته نشود ،و نه به شبنم ،هنگامی که از شما طلا و نقره دریافت کرده است تا فرود آید.
.۱۳هنگامی که یخبندان و برف با سرمای خود ،و همه طوفانهای برف با همه بلاهایشان بر شما فرود آیند ،در آن روزها نمیتوانید در برابر آنها بایستید.

فصل۱۰۱

.۱ای فرزندان آسمان ،به آسمان و به هر کار خدای متعال بنگرید و از او بترسید و در حضور او مرتکب بدی نشوید.
.۲اگر او به خاطر شما ،پنجرههای آسمان را ببندد و باران و شبنم را از فرود آمدن بر زمین باز دارد ،آنگاه چه خواهید کرد؟
.۳و اگر او به خاطر اعمالتان خشم خود را بر شما نازل کند ،نمیتوانید از او درخواست کمک کنید ،زیرا سخنان متکبرانه و گستاخانهای علیه عدالت او گفتهاید .بنابراین ،آرامشی نخواهید داشت.
.۴و آیا ملاحان کشتیها را نمیبینید که چگونه کشتیهایشان در اثر امواج به این سو و آن سو پرتاب میشود و از بادها تکان میخورد و در سختی و زحمت است؟
.5و از این رو آنها میترسند زیرا تمام داراییهای خوبشان با آنها به دریا میرود و آنها با دلهای بد خود پیشگویی میکنند که دریا آنها را خواهد بلعید و در آن هلاک خواهند شد.
.۶آیا تمام دریا و تمام آبهای آن و تمام حرکات آن ،کار خدای متعال نیست ،و آیا او برای اعمال آن محدودیتهایی قرار نداده و آن را در سراسر آن با شن محصور نکرده است؟
.7و از سرزنش او میترسد و خشک میشود و همه ماهیهایش و هر چه در آن است میمیرند .اما شما گناهکاران روی زمین از او نمیترسید.
.۸آیا او آسمان و زمین و هر آنچه در آنهاست را نیافریده است؟ چه کسی به هر آنچه در زمین و دریا حرکت میکند ،فهم و حکمت داده است؟
.۹آیا ملاحان کشتیها از دریا نمیترسند؟ اما گناهکاران از خدای متعال نمیترسند.

فصل۱۰۲

.۱در آن روزها که او آتشی سهمگین بر شما نازل کند ،به کجا فرار خواهید کرد و کجا رهایی خواهید یافت؟ و هنگامی که کلام خود را علیه شما نازل کند ،آیا هراسان و وحشتزده نخواهید شد؟
.2و تمام نورانیها از ترس شدید وحشتزده خواهند شد .و تمام زمین وحشتزده و لرزان و مضطرب خواهد شد.
.۳و همه فرشتگان دستورات خود را اجرا خواهند کرد و سعی خواهند کرد خود را از حضور جلال عظیم پنهان کنند .و فرزندان زمین خواهند لرزید و به لرزه درخواهند آمد .و شما گناهکاران برای همیشه نفرین خواهید شد و آرامش نخواهید داشت.

.۴ای ارواح صالحان ،مترسید و ای کسانی که در راه عدالت از دنیا رفتهاید ،امیدوار باشید.
.۵اگر روحت از اندوه به گور رفته است ،و اگر در زندگیات با بدنت مطابق خوبیات رفتار نشده است ،غمگین مباش .بلکه منتظر روز داوری گناهکاران و روز نفرین و مجازات باش.
.۶و با این حال ،هنگامی که میمیرید ،گناهکاران درباره شما میگویند» :همانطور که ما میمیریم ،صالحان نیز میمیرند .و آنها از اعمال خود چه سودی میبرند؟«
.۷بنگرید ،آنها نیز مانند ما در غم و اندوه و تاریکی میمیرند ،و آنها چه چیزی بیشتر از ما دارند؟ از این پس ما برابریم.
.۸و چه چیزی دریافت خواهند کرد و چه چیزی را برای همیشه خواهند دید؟ بنگرید ،آنها نیز مردهاند ،و از این پس برای همیشه نوری نخواهند دید.
.۹ای گناهکاران ،به شما میگویم که به خوردن و آشامیدن ،دزدی و گناه ،و برهنه کردن مردم ،و کسب ثروت و دیدن روزهای خوب ،قانع هستید.
.۱۰آیا نیکان را دیدهای که چگونه سرانجامشان به پایان میرسد ،و تا مرگشان هیچ گونه خشونتی در آنها یافت نمیشود؟
» .۱۱با این وجود ،آنها هلاک شدند و چنان شدند که گویی وجود نداشتند ،و ارواحشان در مصیبت به گور) یا جهنم (فرود آمد«.

فصل۱۰۳

.۱اکنون ،بنابراین ،به شما ای پارسایان ،به جلال آن بزرگ و ارجمند و توانا در فرمانروایی ،و به بزرگی او سوگند یاد میکنم:
.۲من رازی میدانم ،و لوحهای آسمانی را خواندهام ،و کتابهای مقدس را دیدهام ،و در آنها نوشته و در مورد آنها نوشته شده یافتهام:
.۳اینکه همه خوبیها و شادیها و جلال برای آنها آماده شده است ،و برای ارواح کسانی که در راه درستکاری مردهاند ،نوشته شده است ،و اینکه نیکیهای فراوان به شما در پاداش زحماتتان داده خواهد شد ،و اینکه نصیب شما بسیار فراتر از نصیب زندگان است.
.۴و ارواح شما که در راه درستکاری مردهاید ،زنده و شادمان خواهند بود .و ارواح آنها و همچنین یادشان از پیشگاه خدای بزرگ تا نسلهای آینده نابود نخواهد شد .از این رو ،دیگر از اهانت آنها نترسید.
.۵وای بر شما ،ای گناهکاران ،هنگامی که بمیرید ،اگر در انبوه گناهان خود بمیرید ،و کسانی که مانند شما هستند درباره شما بگویند» :خوشا به حال گناهکاران :آنها تمام روزهای خود را دیدهاند«.
.۶و چگونه در رفاه و ثروت مردند ،و در زندگی خود مصیبت یا قتلی ندیدند؛ و با عزت مردند ،و در طول زندگیشان داوری بر آنها اجرا نشد.
.۷بدانید که روح آنها به جهنم فرو خواهد رفت و در مصیبت بزرگ خود بدبخت خواهند بود.
.۸و به تاریکی و زنجیر و شعلهای سوزان ،جایی که داوری سخت است ،ارواح شما وارد خواهند شد .و داوری بزرگ برای همه نسلهای جهان خواهد بود . وای بر شما ،زیرا آرامش نخواهید داشت.
.۹دربارهٔ پارسایان و نیکانِ زنده مگویید» :در روزگارِ سختِ خود ،سخت کوشیدهایم و هر سختی را تجربه کردهایم ،با بدیهای بسیار روبرو شدهایم و تحلیل رفتهایم ،و اندک گشتهایم و روحمان کوچک شده است«.
.۱۰و ما نابود شدهایم و کسی را نیافتهایم که حتی با یک کلمه به ما کمک کند :ما شکنجه و نابود شدهایم و امیدی به دیدن زندگی روزمره نداریم.
.۱۱ما امیدوار بودیم که سر باشیم و دم شدیم .ما سخت کار کردهایم و از زحمات خود راضی نبودهایم .و ما خوراک گناهکاران و ظالمان شدهایم ،و آنها یوغ خود را بر ما سنگین کردهاند.
.۱۲کسانی بر ما تسلط داشتند که از ما نفرت داشتند و ما را کتک میزدند؛ و ما در برابر کسانی که از ما نفرت داشتند ،سر تعظیم فرود آوردیم ،اما آنها به ما رحم نکردند.
.۱۳ما میخواستیم از آنها دور شویم تا بتوانیم فرار کنیم و استراحت کنیم ،اما جایی پیدا نکردیم که به آنجا فرار کنیم و از آنها در امان باشیم.
.۱۴و در مصیبت ما به حاکمان شکایت کردیم ،و علیه کسانی که ما را بلعیدند فریاد زدیم ،اما آنها به فریادهای ما توجه نکردند و به صدای ما گوش ندادند.
.۱۵و آنها به کسانی که ما را غارت کردند و ما را خوردند و به کسانی که ما را کم کردند ،کمک کردند؛ و ظلم آنها را پنهان کردند ،و یوغ کسانی را که ما را خوردند و ما را پراکنده کردند و کشتند ،از ما برنداشتند ،و قتل آنها را پنهان کردند ،و به یاد نیاوردند که دست خود را علیه ما بلند کرده بودند.

فصل۱۰۴

.۱سوگند میخورم که فرشتگان در آسمان ،در پیشگاه جلال خدای بزرگ ،از شما به نیکی یاد میکنند و نامهایتان در پیشگاه جلال خدای بزرگ نوشته شده است.
.۲امیدوار باشید؛ زیرا پیش از این ،شما به دلیل بیماری و مصیبت ،شرمنده بودید؛ اما اکنون مانند نورهای آسمان خواهید درخشید ،خواهید درخشید و دیده خواهید شد و دروازههای آسمان به روی شما گشوده خواهد شد.
.۳و با فریاد خود ،برای داوری فریاد بزنید ،و آن بر شما آشکار خواهد شد؛ زیرا تمام مصیبت شما بر حاکمان و بر همه کسانی که به غارتگران شما کمک کردند ،وارد خواهد شد.
.۴امیدوار باشید و امیدهایتان را از دست ندهید ،زیرا مانند فرشتگان آسمان شادی بزرگی خواهید داشت.
.۵شما موظف به انجام چه کاری خواهید بود؟ در روز داوری بزرگ مجبور به پنهان شدن نخواهید بود و گناهکار شناخته نخواهید شد ،و داوری ابدی برای تمام نسلهای جهان از شما دور خواهد بود.
.۶و اکنون ای پارسایان ،وقتی میبینید که گناهکاران قوی میشوند و در راههای خود موفق میشوند ،نترسید .با آنها همراه نشوید ،بلکه از خشونت آنها دوری کنید ،زیرا شما همراهان لشکرهای آسمان خواهید شد.
.۷و اگرچه شما گناهکاران میگویید» :همه گناهان ما بررسی و نوشته نخواهد شد ،«با این حال ،آنها هر روز همه گناهان شما را خواهند نوشت.
.۸و اکنون به شما نشان میدهم که نور و تاریکی ،روز و شب ،همه گناهان شما را میبینند.
.۹در دلهایتان بیخدا نباشید ،دروغ نگویید و سخنان درست را تغییر ندهید ،سخنان قدوس بزرگ را به دروغگویی متهم نکنید ،و بتهایتان را به حساب نیاورید؛ زیرا تمام دروغگوییها و تمام بیخداییهایتان نه از راه درستکاری ،بلکه از راه گناه بزرگ سرچشمه میگیرد.
.10و اکنون من این راز را میدانم که گناهکاران سخنان عدالت را به طرق مختلف تغییر داده و منحرف میکنند ،و سخنان بد میگویند ،دروغ میگویند ،و فریبهای بزرگی مرتکب میشوند ،و کتابهایی در مورد سخنان خود مینویسند.
.۱۱اما هنگامی که آنها تمام سخنان مرا به زبانهای خود به راستی بنویسند ،و هیچ چیزی از سخنان مرا تغییر ندهند یا کم نکنند ،بلکه همه آنها را به راستی بنویسند - هر آنچه را که من برای اولین بار درباره آنها شهادت دادم.
.۱۲سپس ،من راز دیگری را میدانم ،که کتابها به صالحان و خردمندان داده خواهد شد تا مایه شادی و درستکاری و خرد فراوان شوند.
.۱۳و به آنها کتابها داده خواهد شد ،و آنها به آنها ایمان خواهند آورد و از آنها شادمان خواهند شد ،و سپس به همه صالحانی که از آنها همه راههای درستکاری را آموختهاند ،پاداش داده خواهد شد.

فصل۱۰۵

.۱در آن روزها ،خداوند به آنها فرمود که فرزندان زمین را فرا بخوانند و در مورد حکمتشان به آنها شهادت دهند :آن را به آنها نشان دهید ،زیرا شما راهنمایان آنها و پاداشی بر تمام زمین هستید.
.۲زیرا من و پسرم برای همیشه در راههای درستکاری در زندگی آنها با آنها متحد خواهیم بود .و شما آرامش خواهید داشت .شاد باشید ،ای فرزندان درستکاری .آمین.

فصل۱۰۶

.1و پس از چند روز ،پسرم متوشالح برای پسرش لامِک زنی گرفت و او از او باردار شد و پسری به دنیا آورد.
.2و بدنش مانند برف سفید و مانند شکوفه گل سرخ بود ،و موهای سر و موهای بلندش مانند پشم سفید بود ،و چشمانش زیبا بود .و وقتی چشمانش را باز کرد ، تمام خانه را مانند خورشید روشن کرد ،و تمام خانه بسیار روشن بود.
.3و در آنجا او در دستان ماما بلند شد ،دهانش را باز کرد و با پروردگار عدالت صحبت کرد.
.4پدرش لَمِک از او ترسید و فرار کرد و نزد پدرش مَتوشالَح آمد.
.5و به او گفت» :من پسری عجیب و غریب آوردهام ،متفاوت و بیشباهت به انسان ،و شبیه پسران خدای آسمان؛ و طبیعت او متفاوت است و مانند ما نیست ، و چشمانش مانند پرتوهای خورشید است ،و چهرهاش باشکوه است«.
.6و به نظر من میرسد که او از من زاده نشده ،بلکه از فرشتگان است ،و من میترسم که در روزگار او معجزهای بر زمین رخ دهد.
.۷و اکنون ،پدر من ،من اینجا هستم تا از تو التماس کنم و از تو التماس کنم که نزد خنوخ ،پدر ما ،بروی و حقیقت را از او بیاموزی ،زیرا جایگاه او در میان فرشتگان است.
.8و چون متوشالح سخنان پسرش را شنید ،به آن سوی زمین نزد من آمد؛ زیرا شنیده بود که من آنجا هستم ،و با صدای بلند فریاد زد ،و من صدایش را شنیدم و نزد او آمدم .و به او گفتم» :اینک ،من اینجا هستم ،پسرم ،چرا نزد من آمدهای؟«
.9او پاسخ داد و گفت» :به دلیل نگرانی بزرگی نزد تو آمدهام و به دلیل رؤیایی نگرانکننده نزدیک شدهام«.
.۱۰و اکنون ،پدر من ،به من گوش کن :برای پسرم لَمَک پسری به دنیا آمده است که مانند او کسی نیست و طبیعت او مانند طبیعت انسان نیست و رنگ بدنش سفیدتر از برف و قرمزتر از شکوفه گل رز است و موهای سرش سفیدتر از پشم سفید است و چشمانش مانند پرتوهای خورشید است .و چشمانش را باز کرد و از آن طریق تمام خانه روشن شد.
.11و او در دستان ماما برخاست و دهانش را باز کرد و پروردگار آسمانها را ستایش کرد.
.12و پدرش لامِک ترسید و به سوی من گریخت و باور نکرد که او از او زاده شده است ،بلکه باور داشت که او به شکل فرشتگان آسمان است؛ و اینک من نزد تو آمدهام تا حقیقت را به من بگویی.
.۱۳و من ،خنوخ ،به او پاسخ دادم و گفتم» :خداوند کار جدیدی روی زمین انجام خواهد داد ،و من این را قبلاً در رؤیا دیدهام ،و به تو میگویم که در نسل پدرم یارد ،برخی از فرشتگان آسمان از کلام خداوند سرپیچی کردند«.
.۱۴و اینک آنها مرتکب گناه میشوند و از قانون سرپیچی میکنند ،و خود را با زنان پیوند میدهند و با آنها مرتکب گناه میشوند ،و با برخی از آنها ازدواج میکنند و از آنها فرزندانی به دنیا میآورند.
.۱۵و آنها بر روی زمین غولهایی نه بر اساس روح ،بلکه بر اساس جسم ،تولید خواهند کرد .و عذاب بزرگی بر روی زمین خواهد بود و زمین از هرگونه ناپاکی پاک خواهد شد.
.۱۶آری ،ویرانی بزرگی در سراسر زمین رخ خواهد داد و طوفان و ویرانی بزرگی به مدت یک سال رخ خواهد داد.
.۱۷و این پسری که برای تو زاده شده است ،بر زمین خواهد ماند و سه فرزندش با او نجات خواهند یافت .هنگامی که تمام بشریت روی زمین بمیرند ،او و پسرانش نجات خواهند یافت.
.۱۸و اکنون به پسرت لَمَک بگو که آن که به دنیا آمده ،در حقیقت پسر اوست و نامش را نوح بگذار؛ زیرا او به تو واگذار خواهد شد و او و پسرانش از هلاکتی که به دلیل تمام گناهان و تمام بیعدالتیهایی که در روزگار او بر زمین نازل خواهد شد ،بر زمین فرود خواهد آمد ،نجات خواهند یافت.
.۱۹و پس از آن ،بیعدالتی بیشتری نسبت به آنچه که در ابتدا بر روی زمین انجام شد ،وجود خواهد داشت .زیرا من اسرار مقدسین را میدانم .زیرا او ،خداوند ، به من نشان داده و مرا آگاه کرده است ،و من آنها را در لوحهای آسمانی خواندهام.

فصل۱۰۷

1. و دیدم که بر آنها نوشته شده بود که نسل اندر نسل گناه خواهند کرد تا نسلی از پارسایی برخیزد و گناه نابود شود و گناه از زمین رخت بربندد و همه گونه خوبی بر آن پدیدار شود.
2. و اکنون ،پسرم ،برو و به پسرت لَمَک خبر بده که این پسری که به دنیا آمده ،حقیقتاً پسر اوست و این دروغ نیست.
3. و چون متوشالح سخنان پدرش خنوخ را شنید - زیرا او همه چیز را در نهان به او نشان داده بود - بازگشت و آنها را به او نشان داد و نام آن پسر را نوح نامید؛ زیرا او پس از همه ویرانیها ،زمین را تسلی خواهد داد.

فصل۱۰۸

.۱کتاب دیگری که خنوخ برای پسرش متوشالح و برای کسانی که پس از او خواهند آمد و در ایام آخر شریعت را حفظ خواهند کرد ،نوشت.
.۲شما که نیکوکار بودهاید ،منتظر آن روزها باشید تا کار بدکاران تمام شود و قدرت ستمکاران به پایان رسد.
.۳و شما منتظر باشید تا گناه از بین برود ،زیرا نام آنها از کتاب زندگی و از کتابهای مقدس پاک خواهد شد و نسل آنها برای همیشه نابود خواهد شد و ارواح آنها کشته خواهد شد و آنها در مکانی که بیابانی پر هرج و مرج است ،گریه و زاری خواهند کرد و در آتش خواهند سوخت ،زیرا در آنجا خاکی وجود ندارد.
.4و من چیزی شبیه یک ابر نامرئی دیدم ،زیرا به دلیل عمق آن نمیتوانستم نگاه کنم .و شعلهای از آتش را دیدم که به شدت میدرخشید و چیزهایی مانند کوههای درخشان که در اطراف میچرخیدند و به اطراف میچرخیدند.
.5و از یکی از فرشتگان مقدس که با من بود پرسیدم و به او گفتم» :این چیز درخشان چیست؟ زیرا این آسمان نیست ،بلکه فقط شعله آتش سوزان و صدای گریه و ناله و زاری و درد شدید است«.

.6و او به من گفت» :این مکانی که میبینی ،ارواح گناهکاران و کفرگویان و کسانی که مرتکب شرارت میشوند و کسانی که هر آنچه خداوند از طریق دهان پیامبران گفته است را تحریف میکنند ،یعنی آنچه که خواهد شد ،به اینجا ریخته میشوند«.
.7زیرا برخی از آنها در آسمان نوشته و ثبت شدهاند تا فرشتگان آنها را بخوانند و بدانند چه اتفاقی برای گناهکاران و ارواح فروتنان و کسانی که بدنهای خود را رنج دادهاند و توسط خدا مجازات شدهاند و کسانی که توسط افراد شرور شرمنده شدهاند ،خواهد افتاد.
.۸کسانی که خدا را دوست دارند و نه طلا و نه نقره و نه هیچ یک از چیزهای خوب دنیا را دوست ندارند ،بلکه بدنهای خود را به شکنجه تسلیم کردهاند.
.۹از زمان پیدایششان ،آرزوی خوراک زمینی نداشتند ،بلکه همه چیز را همچون نفسی زودگذر میدانستند و بر آن اساس زندگی میکردند .خداوند آنها را بسیار آزمود و روحشان پاک یافت شد تا نام او را ستایش کنند.
.10و تمام نعمتهایی که برایشان مقدر شده بود را در کتابها برشمردهام .و او پاداش آنها را برایشان تعیین کرده است ،زیرا آنها کسانی بودند که بهشت را بیش از زندگیشان در دنیا دوست داشتند ،و اگرچه زیر پای افراد شرور لگدمال شدند و از آنها مورد آزار و اذیت و توهین قرار گرفتند و شرمنده شدند ،اما مرا ستایش کردند.
.۱۱و اکنون ارواح نیکان نسل نور را فرا خواهم خواند و آنان را که در تاریکی زاده شدهاند ،دگرگون خواهم کرد ،آنان که در جسم با چنان افتخاری که شایستهی ایمانشان بود ،پاداش داده نشدند.
.۱۲و من کسانی را که نام مقدس مرا دوست داشتهاند ،در نور درخشان آشکار خواهم کرد و هر یک را بر تخت افتخار خود خواهم نشاند.
.۱۳و آنها برای زمانهای بیشماری خواهند درخشید؛ زیرا عدالت ،داوری خداست؛ زیرا به مؤمنان ،در سکونت در راههای درست ،ایمان خواهد بخشید.
.۱۴و آنها کسانی را که در تاریکی متولد شده بودند ،خواهند دید که به تاریکی هدایت میشوند ،در حالی که صالحان درخشان خواهند بود.
.۱۵و گناهکاران با صدای بلند فریاد خواهند زد و آنها را درخشان خواهند دید ،و آنها به جایی خواهند رفت که روزها و فصلها برایشان تعیین شده است.